

www.mahdi313-s.org

مهدویت

در صحاح سته



سید رضی قادری

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدویت در صحاح سته

نویسنده:

رضی قادری

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهدویت در صحاح سته

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مهدویت در صحاح سته/رضی قادری ؛ ویراستار: محمدرضا مجیری

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۸۸ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ اول

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۱۵۳۴۲

۲۵۰۰۰ ریال: ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۶۸-۲

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۱۸۳-۱۸۸]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مهدویّت ـ احادیث اهل سنت ـ بررسی و شناخت. ۲. آخرالزمان ـ احادیث اهل سنت ـ بررسی و شناخت. ۳. محمدبن حسن(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. ـ ـ احادیث اهل سنت ـ بررسی و شناخت. الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی(عج). ب. مرکز تخصصی مهدویّت. ج. عنوان.

BP ۴۶۲/۲۹۷ ۴/۲۲۴ /۲م ۹ق

[BP ۵/۱۴۱ /۹م ۲ق]

[۲۱۸/۲۹۷]

ص:۱

اشاره

مهدویت در صحاح سته

سید رضی قادری

مهدویت در صحاح سته

مؤلف/ سید رضی قادری

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

چاپ و لیتوگرافی/ کمال الملک

ویراستار/ محمدرضا مجیری

صفحه آرا/ عباس فریدی

نوبت چاپ/ یازدهم، آذر ۱۳۹۰

تیراژ/ بیست هزار نسخه

قیمت/ ۲۵۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا /کوچه آمار(۲۲) / بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹- ۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن:۵ _۸۸۹۹۸۶۰۱/ فاکس: ۸۸۹۹۸۶۰۷ /ص.پ: ۳۵۵ _۱۵۶۵۵

۳. زاهدان، تقاطع خ آیت الله کفعمی و شهید مصطفی خمینی، سمت راست،

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۳۲۲۹۸۸۲-۰۵۴۱

www.mahdi۳۱۳.org

www.mahdi۳۱۳.ir

info@mahdi۳۱۳.org

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۶۸-۲

فهرست مطالب

۵. سنن ابن ماجه۴۵

ص:۵

فصل اول:

ص:۶

ص:۷

مقدمه

ص:۹

بسم الله الرحمن الرحیم

بی تردید یکی از مؤلفه های مهم حیات اجتماعی بشر، مسأله دین و اعتقادات دینی است؛ چرا که هویت آدمی با اعتقادات او شکل می گیرد. کمتر ملت و جامعه ای را می توان یافت که معارف دینی در آن رسوخ نکرده باشد. میان اعتقادات و برداشت ها و تصورات آدمی، باورهای اصیلی است که با فطرت و عقل آدمی عجین شده و در طول تاریخ، ذهن انسان ها را به خود مشغول کرده است. یکی از این اعتقادات، اعتقاد به وجود منجی و موعود مصلح آخر الزمان است که در هر ملت و مذهب و حتی بین معتقدان به ادیان غیر الهی نیز مطرح بوده است. این اعتقاد، بین پیروان ادیان الهی، رنگ و بویی خاص به خود گرفته است و هر کس در این راستا، طبق معتقدات خویش، آن حقیقت موعود را انتظار می کشد.

این حقیقت، در عقاید و معارف اسلامی تحت عنوان«مهدی» تبلور یافته و اذهان را متوجه خود کرده است. بی تردید از بخش های مهم عقاید اسلام «اعتقاد به مهدویت» و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ص:۱۰

هنگـامی که آفتـاب اسـلام در جزیره العرب طلوع کرد و وجود مبـارک رسول مکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم رسـالت الهی خویش را آوازه جهانیـان کرد، همه مخاطبان را به آینـده درخشان نویـد داد. از اصول پـذیرفته شـده عقایـد اسـلامی، اعتقاد به مهـدویت و ظهور امام مهدی است. می توان گفت کمتر موضوعی را می توان یافت که تا این اندازه به آن اهمیت داده شده و مورد اجماع همگان نیز باشـد؛ لذا با قاطعیت می توان گفت: در اعتقاد به منجی آخر الزمان و مهدی موعود، نوعی وحدت نظر بین فرق مسـلمین برقرار است؛ هرچند در این میان، بعضـی افراد با انگیزه های مبهم یا غرض ورزی یا از روی ناآگاهی و جهل به مبـانی اسـلامی، درصددنـد این باور را برگرفته از انـدیشه های یهودی و مسـیحی یا باور صـرفاً شـیعی جلوه دهنـد. حتی این اندیشه را برآمده از مسایل تاریخی چند قرن بعد از ظهور اسلام مطرح کنند؛ در حالی که این اندیشه ـ علاوه بر این که مطابق فطرت و عقل است ـ از قطعی ترین معارف وحیانی اسـلام و برگرفته از کلمات گهربار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. البته آیات قرآن نیز چنین وعده ای را مطرح کرده است. گفتنی است میان مسـلمانان، کسانی یافت می شوند که این انـدیشه متعـالی را به نحوی خـدشه دار کننـد؛ ولی بین کلمـات و نوشـته هـای آن هـا به طور ضـمنی و التزامی، اصل اعتقاد به مهدویت را می توان یافت.

کتاب حاضـر در پی اثبات این مـدعا است که در معتبر ترین منابع حدیثی اهل سـنت «صـحاح سـته» در احادیث فراوانی، اصـل اعتقـاد به مهـدی و حسب و نسب آن بزرگـوار حـتی بعضـی از علا-یم و شـرایط خروج و ظهور مهـدی، مطرح شـده است. نیز بسـیاری از مواردی که در صـحاح مطرح شده است، با احادیث و روایات معتبر شـیعی منطبق است. جالب آن که در سه کتاب از صحاح سته (سنن ابن ماجه، ترمذی و ابوداوود)

ص:۱۱

باب خاصی را به «امام مهدی» اختصاص داده اند.

باید توجه کرد که موضوع امام مهدی نزد شیعه، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. شیعه، امام مهدی را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و امام دوازدهم و آخرین خلیفه از خلفای دوازدهگانه می داند که نیمه شعبان سال ۲۵۵ق در سامرا تولد یافت.شیعه معتقد است اکنون، عالم از وجود این امام بهره مند است؛ هرچند به امر الهی، در دوران غیبت به سر می برد.

گفتنی است در طول تاریخ، عالمان فراوانی از اهل سنت در کتب خود به موضوع امام مهدی پرداخته و بسیاری از آن ها به صحت احادیث مهدوی معتقد بوده اند. شمار زیادی از علمای اهل سنت، به تواتر احادیث مهدوی معتقد شده اند که در قسمت های بعد به این موارد می پردازیم.

بسیار روشن است که بحث های تطبیقی در روایات ــ به ویژه در موضوع امام مهدی ــ بسیار جذاب بوده و به علاوه موجب انسجام و اتحاد در تفکر و اندیشه اسلامی خواهد شد؛ به خصوص در زمان کنونی که از درون و بیرون دنیای اسلام بر طبل اختلافات کوفته می شود، بحث ها و گفتمان هایی چون گفتمان مهدویت و تطبیق آن در روایات فریقین، موجب اتحاد در تفکر و در نهایت اتحاد در عمل خواهد شد؛ ان شاءالله.

از آن جا که موضوع امام مهدی، مسأله ای بسیار مهم و مورد توجه است و از طرف دیگر، معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت، «صحاح سته» است، تحقیق و بررسی این مطلب در صحاح سته، سودمند و حتی لازم است؛ لذا کوشیده ایم همه احادیث مهدوی این صحاح را بررسی کرده و مورد کنکاش و تحلیل قرار دهیم.

ص:۱۲

بخـش نخست: جایگاه مهدویت در اهل سنت

اشاره

ص:۱۳

درآمد

نه تنها امت اسلامی، بلکه جمیع ادیان و حتی مکاتب غیر دینی، بر ظهور موعود و منجی و مصلح آخر الزمان تکیه کرده اند.

مهدویت و ظهور مهدی در آخر الزمان، عقیده ای است که مسلمانان با وجود اختلاف مذاهب، بر آن متفق هستند. همه مذاهب اسلامی، بر این مطلب اتفاق دارند که در آخر الزمان، شخصی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قیام کرده و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد؛ همان طور که از ظلم و جور پر شده است. عده زیادی از علمای اهل سنت، تصریح کرده اند که این عقیده، مورد اتفاق مسلمین است و برخی از آنان قائلند که منکر خروج مهدی، کافر است و در این باره احادیثی نیز نقل کرده اند.(۱) حتی بعضی از فقهای اهل سنت، منکر مهدی را واجب القتل می دانند و بعضی گفته اند: باید او را تعزیر و تأدیب کرد، تا به حق بازگردد.(۲)

۱- ینابیع الموده، ص ۴۴۷؛ برهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۷۸.

۲- ناصرالدین، مجله التمدن الإسلامیه، ش۲، ص ۶۴۳؛ القول المختصر فی علامات مهدی المنتظر، ص ۲۶.

متأسفانه برخی نویسندگان مسلمان، در موضوع مهم مهدویت تشکیک کرده اند که باید گفت در بسیاری از این موارد، القائات برخی از مستشرقان بی تأثیر نبوده است.

«فان فلوتن» در کتابش، قضیه مهدویت را ناشی از فشارهای سیاسی ای می داند که حکومت های وقت بر شیعه پدید آورده اند و شیعه برای رهایی از آن ظلم وستم، مهدویت را علم کرد. وی می نویسد:

ظلم و ستم حاکمان عباسی، از امویان کمتر نبوده است. این ظلم و ستم ها، به حدی بود که مظلومان و مستضعفان را بر آن داشت تا خود را امیدوار کنند؛ لذا چاره ای ندیدند جز این که به عقیده مهدی و انتظارش دل ببندند، تا از شدت دردهای روحی خود بکاهند.(۱)

«گلدزیهر» یکی دیگر از مستشرقان چنین اظهار نظر می کند: «عقیده به مهدی، برگرفته از اسطوره ها و امور غیر واقعی است».(۲)

این مستشرقان که متأسفانه گاهی مورد توجه نیز واقع شده اند، به تاراج و انهدام عقاید مسلمین مشغول شده اند و به هر گونه که توانسته اند در آن تشکیک کرده اند؛ از این رو بعید نیست بعضی از روشنفکران مسلمان نیز تحت تأثیر واقع شده و مهدویت را زیر سؤال ببرند. «سعد محمد حسن» استاد دانشگاه الازهر و شاگرد احمد امین می گوید: «شیعه، قدیمی ترین فرقه اسلامی است که به نظریه مهدویت

ص:۱۵

۱- السیاده العربیه، ص۱۳۲.

۲- العقیده و الشریعه فی الاسلام، ص ۱۸۴.

اعتقاد پیدا کرده است».(۱)

«عبدالرحمان بدوی» می گوید: «کسی که عقیده به مهدی منتظر را بین مسلمین رواج داد، کعب الاحبار بود».(۲)

ولی برخلاف این غرض ورزی ها و ناآگاهی ها، باید گفت: اعتقاد به مهدی، مورد توجه همه فرق مسلمین و از مسلّماتی است که هرچه در آن تشکیک کردند، قوت آن، افزون شده است.

دانشمندان زیادی از اهل سنت، در موضوع امام مهدی کتاب ها نوشتند، یا در کتب روایی خود، احادیث مربوط به مهدی را جمع بندی و تخریج کرده اند. حتی برخی دانشمندان اهل سنت، به تواتر احادیث مهدوی قائل شده اند و برخی دیگر، کتابی مستقل در موضوع امام مهدی نوشته اند که نمونه هایی از این موارد را مطرح می کنیم.

الف. روایات مهدوی در مصادر اهل سنت

در مصادر و منابع فراوانی از اهل سنت ـ اعم از صحاح و مسانید و معاجم و تواریخ ـ به روایات مهدی پرداخته شده است. با توجه به این که نقل تمام این مصادر به صدها مورد می انجامد، از مواردی که مورد توجه اهل فن بوده و از اهمیت فراوان نزد اهل سنت برخوردار است، به نمونه هایی اشاره می کنیم:

المصنف از عبدالرزاق بن همام بن نافع حمیدی (متوفای ۲۱۱ق) معروف به ابوبکر صنعانی.

۱- المهدویه فی الاسلام، ص۴۸.

۲- مذاهب الاسلامیین، ج۲، ص ۷۷.

الفتن، اثر ابن حماد نعیم بن حماد بن معاویه بن حارث خزاعی (متوفای ۲۲۸ق) معروف به ابوعبدالله مروزی که از اساتید بخاری و بعضی دیگر از صاحبان صحاح سته می باشد.

المصنف از ابوبکر بن ابی شیبه (متوفای ۲۳۵ق)

مسند احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ق)؛ احمد بن محمد بن حنبل از امامان چهارگانه اهل سنت، در مسندش ۱۳۴ حدیث درباره امام مهدی گردآ ورده است.

سنن ابن ماجه، اثر محمد بن یزید ربعی قزوینی (متوفای ۲۷۳ق)

سنن ابو داوود، سلیمان بن اشعث سجستانی (متوفای ۲۷۵ق)

سنن ترمذی (متوفای۲۷۹ق)

مسند ابویعلی (متوفای ۳۰۷ق)

الملاحم اثر احمد بن جعفربن محمد معروف به ابن المنادی (متوفای ۳۳۶ق)

صحیح ابن حبان (متوفای ۳۵۶ق)

المعجم الکبیر اثر سلیمان بن احمد طبرانی (متوفای ۳۶۰ق)

المستدرک علی الصحیحین، نوشته محمد بن عبدالله نیشابوری معروف به حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ه_.ق)

حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق)؛ این نویسنده، کتاب های دیگری نیز ویژه امام مهدی نگاشته است که عبارتند از: نعت المهدی، الاربعون فی المهدی.

السنن الوارده فی الفتن از ابوعمرودانی (متوفای ۴۴۲ ق)

مصابیح السنه از بغوی شافعی (متوفای ۵۱۹ق)

ص:۱۷

جامع الاصول فی احادیث الرسول از ابن اثیر جزری (متوفای ۶۰۶ ق)

تاریخ دمشق ابن عساکر (متوفای ۷۱۱ق)

فرائد السمطین جوینی شافعی (متوفای ۷۲۰ ق)

المنار المنیف از ابن قیم جوزیه (متوفای ۷۵۱ق)

النهایه، تألیف ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ ق)

الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه ابن صباغ مالکی (متوفای ۸۵۵ ق)؛ وی با این که سنی مالکی است، این کتاب را درباره ائمه دوازدهگانه شیعه نوشته است و در فصل دوازدهم، روایات فراوانی درباره امام مهدی مطرح می کند. وی در این کتاب می پذیرد که مهدی موعود، همان محمد بن حسن عسکری علیه السلام است که اکنون در غیبت به سر می برد.

الصواعق المحرقه از ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۳ق)

کنزالعمال از متقی بن حسام الدین هندی (متوفای ۹۷۵ ق).

ب. کتاب های ویژه امام مهدی از اهل سنت

از آن جا که اعتقاد به مهدی، از مسلمات عقاید مسلمین و مورد تأکید در روایات است، میان دانشمندان اهل سنت علمای فراوانی کتاب های ویژه امام مهدی نوشتند. ما در این قسمت نیز فقط به برخی از این افراد اشاره می کنیم:

عباد بن یعقوب رواجنی (متوفای ۲۵۰ق): اولین کسی است که به صورت مستقل، کتابی درباره امام مهدی نوشته است به نام «اخبار المهدی». وی کتاب دیگری دارد به نام المعرفه فی معرفه

الصحابه(۱).

ابوبکر بن ابی خیثمه (متوفای ۲۷۹ق): کتاب او احادیث المهدی و اخبار المهدی نام داشت.

ابوالحسین احمد بن جعفر بن المنادی (متوفای ۳۳۶ق): وی کتابی مهم با عنوان الملاحم نوشته به گونه ای که افرادی چون ابن حجر هیثمی، مقدسی شافعی و متقی هندی از آن نقل کرده اند.

ابونعیم احمدبن عبدالله اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق): وی فقط درباره امام مهدی سه کتاب مستقل به نام های: الاربعون فی المهدی، نعت المهدی، مناقب المهدی نگاشته و در آن، احادیث مربوط به امام مهدی را نقل کرده است؛ البته متأسفانه این کتاب ها در دسترس نیست؛ اما سیوطی احادیث موجود در کتاب الاربعون فی المهدی را به صورت جدا در کتاب الحاوی للفتاوی آورده است.

۱. محمد بن یوسف کنجی شافعی (متوفای ۶۵۷ق): وی کتابی را با عنوان البیان فی أخبار صاحب الزمان با جمع آوری احادیث مهدوی نوشته است که کتابی منظم و دارای تبویب منسجمی است.

۲. یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (متوفای ۶۸۵ ق): وی کتابی دارد به نام عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر.

۳. ابن کثیر دمشقی (متوفای۷۷۴ق): اسماعیل بن کثیر دمشقی در کتاب البدایه و النهایه خود تصریح می کند که کتابی خاص درباره ایام مهدی تألیف کرده و احادیث متعددی را در این رابطه در آن

۱- معجم الرجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۱۸، ش۶۱۴۷؛ رجال طوسی، ش۴۵۱.

آورده است.

۳. ابوبکر، جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق): وی کتابی دارد به نام العرف الوردی فی اخبار المهدی. در این کتاب، احادیث بسیار زیادی درباره امام مهدی آورده و تا حدودی به تحلیل آن پرداخته است. البته کتاب العرف الوردی در مجموعه نوشتاری او درالحاوی فی الفتاوی آمده است.

۴. محمد بن طولون دمشقی (متوفای ۹۵۳ق): وی کتابی درباره امام مهدی تألیف کرده است، به نام المهدی الی ماورد فی المهدی.

۵. احمد بن حجر هیتمی مکی (متوفای ۹۷۴ق): کتاب او القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر است.

۶. علی بن حسام الدین متقی هندی (متوفای ۹۷۵ ق): وی که صاحب کتاب کنز العمال فی السنن والاقوال است، کتابی به نام البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان تألیف کرده که ویژه احادیث درباره امام مهدی است.

۷. ملا علی بن سلطان القاری (متوفای۱۰۱۴ ق): وی نیز صاحب کتاب ویژه احادیث مربوط به امام مهدی است، به نام المهدی من آل الرسول. این کتاب به نام المشرب الوردی فی مذهب المهدی نیز منتشر شده که کتاب کوچکی است.

۸. مرعی بن یوسف کرمی حنبل (متوفای۱۰۳۳ق): کتاب او درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر نام دارد.

۹. محمد بن اسماعیل امیر یمانی (متوفای۱۱۸۲ق): کتاب او سبل السلام نام دارد.

۱۰. قاضی محمد بن علی شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ق): کتابش التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح است.

۱۱. شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی (متوفای ۱۳۰۸ ق): کتاب او القطر الشهدی فی اوصاف المهدی است.

کتاب های متعدد دیگری نیز وجود دارد که ما از این بین، فقط به پانزده مورد اشاره کردیم. البته در یک قرن اخیر، بین اهل سنت، دانشمندان و محققان زیادی درباره امام مهدی کتاب یا رساله و مقاله نوشته اند که ما فقط به سه مورد اشاره می کنیم:

۱. شیخ مصطفی بکری، کتابی با نام الهدایه الندیه للامه المهدیه فیما جاء فی فضل الذات المهدیه نوشته است.

۲. احمد بن محمد بن صدیق (متوفای ۱۳۸۰ق) کتابی با نام ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون نوشته است. نویسنده در این کتاب، شبهات و خدشه های ابن خلدون درباره مهدویت را بررسی کرده و به برخی از آن ها پاسخ داده است.

۳. عبد المحسن العباد که از مسؤولان دانشگاه عربستان سعودی می باشد. وی درباره امام مهدی کتابی نوشته است با عنوان عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر که البته نظرات خاصی را نیز در این کتاب ابراز داشته است که بی انصافی او درباره مذهب شیعه را نمایان می کند.

ج. قائلان به صحت احادیث امام مهدی در اهل سنت

برخی علمای اهل سنت معتقدند احادیث مربوط به امام مهدی دارای صحت و وثاقت و به همین سبب، حجت می باشد. ما در این قسمت نیز

ص:۲۱

به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

ترمذی (متوفای۲۹۷ق): وی که در سنن خود، بابی را به امام مهدی اختصاص داده است، ذیل سه حدیث می نویسد: «هذا حدیث حسن صحیح».

حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق): او در کتاب المستدرک علی الصحیحین، حداقل در شش مورد از احادیث مربوط به امام مهدی می نویسد: «هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه؛ سند این حدیث، صحیح است؛ ولی بخاری و مسلم، آن را نقل نکرده اند».

بغوی (متوفای ۵۱۰ق): وی در کتاب مصابیح السنه وقتی روایت های مربوط به امام مهدی را می آورد، در برخی موارد اشاره می کند که این ها احادیث صحیح است.

قرطبی مالکی (متوفای ۶۷۱ق): وی نیز در کتاب التذکره به صحت بعضی احادیث مهدوی اشاره می کند.

ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ق): وی در کتاب منهاج السنه النبویه می نویسد: «حدیث هایی که برای خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن ها استناد می شود، حدیث هایی صحیح هستند».

ابن قیم جوزیه (متوفای ۷۵۱ق): وی در آخر کتاب المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف که در قسمتی از آن، احادیث امام مهدی را مطرح می کند، می گوید: «و الاحادیث علی خروج المهدی اصح اسناداً؛ احادیث دال بر خروج امام مهدی در صحیح ترین سند ها وارد شده است.

تفتازانی (متوفای ۷۹۳ق): سعد الدین تفتازانی در شرح المقاصد در اواخر بحث امامت درباره خروج امام مهدی می نویسد: «در این باره

احادیث صحیحی وارد شده است».

شیخ محمد جزری دمشقی (متوفای ۸۳۳ق): وی در کتاب اسنی المناقب می گوید: «احادیث مربوط به امام مهدی و خروج وی در آخرالزمان، صحیح است».

عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ق): وی در کتاب الیواقیت و الجواهر می گوید: «درباره خروج امام مهدی، احادیث صحیح به دست ما رسیده است».

ابن حجر هیثمی (۹۷۴ق): وی در ذیل حدیث «مهدی از فرزندان فاطمه است» می نویسد: سند آن، صحیح است».

قاضی شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ق)

شیخ عبدالمحسن بن العباد (از معاصران)

د. اهل سنت و ادعای تواتر در احادیث امام مهدی

میان عالمان و محدثان اهل سنت، برخی پا را از تصحیح احادیث مهدوی فراتر نهاده و درباره آن ها ادعای تواتر کرده اند. حدیث متواتر، به حدیثی می گویند که در همه طبقات سند آن، تعداد راویان به اندازه ای زیاد باشد که امکان تبانی بر دروغ، در آن وجود نداشته باشد؛ یعنی جای هیچ شک و شبهه ای در صحت خود را باقی نگذارد. اکنون به برخی از این افراد اشاره می کنیم:

ابوالحسن محمد بن حسین آبری سجستانی (متوفای۳۶۳ق): وی در کتاب مناقب الشافعی ذیل نام محمد بن خالد جندی راوی حدیث جعلی «لا مهدی الا عیسی بن مریم» درباره احادیث مهدوی، ادعای تواتر و قطعی الصدور بودن کرده است.

حافظ محمد بن یوسف کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ق): در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان آخر باب یازدهم.

شمس الـدین محمد بن احمد قرطبی (متوفای ۶۷۱ه_.ق): وی در کتـاب التـذکره فی احوال الموتی و امور الاخره؛ پس از نقل حـدیث «لامهـدی الاّ عیسـی» و ردّ این حـدیث می نویسد: «احادیث متواتری از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم دال بر ظهور حضرت مهدی و این که از فرزندان فاطمه علیها السلام است، موجود می باشد».

حافظ جمال الدین مزی (متوفای ۷۴۲ق): او در کتاب تهذیب الکمال فی اسـماء الرجال با ردّ حدیث محمد بن خالد جندی «لا مهدی الا عیسی» می نویسد: «احادیث متواتری بر مهدی علیه السلام دلالت دارد».

ابن قیم جوزیه حنبلی (متوفـای ۷۵۱ق): وی از شـاگردان ابن تیمیه است و در کتـاب منـارالمنیف می نویسـد: «احـادیث دال بر خروج مهدی، در صحیح ترین سندها آمده و در حد تواتر است».

ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه_.ق): او در کتاب تهـذیب التهـذیب می نویسد: «خبرها و روایات متواترند بر این که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این امت است و عیسی بن مریم خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد گزارد.

شمس الدین سـخاوی (متوفای ۹۰۲ ق): کتّانی از عالمان اهل سـنت درباره او می نویسـد: «افراد زیادی از او نقل کرده انـد که احادیث امام مهدی متواترند».

ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ ق) در کتاب الصواعق المحرقه.

شیخ مرعی بن یوسف حنبلی (متوفای ۱۰۳۳ق) در کتاب فرائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر.

محمد بن عبدالرسول حسینی برزنجی (متوفای ۱۱۰۳ ق) در کتاب الاشاعه لا شراط الساعه.

محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی (متوفای۱۱۲۲ق) در کتاب شرح المواهب اللذیه.

شیخ محمد سفارینی حنبلی (متوفای ۱۱۸۸ق) در کتاب لوائح الانوار البهیه طی عبارت جالبی می گوید: «کثرت بخروجه الروایات حتی بلغت حد التواتر المعنوی و شاع ذلک بین علماء السنه حتی عد من معتقدا تهم».

شیخ محمد بن علی حبان (متوفای ۱۲۰۶ق) در کتاب اسعاف الراغبین.

قاضی محمد بن علی شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ ق) در کتاب التوضیح فی تواتر ماجاء فی مهدی المنتظر و الدجال و المسیح.

سید مؤمن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۲۹۱ق): وی در کتاب نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار می نویسد: «اخبار متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده که امام مهدی از اهل بیت ایشان است و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد».

سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (متوفای ۱۲۹۴ق) در کتاب ینابیع الموده.

محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (متوفای ۱۳۰۷ ق) در کتاب الاذاعه لما کان و مایکون بین یدی الساعه می گوید:

«شکی نیست که مهدی در آخر الزمان خروج خواهد کرد و اخبار براین مطلب تواتر دارند».

ابوعبدالله محمد بن جعفر کتانی مالکی (متوفای ۱۳۴۵ ق) در کتاب نظم المتناثر من الحدیث المتواتر می نویسد: «والحاصل أن الاحادیث الوارده فی المهدی متواتره».

ابوالفیض احمد بن محمد غماری حسینی شافعی (متوفای ۱۳۸۰ ق) در کتاب ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون می نویسد: «روایات درباره امام مهدی متواتر است؛ اگرچه این مطلب بر برخی مردم مخفی مانده باشد».

این عالمان اهل سنت و برخی دیگر که نامشان را ذکر نکردیم، در احادیث مهدی ادعای تواتر دارند. البته برخی دانشمندان معاصر از اهل سنت نیز این ادعای تواتر را در مقالات یا کتب خود تأیید کرده اند که پرداختن به آن از حوصله این رساله بیرون است. پرداختن به برخی دانشمندان صاحب نام اهل سنت در این رساله، فقط برای توجه به این مسأله است که مهدویت نه محصول اندیشه شیعی و نه مسأله ای است که خودبه خود ظهور یافته باشد؛ بلکه اساس مسأله مهدویت، ریشه در اعتقادات اسلامی دارد. وجود مبارک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ظهور و خروج آن را وعده داده است و عالمان فراوانی از اهل سنت نیز به تواتر احادیث نبوی در این موضوع اشاره کرده اند.

ه. اهل سنت و تصریح بر امام مهدی محمد بن حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف

در این قسمت لازم است به عالمانی از اهل سنت بپردازیم که در آثار و تألیفات خود قائل شده اند که مهدی موعود در روایات، همان محمد بن

حسن عسکری است که در سال ۲۵۵ق متولد شده و اکنون حی و حاضر است و در دوران غیبت به سرمی برد. هرچند معروف است که می گویند: تمام عالمان اهل سنت قائلند امام مهدی متولد نشده است؛ بلکه در آخر الزمان به دنیا آمده و ظهور خواهد کرد؛ لکن برای برخی دانشمندان اهل سنت، این مطلب، مسلم و قطعی شده است که امام مهدی متولد شده و او همان محمد بن حسن عسکری است. اکنون به برخی از این عالمان اهل سنت اشاره می کنیم:

ابن خلکان: او در کتاب وفیات الاعیان در باب«ذکر محمد بن الحسن المهدی» می نویسد: ولادت او روز جمعه نیمه شعبان۲۵۵ق اتفاق افتاد... ابن ازرق می گوید: «امام مذکور، در نهم ربیع الاول سال۲۵۸ق متولد شد و گفته می شود در هشتم همان ماه در سال ۲۵۸ق تولد یافته که به عقیده ما، همین قول صحیح است».(۱)

کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (متوفای۶۵۲ ق): او در کتاب مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول در باب دوازدهم می نویسد:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان بتول طاهره است که پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و مولدش در سامرا در بیست و سوم رمضان سال ۲۵۸ق اتفاق افتاد. پدرش الحسن الخالص و مادرش ام ولد بود که به نام صقیل یا حکیمه معروف بود.(۲)

وی در این باب، اشعاری درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آورد.

۱- وفیات الأعیان، ج۱، ص۵۷۱.
۲- مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، ص۸۹.

کنجی شافعی (متوفای۶۵۸ق): وی در کتاب کفایه الطالب می نویسد:

ابومحمد حسن عسکری فرزند هادی، تولدش در مدینه بوده و در سامرا، در همان خانه ای که پدرش هادی دفن شد، مدفون گشت و از خود فرزندی به جای گذاشت که همان منتظر می باشد.(۱)

ابن صباغ مالکی مصری (متوفای ۸۵۵ق): وی می نویسد: «ابوالقاسم محمد الحجه بن الحسن الخالص در سامرا در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ق متولد شد».(۲)

شهاب الدین احمد ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۳ق): او در کتاب الصواعق المحرقه می نویسد:

حسن عسکری جز یک فرزند از خود به جای نگذاشته که ابوالقاسم محمد الحجه است. سن او هنگام وفات پدرش، پنج سال بوده؛ امّا خداوند حکمت را در او نهاده و او «القائم المنتظر» نیز نامیده می شود.(۳)

عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ق): وی در کتابش می نویسد:

پیش بینی می شود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند و او از اولاد امام حسن عسکری علیه السلام است و زمان تولدش، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق بوده است و اکنون زنده است تا این که عیسی علیه السلام با او هم پیمان شود. عمر شریف او تا این زمان که سال۹۵۸ ق است، ۷۰۶ سال است.(۴)

۱- کفایه الطالب، ص۴۵۸.

۲- الفصول المهمه، ص۲۷۴.

۳- الصواعق المحرقه، ص۱۲۴.

۴- الیواقیت و الجواهر، ج۲، ص۱۴۳.

عبدالله بن محمد شبراوی شافعی (۱۱۷۲ق): وی در کتاب الاتحاف بحب الاشراف می نویسد:

دوازدهمین امام، ابوالقاسم محمـد است که گفته می شود او همان مهدی منتظر است. تولد امام محمد الحجه بن الامام الحسن الخالص در سامرا، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ق، پنـج سال قبل از فوت پدرش بوده است. پدرش ولادت او را از ترس حاکمان وقت و بدی زمانه، مخفی نگاه داشت.(۱)

مؤمن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۲۹۱ق): وی در کتـابش فصلی را بـا عنوان«مناقب محمـد بن الحسن» مطرح کرده و پس از ذکر نسب آن حضرت می نویسد:

مادرش ام ولـد بود و نام او نرجس یا صـقیل یا سوسن بود. کنیه اش ابوالقاسم و امامیه لقب او را حجت، مهـدی، خلف صالح، قائم، منتظر، صاحب الزمان معرفی کرده اند. مشهورترین لقب او«مهدی» است.(۲)

این ها فقط برخی از عالمان اهل سـنت بوده انـد که عبارت های آن ها همگی گویای وقوع ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به عنوان امام دوازدهم، خلیفه اثنی عشـر و فرزند امام حسن عسـکری علیه السلام بوده و با زبانی صریح، جریان تولد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بازگو کرده اند.

۱- الاتحاف بحب الاشراف، ص۶۸.

۲- نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار ص۱۶۸

بخش دوم: صحاح سته و صاحبان آن (بررسی اجمالی)

اشاره

ص:۳۱

درآمد

بی تردید مهم ترین نقش آورترین کتب میان آثار اهل سنت، «صحاح سته» می باشد. دانشمندان و محققان اهل سنت، احترام خاصی برای این صحاح قائلند و همواره از روایات و مباحث مطرح شده در آن متأثر هستند. در تمام مباحث گوناگون اهل سنت از قدیم الایام تا کنون، به یقین می توان گفت هیچ موضوع و مبحثی نیست که بدون توجه به این صحاح مطرح شده باشد.

عده ای معتقدند موضوع امام مهدی در صحاح سته ــ به ویژه در صحیح بخاری و مسلم ــ بسیار کمرنگ مطرح شده است و تحقیق این موضوع در صحاح سته، سودمند نیست؛ ولی حقیقت آن است که اگر آدمی به تتبع عمیق و گسترده در این صحاح بپردازد، روایات فراوانی به چشم می خورد که قابل تطبیق بر امام مهدی و ظهور و دوران حکومت آن حضرت می باشد.

لازم است در این قسمت به بررسی اجمالی صحاح سته و جایگاه و اعتبار آن ها نزد اهل سنت بپردازیم و سپس موضوع امام مهدی را در

ص:۳۲

روایات این صحاح بررسی کنیم. از منابع حدیثی اهل سنت، گاهی به صحاح تعبیر می شود، گاهی سنن و گاهی مسانید. عناوین کتب روایی اهل سنت عبارتند از:

صحاح؛ مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم

سنن؛ مانند سنن دار قطنی و سنن دارمی

مسانید؛ همچون مسند احمد، مسند شامیین، مسند ابوعوانه

جوامع؛ مثل جامع الاحادیث سیوطی، جامع الاصول ابن اثیر جزری

معاجم؛ مثل معجم الکبیر، معجم الاوسط و معجم الصغیر طبرانی

مصنفات؛ مثل مصنف ابن ابی شیبه، مصنف عبدالرزاق.

این تقسیم بندی ها براساس ارزش و اعتبار کتب است. از میان تمام این موارد «صحاح» در درجه اول قرار دارد که شامل شش کتاب است: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابو داوود، سنن ترمذی، سنن نسائی، سنن ابن ماجه.

میان این شش کتاب، صحیح بخاری و صحیح مسلم برتر از دیگر کتب است.

عمده عالمان اهل سنت قائلند بخاری در رتبه اول قرار دارد و بعد از قرآن، کتابی به عظمت و صحت صحیح بخاری نیامده است.

ابن حجر هیتمی می نویسد:

علما براین مطلب اتفاق نظر دارند که بعد از قرآن، معتبر تر از

صحیح بخاری و صحیح مسلم کتابی وجود ندارد.(۱)

۱. صحیح بخاری (متوفای ۲۵۶ق)

اشاره

مؤلف: ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن احنف جعفی بخاری معروف به بخاری و «امام بخاری»

تولد: ۱۹۴ ق در شهر بخارا

وفات: ۲۵۶ ق در روستای خرتنگ از توابع سمرقند

وی بخشی از تحصیلات خود را در بخارا دنبال کرد. در دوران کودکی، پدرش را از دست داد و اموال فراوانی از او به ارث برد. برای تکمیل معلومات و برای اخذ حدیث و استفاده از مشایخ حدیث به خراسان، عراق، مصر، حجاز و سوریه مسافرت کرد که این سفر حدود شانزده تا هفده سال طول کشید.(۲)

اساتید وی، ابوزرعه رازی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین و اسحاق بن راهویه بودند. (۳) بخاری پس از مسافرت های مکرر، در سال ۲۵۶ ق به زادگاه خود بازگشت و در همین سال، در روستای خرتنگ از توابع سمرقند درگذشت.

وی به سبب حفظ احادیث زیاد و تبحر در زمینه حدیث شناسی، مورد تکریم عالمان عصر خود قرار گرفت. بسیاری از وی روایت کرده اند که معروف ترین آن ها عبارتند از: مسلم، ترمذی، نسائی، ابراهیم بن اسحاق حری، محمد بن احمد دولابی، منصور بن محمد بزودی.

۱- الصواعق المحرقه، ص۵..

۲- تذکره الحفاظ، ج۲، ص۱۲۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج۱۲، ص۳۹۲.

۳- سیر اعلام النبلاء، ج۱۲، ص۳۹۵.

انگیزه تألیف: ابراهیم بن معقل که از شاگردان بخاری است می گوید:

من از بخاری شنیدم که می گفت: «روزی نزد استاد خود، اسحاق بن راهویه نشسته بودم که گفت: ای کاش کتاب مختصری از احادیث صحیح از سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم فراهم می کردید و می آوردید. این حرف در دلم نشست و شروع به گردآوری احادیث صحیح کردم و صحیح خود را از میان ششصد هزار حدیث گرد آوردم».(۱)

بخاری می گفت: «من صدهزار حدیث صحیح و صدهزار حدیث غیر صحیح را در حفظ دارم».(۲)

این مطلب، نشان دهنده کثرت روایات در عصر بخاری و نیز ضعف و جعلی بودن بسیاری دیگر از روایات است.

بخاری در مقدمه کتابش می نویسد:

ماخرجت فی کتابی حدیثاً حتی استخرت الله و تیقنت صحته؛

هر حدیثی که در کتابم آوردم، یقین به صحت آن پیدا کرده ام.

مراد بخاری این است که هر روایتی که در کتابش آورده، صحیح است و مدعی این نیست که تمام روایات صحیح را در کتابش آورده است؛ چون خودش گفته است: «چه بسیار حدیث صحیحی که ترک کردم».

بخاری، نگارش کتاب را در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آغاز کرد و برای تکمیل آن، شانزده سال در بصره و شهرهای دیگر اقامت گزیده و سپس آن را در

۱- سیر اعلام النبلاء، ج۱۲، ص۴۰۰؛ مقدمه فتح الباری، ص۵.

۲- تذکره الحفاظ، ج۲، ص۱۲۵.

زادگاه خود به پایان رساند.

گفته می شود: او برای نوشتن هر حدیث، ابتدا غسل و آن گاه استخاره می کرد و سپس دو رکعت نماز به جای می آورد.(۱)

بخاری کتاب خودش را بر احمد بن حنبل، یحیی بن معین، علی بن مدینی و برخی دیگر از محدثان عرضه کرد و آنان فقط بر چهار حدیث اشکال کرده و صحت بقیه را تأیید کردند. بخاری گفته است: «این کتاب، میان من و خدایم حجت است».(۲)

بخاری، براساس شرائطی، روایات را گزینش می کرد که عبارتند از: اتصال سند تا طبقه صحابه، عدالت و ضابط بودن راویان.(۳)

بخاری، صاحب تألیفات دیگری نیز می باشد که عبارتند از: ۱. التواریخ الثلاثه: الکبیر، الاوسط، الاصغیر ۲. کتاب الکنی ۳. کتاب الوحدان ۴. کتاب السنن فی الفقه ۵. الادب المفرد فی الحدیث ۶. کتاب الضعفاء.

کتاب الجامع الصحیح او نخستین دائره المعارف و مهم ترین و موثق ترین منبع حدیثی نزد اهل سنت به شمار می رود.

نووی که از عالمان بزرگ و شارحان صحیح مسلم است می نویسد:

علماء بالاتفاق معتقدند که صحیح ترین کتاب ها پس از قرآن، صحیح بخاری و صحیح مسلم است و امت، همگی این دو کتاب را پذیرفته اند. کتاب بخاری در مقایسه با صحیح

۱- مقدمه جامع الاصول ج۱، ص۱۸۶.

۲- الحدیث و المحدثون، ص۳۷۸.

۳- مقدمه فتح الباری، ص۷؛ اصول الاحادیث، ص ۳۱۳، ۳۱۲.

مسلم، صحیح تر و فایده اش بیشتر است.(۱)

تا کنون چند کتاب در رد بخاری و کتاب صحیحش و نظرات او نوشته شده است که به دو کتاب اشاره می کنیم:

۱. سیری در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) از محمد صادق نجمی.

۲. کتاب بین یدی الساعه از دکتر عبدالباقی. این کتاب درباره قیامت است؛ ولی برخی از نظرات بخاری و مسلم را رد کرده است.

بیشتر دانشمندان اهل سنت، صحیح بخاری را معتبرترین کتاب در اسلام می دانند؛ ولی این کتاب دچار ضعف ها و نقص های فراوانی است که هم شامل سند و رجال حدیث در صحیح بخاری می شود و هم شامل محتوای این کتاب که البته پرداختن به این موارد خارج از بحث این کتاب است.

بنابه تحقیق فؤاد عبدالباقی کتاب صحیح بخاری دارای ۷۵۶۳ روایت است.

اشکالات بر صحیح بخاری

با این که خود بخاری و کتاب او، میان اهل سنت از مقام والایی برخوردار است، اشکالات متعددی از جانب خود دانشمندان اهل سنت مطرح شده است که به برخی اشاره می کنیم:

۱. برخی احادیث را تقطیع کرده است.

۲. در مواردی به جای نقل متن حدیث، نقل به معنا کرده است.

۱- شرح صحیح مسلم، ج ۱، ص۱۳.

۳. در مواردی نیز در روایات تصرف کرده است.(۱)

از آن جا که بخاری در علم رجال و علم فقه، چندان تسلطی نداشته، در نقل برخی روایات از افراد ضعیف و کذاب نقل کرده است. از سوی دیگر در مباحث فقهی، مطالبی را روایت کرد که باعث شد محمد بن یحیی (معروف به ذهلی) از بزرگان علم حدیث مردم را برضد بخاری شورانده و موجب اخراج وی می شود.(۲)

نکته ای که این جا باید متذکر شد آن است که بخاری به ذکر فضایل اهل بیت _ به خصوص در فضیلت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام _ نپرداخته یا روایت را دچار تقطیع و تصرفاتی کرده است؛ ولی در موارد متعدد معاویه را تمجید کرده است؛ در حالی که درباره فضیلت امام علی علیه السلام روایات صحیحی مطابق شرایط گزینش بخاری موجود بوده که متأسفانه آن ها را نادیده انگاشته است؛ مثل حدیث مربوط به آیه تطهیر، غدیر خم و.... حاکم نیشابوری در کتاب خود المستدرك علی الصحیحین به برخی از این احادیث اشاره کرده و اعتراف می کند این احادیث، صحیح هستند و باید در صحیح بخاری و مسلم ذکر می شد.

کتاب صحیح بخاری در هشت موضوع عقاید، احکام، دقائق، آداب، تفسیر، تاریخ، ملاحم و فتن، مناقب و در ۹۷ کتاب فصل بندی شده است.

۱- فتح الباری، ج ۱۰، ص۱۸۶.
۲- المبسوط، ج ۳۰، ص۲۹۷.

۲. صحیح مسلم

مؤلف: ابوالحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری

تولد: ۲۰۲ یا ۲۰۴ ق در نیشابور

وفات: ۲۶۱ ق در نصرآباد نیشابور

اساتید: محمد بن اسماعیل بخاری، اسحاق بن راهویه، سعید بن منصور، داوود بن عمرو، احمد بن حنبل

شاگردان: ابوعوانه، ترمذی(۱)

نام های کتاب: الصحیح، المسند الصحیح، الجامع الصحیح، صحیح مسلم، المختصر فی السنن، مسند مسلم

مسلم تألیفات دیگری نیز دارد؛ از جمله: ۱. علل الحدیث ۲. المنفردات و الوحدان ۳. کتاب اوهام المحدثین ۴. المسند الکبیر علی اسماء الرجال ۵. الاسماء والکنی ۶. اولاد الصحابه ۷. التاریخ ۸. الاقران ۹. التمییز ۱۰. طبقات التابعین و...

وی، تحصیل را از زادگاه خود شروع کرد؛ سپس برای تکمیل علوم و جمع آوری حدیث، به خراسان، حجاز، عراق، شام و مصر مسافرت کرده و از محضر اساتید نامدار و مشایخ حدیثی همچون بخاری، احمد بن حنبل، محمد بن یحیی، محمد بن مهران و ... بهره برد. پس از گذشت چند سال، به زادگاه خود بازگشت و به تدریس مشغول شد.(۲)

صحیح مسلم پس از صحیح بخاری، معتبرترین کتاب نزد اهل سنت

۱- سیر اعلام النبلا، ج۲۱، ص۵۶۵؛ البدایه و النهایه، ج۱۱، ص۴۲.

۲- سیر اعلام النبلا، ج۲۱، ص۵۶۵

است و از چنان احترامی برخوردار است که برخی آن را بر صحیح بخاری مقدم شمرد اند.(۱) بخاری، سمت استادی بر مسلم دارد؛ ولی چینش احادیث و ساختار خاصی که در کتاب صحیح مسلم به کار رفته، موجب شده است برخی صحیح مسلم را بر صحیح بخاری ترجیح دهند.(۲) شمار روایات صحیح مسلم ۷۲۷۵ روایت و با حذف مکررات ۳۰۱۸ روایت است.

محمد بن ماسرجی می گوید: از مسلم شنیدم که گفت: «کتاب صحیح خود را از میان سیصد هزار حدیث فراهم کردم».(۳)

دانشمندان اهل سنت، این کتاب را بعد از صحیح بخاری، معتبرترین و صحیح ترین کتاب در اسلام می دانند؛ لیکن این کتاب نیز مانند صحیح بخاری، همان مشکلات و ضعف ها و نقص ها را دارد. صحیح مسلم از جعلیات و احادیث ضعیف و مخالف دستورات عقل به دور نیست. در این کتاب، هم از حیث سند، به افراد مجهول و ضعف های فراوانی بر می خوریم و هم از حیث محتوا، موارد فراوانی هست که جعلی و ساختگی و دروغین بودن آن بدیهی به نظر می رسد.

۳. سنن ابو داوود

اشاره

مؤلف: ابوداوود سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو بن عثمان بن ازدی سجستانی

تولد: ۲۰۲ ق در سیستان

وفات: ۲۷۵ق در بصره

۱- سیر اعلام النبلا، ج۲۱، ص۵۶۵

۲- شرح مسلم نووی، ج۱، ص۱۱.

۳- البدایه و النهایه، ج۱۱، ص۴۰.

اساتید: احمد بن حنبل، یحیی بن معین، محمد بن عیسی بن نجیح، اسحاق بن راهویه، صفوان بن صالح، قتیبه بن سعید، ابراهیم بن خالد.

ابوداوود در آغاز نوجوانی در نیشابور، همراه فرزندان اسحاق بن راهویه در یک مدرسه درس می خواند؛ سپس به بصره رفت و مدتی آن جا سکونت کرد. وی، برای فراگیری علم و دریافت حدیث به بغداد، مکه، مدینه، عراق، شام و خراسان سفر کرد و در نهایت، تا پایان عمر در بصره اقامت گزید. او از افرادی چون احمد بن حنبل، احمد بن ابی صالح، مسلم بن ابراهیم، احمد بن عبید و سلیمان بن حربی روایت کرده است و افرادی چون نسائی، ترمذی، ابوعوانه اسفراینی و دیگران از او روایت کرده اند.(۱)

ابوداوود دارای تألیفات دیگری نیز هست به نام های:۱. ناسخ القرآن و منسوخه ۲. دلایل النبوه ۳. اختلاف المصاحف ۴. مراسیل.

میان تألیفات او، کتاب سنن مورد توجه تمام اهل سنت قرار گرفته و از مهم ترین کتب و منابع اهل سنت واقع شده است.

ابو داوود به دنبال آن بود احادیثی را گردآورد که برای استدلال فقها به کار آید و احکام شرعی از آن استخراج و استنباط شود.

ابوداوود درباره تألیف کتابش می نویسد:

کتبت عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم خمس مأه الف حدیث انتخبت منها ضممته کتاب السنن فجمعت فیه اربعه آلاف وثمانی مأه حدیثا؛

از روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پانصدهزار حدیث را نوشتم و از میان

۱- سیر اعلام النبلاء، ج۱۳، ص۲۰۳

آن ها ۴۸۰۰ حدیث را گزینش کردم و کتاب سنن را با این احادیث گزینش شده، نوشتم.(۱)

سؤال مهمی که این جا مطرح است این که روایات موجود در سنن ۵۲۷۴ روایت است و حدود پانصد روایت اضافه از کجا آمده است؟

بسیاری از عالمان اهل سنت، بعد از صحیح بخاری و مسلم، سنن ابوداوود را در رتبه سوم قرار می دهند. ابراهیم بن اسحاق حربی، در مقدمه سنن ابو داوود می نویسد: «دانش حدیث در دست ابو داوود، همانگونه بود که آهن در دست داوود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ».

ابوداوود کتابش را پس از نگارش به رؤیت احمد بن حنبل رسانده و احمد، کتابش را تأیید کرد.

مشهورترین راویان سنن عبارتند از: ابو سعید بن اعرابی، ابو علی لولویی، ابوبکر بن داسه و کتاب سنن به روایت ابوعلی لولویی انتشار یافته است.

سنن ابوداوود ۵۲۷۴ حدیث را در چهل کتاب و ۱۸۷۱ باب مطرح کرده است. در جلد چهارم «کتاب المهدی» دوازده حدیث درباره امام مهدی آورده است. در همین کتاب، حدیث «اثنی عشر خلیفه» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را نیز نقل کرده است که برخی گفته اند: ابوداوود بر این عقیده بود که امام مهدی دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.(۲)

۱- البدایه و النهایه، ج۱۱، ص۶۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج۱۳، ص۲۰۹.

۲- العرف الوردی، سیوطی، ص ۲۴۷.

اشکالات بر سنن ابو داوود

سنن ابوداوود همچون دیگر صحاح سته، دچار ضعف های سندی و محتوایی فراوانی است که به طور اجمال به آن اشاره می شود.

ابوداوود در مقدمه کتابش می نویسد:

ذکرت فی السنن الصحیح و مایقاربه وان کان فیه وهناً شدیداً؛

من در کتاب سنن احادیث صحیح و نزدیک به صحیح را گرد آوردم؛ اگرچه در آن وهن شدید وجود داشته باشد.

همین کلام ابوداوود موجب اشکالات و تأملات فراوانی بر او شده است؛ حتی بین عالمان اهل سنت کتاب های فراوانی در نقد اسناد و محتویات سنن ابو داوود نوشته شده است.

۴. سنن ترمذی

مؤلف: ابوعیسی بن سوره بن ضحاک سلمی ضریر ترمذی

تولد: ۲۰۹ق در روستای بوغ از شهر ترمذ (در منطقه خراسان بزرگ و کنار رود جیحون)

وفات: سال ۲۷۹ ق در شهر ترمذ

ترمذی را «ضریر» نیز گفته اند. ضریر یعنی نابینا. برخی می گویند: او کور مادرزاد بود و برخی می گویند: او براثر کوشش های علمی در اواخر عمر نابینا شد. ذهبی قول دوم را تأیید می کند.(۱)

اساتید: مهم ترین اساتید وی عبارتند از:

۱. اسحاق بن راهویه ۲. یحیی بن اکثم (که نزد مأمون با امام جواد علیه السلام

۱- سیر اعلام النبلاء، ج۱۳، ص ۲۷۰.

مناظره کرد و محکوم شد) ۳. محمد بن اسماعیل بخاری.

نکته ای که باید متذکر شویم آن که اسحاق بن راهویه، استاد ترمذی و برخی دیگر از صاحبان صحاح سته است. وقتی امام رضا علیه السلام به نیشابور رسیدند، هزاران نفر از محدثان از نقاط مختلف خدمت ایشان رسیدند تا حدیثی از ایشان بشنوند. رئیس گروه بزرگی از محدثان، اسحاق بن راهویه بود که برای شنیدن یک حدیث از وجود مبارک امام رضا علیه السلام زانو می زند.

سنن ترمذی به نام های جامع ترمذی، صحیح ترمذی، جامع صحیح نیز معروف است.

ترمذی، در قوه حافظه و هوش ضرب المثل بود. وی برای فراگیری حدیث و بهره گیری علمی به عراق، حجاز و خراسان مسافرت کرد. آن گاه به زادگاه خود برگشت و کتاب سنن را در زادگاه خود نوشت.(۱)

ترمذی از بخاری، مسلم، اسماعیل بن موسی سدی، ابوداوود سجستانی، روایت کرده و افراد زیادی نیز از او روایت کرده اند؛ از جمله: هیثم بن کلیب مکحول بن فضل، حسین بن یوسف ضریری، ابوالعباس محمد بن احمد بن محبوب (راوی سنن ترمذی).(۲)

ترمذی میان دانشمندان اهل سنت، نخستین کسی است که احادیث را به صحیح و حسن و ضعیف تقسیم کرده است. قبل از او احادیث تنها به صحیح و ضعیف تقسیم می شد. او اصطلاح«حسن» را به احادیثی

۱- تذکره الحفاظ،ج۲، ص۶۲۴.

۲- تذکره الحفاظ،ج۲، ص۶۲۴.

اطلاق کرد که یک درجه کمتر از صحیح باشد.(۱)

ترمذی غیر از کتاب سنن، تألیفات دیگری نیز دارد که برخی عبارتند از: ۱. کتاب العلل ۲. کتاب التاریخ ۳. کتاب الشمائل ۴. کتاب اسماء الصحابه. میان تألیفات او، کتاب سنن مورد توجه تمام دانشمندان اهل سنت قرار گرفته و از صحاح سته شمرده شده است.

ترمذی در مقدمه سنن در تعریف کتابش می نویسد:

صنفت هذا الکتاب و عرضته علی علماء الحجاز و العراق و الخراسان فرضوا به و من کان هذا الکتاب فی بیته فکانما فی بیته نبی یتکلم؛

وقتی این کتاب را تألیف کردم، برعلمای حجاز و عراق و خراسان عرضه کردم و آنان این کتاب را تأیید کرده و گفتند: هرکس در خانه اش این کتاب باشد، گویا پیامبری در خانه اش دارد.(۲)

عالمان متعددی از اهل سنت، وجود احادیث جعلی و ساختگی در محتوا و نیز راویان کذاب و فاسق در اسناد سنن ترمذی را تأیید کرده اند که ذهبی در میزان الاعتدال به برخی از این موارد اشاره کرده است.(۳)

در سنن ترمذی در کتاب الفتن و در ابواب القدر بابی به نام «باب ماجاء فی المهدی» هست که چهار حدیث، صریح در امام مهدی است. احادیث فراوانی بعد از این باب درباره نزول عیسی و فتنه دجال و

۱- اصول الحدیث، ص ۳۳۱.
۲- تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۳۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۷۴.
۳- میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۰۷ و ج ۴، ص ۵۱۶.

علامات آخر الزمان، همچون طلوع خورشید از مغرب و موارد دیگر دارد که بسیار قابل توجه است.

۵. سنن ابن ماجه

مولف: ابوعبدالله محمد بن یزید بن ماجه ربعی قزوینی

تولد: ۲۰۹ق

وفات: ۲۷۳ق در قزوین

اساتید: عمده اساتید وی عبارتند از: علی بن محمد طنافسی حافظ (عمده روایات ابن ماجه از او است)، ابوبکر ابن ابی شیبه صاحب «المصنف»، عثمان بن ابی شیبه (برادر ابوبکربن ابی شیبه)، مصعب بن عبدالله زبیری.

شاگردان: مهم ترین آن ها عبارتند از: محمد بن عیسی ابهری، احمدبن روح بغدادی، علی بن ابراهیم قطان.

ابن ماجه برای نوشتن کتاب سنن خود و دریافت احادیث و کسب دانش به عراق، شام، ری، مکه و مدینه مسافرت کرد.(۱)

ابن ماجه در مقدمه کتابش می نویسد:

عرضت هذه السنن علی ابی الزُرعه الرازی فنظر فیه و قال: اظن ان وقع هذا فی ایدی الناس تعطلت هذه الجوامع او اکثرها؛

این کتاب سنن خود را به ابی زرعه محدث عرضه کردم. وی در این کتاب نظر کرده و گفت: گمان می کنم اگر این کتاب در دست مردم قرار بگیرد، جوامع حدیثی دیگر بی استفاده بمانند.

۱- سیر اعلام النبلاء، ج۱۳، ص۲۷۷؛ الاعلام، ج۷، ص۱۴۴.

البته ابن ماجه تألیفات دیگری نیز دارد از جمله: تفسیر قرآن و تاریخ قزوین.(1)

معروف بین دانشمندان اهل سنت آن است که سنن ابن ماجه بین صحاح سته آخرین کتاب از نظر اعتبار شناخته شده است. برخی آن را بر موطأ مالک ترجیح داده اند.(2)

با این که سنن ابن ماجه از معتبرترین کتب اهل سنت و از صحاح سته است، اشکالات زیادی هم از حیث سند و هم از حیث محتوا برآن وارد است.

این اشکالات سندی و محتوایی به حدی واضح بود که از دید عالمان اهل سنت نیز دور نماند؛ لذا نقدهای متعددی برآن نوشته اند.

ذهبی در این باره می نویسد: « در این کتاب احادیث دور از اعتبار و ارزش، فراوان است».(3)

ابن ماجه در کتاب الفتن بابی تحت عنوان «خروج المهدی» گشوده که هفت ۷ حدیث آن درباره امام مهدی است.

۶. سنن نسائی

مؤلف: ابو عبدالرحمن احمد بن علی بن شعیب بن علی بن سنان بن بحربن دینار

متولد: ۲۱۵ ق در شهر نساء از خراسان قدیم ایران

وفات: ۳۰۳ق در مکه

اساتید: معروف ترین مشایخ حدیث و اساتید نسائی عبارتند از: اسحاق بن

۱- سیر اعلام النبلاء، ج۱۳، ص۲۷۷

۲- سیر اعلام النبلاء، ج۱۳، ص۲۷۷

۳- تذکره الحفاظ، ج۲، ص۶۳۶..

راهویه، حصین بن منصور، عیسی بن حماد، سوید بن نصر، هشام بن عمار.

نسائی غیر از کتاب سنن، صاحب تألیفات دیگری نیز هست؛ از جمله :

۱. خصائص و فضایل امیرالمومنین علیه السلام . نسائی می گوید:

آن گاه که به شام رفتم، مردم آن جا را دشمن و منحرف از امام علی علیه السلام یافتم؛ از این رو به نگارش این کتاب پرداختم، تا باعث ارشاد آنان شود.(۱)

احادیث این کتاب از نظر سند، معتبر هستند. بیشتر روایات او در این کتاب از احمد بن حنبل است.

۲. مسند الامام علی علیه السلام

۳. کتاب الضعفاء و المتروکین من رجال الحدیث.

ذهبی درباره تألیف کتاب خصائص امیر المؤمنین علیه السلام نسائی می نویسد:

گروهی نزد نسائی آمده و گفتند: «چرا کتاب خصائص علی علیه السلام را نوشتی؛ ولی برای شیخین کتابی ننوشتی؟» وی در جواب گفت: «وقتی وارد دمشق شدم، دیدم منحرفین از امام علی علیه السلام بسیارند؛ لذا این کتاب را نوشتم به امید آن که آن ها را هدایت کنم». دوباره گفتند: «چرا درباره فضائل معاویه کتاب ننوشتی؟» نسائی پاسخ داد: «من چه بنویسم؟ آیا این حدیث را بنویسم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق او فرمود: اللهم لاتشبع بطنه؟».

نسائی حاضر نشد چیزی از فضایل معاویه نقل کند؛ لذا آن قدر

۱- تذکره الحفاظ، ج۲، ص۱۲۹.

برپهلوهایش زدند که مجروح شد و او را از مسجد اخراج کردند. نسائی گفت: «مرا به مکه ببرید». او را به مکه بردند. آن جا فوت کرد و بین صفا و مروه دفن شد.(۱)

نسائی در آغاز، کتاب مفصلی از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراهم کرد و آن را السنن الکبری نامید و در آن، روایات صحیح و ضعیف و حسن را گرد آورد. هنگامی که این کتاب را به امیر رمله تقدیم کرد، او از نسائی پرسید: «آیا همه روایات سنن، صحیح است؟» نسائی پاسخ داد: «در این کتاب، احادیث صحیح و حسن و نزدیک به آن را جمع کرده ام». امیر رمله به او گفت: احادیث صحیح را از آن استخراج کن. نسائی در پی این درخواست، به تلخیص و استخراج احادیث السنن الکبری پرداخت و نام آن را السنن المجتبی گذاشت که از آن به نام السنن الصغیر نیز یاد می شود.

نسائی، نزد دانشمندان اهل سنت از جایگاه بلندی برخوردار است. با توجه به ضابط بودن او و اعمال شرایط سخت تر از بخاری و مسلم در گزینش روایات، کتاب او جزء معتبرترین کتب اهل سنت شمرده شده است؛ به گونه ای که حتی برخی از اهل سنت آن را به سبب صحت روایات و تنظیم خاص فقهی، برتر از سنن ابوداوود یا در مرتبه ای پس از آن قرار داده اند.(۲)

علمای اهل سنت، نسائی را در علم حدیث و رجال ستوده و کتاب سنن او را از صحاح سته و از منابع موثق اهل سنت برشمرده اند؛ ولی

۱- تذکره الحفاظ، ج۲، ص۱۳۲.

۲- سیر اعلام النبلاء، ج۱۴، ص۱۲۹.

چون نسائی علاقه مند به اهل بیت علیه السلام و دوستدار امام علی علیه السلام بوده است، کمی از او فاصله گرفته اند؛ به خصوص که از معاویه خوشش نمی آمد و همین باعث شد برخی از اهل سنت او را شیعه بدانند.(۱)

برخی از علمای شیعه چون علامه سید محسن امین عاملی، قائل شدند نسائی شیعه بوده، یا در اواخر عمر به تشیع گراییده است.(۲) این که اهل سنت درباره نسائی گفته اند: «شیعه است»، مراد همان شیعه مرسوم نیست؛ بلکه مراد از شیعه نزد قدمای اهل سنت، این است که امام علی علیه السلام را بر عثمان مقدم بدارد و معاویه را قبول نداشته باشد.

سنن نسائی همچون دیگر کتب صحاح سته، دارای اشکالات متعددی است. نسائی سعی کرده است از روایات ضعیف استفاده نکند، با این حال بعضی از دانشمندان اهل سنت مانند ابن کثیر قائل هستند که در سنن نسائی از راویان مجهول و نیز از روایات ضعیف و منکر نقل روایات شده است.(۳)

از آن جا که سنن نسائی دچار اشکالات سندی و محتوایی است، اهل سنت نقدهای متعددی بر آن نوشته اند.

۱- سیر اعلام النبلاء، ج۵، ص۴۳.
۲- اعیان الشیعه، ج۸، ص۴۴۶؛ و فیات الأعیان، ج۲، ص۱۰.
۳- مقدمه سنن نسائی، ص۵.

بخش سوم: احادیث عام مهدوی در صحاح سته

اشاره

ص:۵۱

درآمد

در صحاح سته به دو طایفه از احادیث برمی خوریم؛ یک سری از احادیث، موضوع مهدویت به طور کلی از آن استنباط می شود و طایفه دیگر، احادیث خاصی است که فقط بر موضوع امام مهدی، قابل تطبیق است.

ابتدا به احادیثی می پردازیم که در آن به طور عام اشاره به مهدویت شده است.

۱. حدیث دوازده خلیفه

اشاره

یکی از احادیث صحیح و متواتر که هم در صحاح سته و منابع دیگر معتبر و موثق اهل سنت و هم در کتب شیعه مطرح شده است، حدیث دوازده خلیفه است. این روایت، از طرق متعدد؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است؛ به نحوی که صدور آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قطعی و مسلم است؛ لذا به بررسی سندی این حدیث نیازی نیست و فقط باید دلالت آن را مورد کنکاش قرار داد.

ص:۵۲

متن روایات در صحاح

۱. بخاری در کتاب الاحکام باب «استخلاف» به سند خود از جابر بن سمره نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یکون اثناعشر امیراً. فقال کلمه لم اسمعها. فقال ابی: انه قال: کلهم من قریش؛ دوازده امیر خواهند بود. آن گاه سخنی گفت که من آن را نشنیدم. پدرم گفت: که حضرت فرمود: همه آنان از قریش هستند.(۱)

روایت «دوازده خلیفه» در بسیاری از کتب اهل سنت با اسناد و طرق متعدد آمده که فقط از طریق جابر بن سمره در بیش از پنجاه مصدر و منبع اهل سنت مطرح شده است. غیر صحاح سته، در کتب معتبری چون مسند احمد بن حنبل و المعجم طبرانی و... آمده است.

این روایت در کتب معتبر شیعی نیز آمده است. در بعضی از نقل ها، اسامی دوازده خلیفه ذکر شده است. برخی از عالمان اهل سنت نیز در کتب روایی خود، به اسامی دوازده نفر اشاره کرده اند از جمله: حمویی شافعی در فرائد السمطین(۲) و قندوزی در ینابیع الموده.(۳)

نکات قابل استفاده از این روایات

از مجموعه روایاتی که درباره دوازده خلیفه در صحاح آمده، نکات چندی قابل استنباط است:

۱- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۲۸

۲- فرائد السمطین، ج۲، ص۱۳۳.

۳- ینابیع الموده، باب۷۶، ص۴۴۱؛ مناقب، ص ۷۶.

۱. پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خلافت در دوازده نفر منحصر است.

۲. همگی آنان از قریش هستند.

۳. عزت اسلام و سربلندی دین، به وجود این خلفا بستگی دارد؛ یعنی وقتی یکی از این خلفا در قید حیات باشد، دین اسلام پابرجا و محکم خواهد بود.

۴. دین اسلام پایان نمی پذیرد، تا این که دوازده خلیفه روی کار بیایند.

۵. نکته مهم که از روایت برمی آید، این که خلافت، پیاپی و بدون فاصله است و این نکته، از کلمه«خلیفه» استفاده می شود.

در کتب لغت در معنای خلیفه آورده اند:

فلان شخص خلیفه فلانی در بین اهلش شد، هنگامی است که به وظایف اهل او قیام کند. خلیفه کسی است که جانشین قبل از خود به سبب غایب بودن مستخلف عنه یا مرگ یا عجز او می باشد.(۱)

۶. از بررسی این احادیث استفاده می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این جملات گهربار و وحیانی را ضمن خطبه ای آن هم میان عموم مطرح فرموده است. البته طبق بعضی روایات، در سرزمین منی و طبق برخی روایات دیگر در عرفات و ایام حجه الوداع مطرح شده است.(۲)

اکنون دو سؤال اساسی مطرح می شود؛ نخست این که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دوازده خلیفه بعد از خود اشاره می کند، عده ای سروصدا کردند یا

۱- مفردات، ص۱۵۶، لسان العرب، ج۹، ص۸۲.

۲- مسند احمد، ج۵، ص۹۳.

تکبیر گفتند یا برخی بلند شدند و نشستند؛ به گونه ای که جابر بن سمره کلام آخر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نفهمید. سؤال اساسی این است که چرا برخی سروصدا کردند، یا کاری کردند که سخنان آخر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نامفهوم جلوه کند؟ این ها چه کسانی بودند و چه انگیزه ای داشتند یا به عبارتی روشن تر، از این کار، چه سودی می بردند؟

سؤال اساسی دوم که برخی علمای اهل سنت هم به آن اشاره کرده اند، (۱) این است که مسلمانان _ خصوصاً در اواخر عمر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم _ چنان شیفته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کلمات ارزشمند آن حضرت بودند که قابل توصیف نیست. آیا ممکن است مسلمین از این دوازده خلیفه سؤال نکرده باشند و از این وصیت عظیم به همین آسانی عبور کرده باشند.

مصداق دوازده خلیفه

خلافت بین شیعه و اهل سنت، از قداست خاصی برخوردار است و در بعضی از آیات قرآن کریم، خلافت الهی به بعضی از پیامبران نسبت داده شد.(۲) در روایات شیعه و سنی «خلافت» با بار معنوی خاصی همراه است. این نکته نیز آشکار است که خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برکسی اطلاق می شود که در درون، صاحب تهذیب نفس و تقوای باطن و در خارج نیز اقامه کننده عدل و داد و برپاکننده معروف و مانع منکرات باشد. اگر کسی خود را خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بداند؛ ولی از تمام اعمال و رفتار او، فسق وجور

۱- ینابیع الموده، ج۲، ص۳۱۵.

۲- ص (۳۸): ۲۶.

جلوه گر باشد. به یقین او نه تنها جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیست، بلکه خلیفه شیطان است؛ چون خلیفه باید ظهور و بروزی از مستخلف عنه در خود داشته باشد.

درباره مصادیق این دوازده جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین اهل سنت، اختلاف نظر بسیار زیاد است و تعبیرهای متعددی درباره آن مطرح شده که برخی بسیار سست و قابل خدشه است. همین که مصادیق متفاوتی در تفسیر این حدیث مطرح می شود، گواه بر بطلان و ضعف این تفسیرها است.

به دو مورد از آن تفسیرها اشاره می کنیم:

الف. از مهم ترین توجیهات این است که این دوازده خلیفه عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی علیه السلام ، معاویه، یزید بن معاویه، معاویه بن یزید، مراون بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز.(۱)

ضعف این توجیه و تفسیر روشن است. همان طور که گفته شد، اولاً مراد از خلیفه در این روایات، جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. آیا پذیرفتنی است افرادی خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شوند؛ ولی در رفتار و کردار، مخالف کتاب خدا و سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل کرده باشند؟

ثانیاً در کلمات ملکوتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که این دوازده نفر، موجب عزت اسلام و قوام مسلمین می باشند. آیا در زمان این افراد، چنین بوده است؟

۱- عون المعبود، ج۱۱، ص۳۶۱.

آیا این حدیث بر یزید بن معاویه و امثال او قابل تطبیق است؟ خود اهل سنت نقل کرده اند: نزد عمربن عبدالعزیز شخصی از یزید بن معاویه به بزرگی و عظمت یاد کرد. عمربن عبدالعزیز به شدت ناراحت شد و دستور داد فوراً بیست تازیانه برآن شخص بزنند.(۱)

یزید، امام حسین علیه السلام را که پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، به شهادت رساند و مردی فاسق و شراب خوار بود. آیا با وجود جنایاتی که یزید بن معاویه در چهارسال حکومت خود مرتکب شد، رواست او را از خلفای اثنی عشر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدانیم؟ سیوطی در تاریخ الخلفا(۲)، جنایات و فسق و فجوری از آن ها مطرح می کند که هر مسلمان شرم می کند آنها را خلیفه مسلمین بداند.

ب. تفسیر و تطبیق دیگری که برای روایات دوازده خلیفه مطرح کردند این است که لازم نیست این دوازده خلیفه، به صورت متوالی و پشت سرهم باشند؛ بلکه بعضی از آن ها که خلفای چهارگانه بودند، ابتدا آمدند. امام حسن علیه السلام ، معاویه، ابن زبیر و عمر بن عبدالعزیز نیز چهار خلیفه بعدی هستند و چهار نفر دیگر تا پیش از قیام قیامت خواهند آمد و حکومت خواهند کرد.(۳)

این تفسیر نیز صحیح نیست؛ چون روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر متوالی بودن و پیاپی آمدن این خلفای اثناعشر دلالت دارد. بدون تردید

ص:۵۷

۱- الصواعق المحرقه، ص۲۱۶.

۲- تاریخ الخلفاء، ص۲۲۰.

۳- الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۵؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۴، ذیل آیه۱۲ سوره مائده.

این تفسیر و توجیهات بیشتر موجب تکلف است و سبب می شود روایت از اعتبار خارج شود.

در روایات شیعه، این دوازده خلیفه مطرح شده و بر امامان معصوم علیه السلام شیعه تطبیق شده اند که اولین آن ها علی بن ابی طالب و آخرین آن ها امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و همه به صورت توالی و پیاپی بوده اند؛ لکن همان طور که شیخ طوسی استدلال کرده است، تطبیق روایات اثنی عشر بر دوازده امام شیعه، موجب اعتبار روایت و اعتبار عدد می شود؛(۱) یعنی باعث می شود که خلفا در دوازده نفر منحصر بشوند وگرنه تفسیر و توجیهاتی که چندان مبنای محکمی ندارد، لازم می آید هم افرادی ضمن خلفای اثناعشر مطرح شوند که هیچ تناسبی با روایت ندارند و هم به افراد بیشتری تخصیص بخورد که در هر دو حالت، موجب بی اعتبار شدن روایت می شود.

چرا دانشمندان اهل سنت از روایاتی که با سند صحیح در کتب معتبر آن ها و به ویژه در صحاح سته آمده است، مدد نمی گیرند؟ روایاتی که آخرین خلیفه از خلفای اثنی عشر را امام مهدی معرفی می کند.

در سنن ابن ماجه تصریح می کند که امام مهدی، خلیفه خدا بر روی زمین است.(۲) حاکم در مستدرک خود می گوید: «این حدیث طبق مبنا و شروطی که بخاری و مسلم، در صحیحین خود دارند، از حیث سند صحیح است».(۳)

۱- الغیبه، ص۱۵۶.

۲- سنن ابن ماجه، ج۲، ص۱۳۶۷، ح۴۰۸۴.

۳- المستدرک علی الصحیحن، ج۴، ص۴۶۳.

ابن کثیر در کتابش تصریح می کند:

و معنی هـذا الحـدیث البشاره بوجود اثنی عشـر خلیفه صالحاً یقیم الحق و تعدل فیهم... و الظاهر ان منهم المهدی المبشـر به فی الاحادیث الوارده بذکره؛

معنای احادیثی که دوازده خلیفه را مطرح می کنـد که خلفای صالـح هسـتند و اقامه حق و عـدل و داد می کننـد... یکی از این خلفای اثنی عشر «امام مهدی» است که در روایات گوناگونی به وجود آن حضرت بشارت داده شده است.(۱)

در کتاب بذل المجهود که شرح سنن ابوداوود است، بعد از نقل اقوال گوناگونی درباره خلفای اثناعشر، می نویسد:

و آخرهم الامام المهدی و عندی هذا هوالحق؛

به یقین آخرین خلیفه اثنی عشر حضرت امام مهدی است و این قول را من حق می دانم(۲).

حتی در صحیح مسلم نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یکون فی آخر امتی خلیفه یحثوا المال حثیاً و لایعد عداً؛

میان امت من در آخر الزمان، خلیفه ای می باشد که مال فراوانی را می بخشد و هیچ هم شمارش نمی کند.

آیا مراد از این خلیفه، کسـی غیر از امام مهـدی است؛ در حالی که پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «او در آخر الزمان می آید و زمین را پر از عدل و داد

ص:۵۹

۱- النهایه، ج۱، ص۲۹.
۲- بذل المجهود، ج۱۷، ص۱۸۸.

می کند؛ در حالی که پر از ظلم و جور شده باشد»؟(۱)

آیا آن خلیفه کسی غیر از امام مهدی است؛ در حالی که هم در صحیح بخاری(۲) و هم در صحیح مسلم روایت کرده اند در آخر الزمان عیسی علیه السلام نزول می کند و امام او از خودتان است.(۳) شارحان صحاح گفته اند: مراد از این امام، حضرت مهدی است؟

در این باره روایات متعدد در دسترس است و به آسانی قابل استنباط است و به توجیهات و تغییرهایی نیازی نیست که صاحبان آن به سستی تفسیر خود واقفند.

لازم است به بیان برخی از محققان اهل سنت توجه کنیم که گفته اند: مراد از دوازده خلیفه، همان امامان دوازدهگانه از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشند و نمی توان آنان را بر حاکمان اموی حمل کرد؛ زیرا تعدادشان بیش از دوازده نفر است و بسیاری از آنان جنایات فاحشی را مرتکب شده اند. همچنین نمی توان این دوازده نفر را بر حاکمان عباسی حمل کرد؛ چون همان محذور قبل، این جا هم پیش می آید؛ پس مراد از این خلفای اثنی عشر، همان امامان دوازدهگانه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که از امام علی علیه السلام شروع و به امام مهدی ختم می شود و همگی عادل و پارسا بودند.

در سنن ابوداوود احادیث خلفای اثناعشر را در کتاب المهدی آورده است. برخی از محققان اهل سنت قائل شدند که ابوداوود نیز معتقد

۱- سنن ابوداود، ج۲، ص۴۲۲.
۲- صحیح بخاری، ج ۴، کتاب الانبیاء، ص ۱۴۳.
۳- صحیح مسلم، ج ۱، باب نزول عیسی علیه السلام ، ص ۹۴.

است امام مهدی، همان خلیفه دوازدهم و آخرین آن ها است که در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن اشاره شده است.(۱)

۲. حدیث ثقلین

اشاره

از احادیثی که مورد اتفاق همه فرق اسلامی، اعم از شیعه و سنی است«حدیث ثقلین» است. این حدیث را که در معتبرترین کتب شیعه و سنی مطرح شده است، حدود ۴۳ نفر از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند و در طول تاریخ در بیشتر منابع شیعی و سنی ذکر شده است. بیش از ۱۶۰ نفر از عالمان و محققان اهل سنت، این حدیث را در کتاب های خود آورده اند.

این حدیث در صحیح مسلم و سنن ترمذی آمده است. مضامین برخی از نقل ها کمی تفاوت دارد؛ لکن اصل مطلب، حول یک محور می باشد و آن، وصیت و سفارش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به امتش تا روز قیامت است که از ثقلین دست برنداشته و گمراه نشوند.

۱- العرف الوردی فی الاخبار المهدی، ص۲۴۷؛ عبارت سیوطی در تنبیهات کتاب العرف الوردی فی الاخبار المهدی این است: «الاول: عقد ابوداود فی سننه باباً فی المهدی و آورده فی صدره حدیث جابربن سمره من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم «لا یزال هذا الدین قائماً حتی یکون اثنا عشر خلیفه کلهم تجتمع علیه الامه» و فی روایه «لا یزال هذا الدین عزیزاً الی اثنی عشر خلیفه کلهم من قریش» اشار بذلک الی ما قاله العلماء انّ المهدی أحد الاثنی عشر.

متن حدیث

۱. مسلم در صحیح خود از زید بن ارقم نقل می کند:

قام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یوماً فینا خطیباً بماء یدعی خماً بین مکه و المدینه فحمدالله و أثنی علیه و وعظ و ذکر ثم قال: «اما بعد، ألا یا ایها الناس! فإنما انا بشر یوشک أن یأتی رسول ربی فأجیب و أنا تارک فیکم الثقلین: اولهما کتاب الله فیه الهدی و النور فخذوا بکتاب الله فاستمسکوا به فحث علی کتاب الله و رغب فیه». ثم قال: «و أهل بیتی. أذکرکم الله فی أهل بیتی. أذکرکم الله فی أهل بیتی. أذکرکم الله فی أهل بیتی»؛

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کنار برکه آبی به نام«خم» بین مکه و مدینه ایستاد و برای جمعیت حاضر خطبه ای ایراد فرمود. در آن خطبه بعد از حمد وثنای الهی و موعظه و تذکر چنین فرمود: «ای مردم! همانا من بشری بیش نیستم و نزدیک است که پیک الهی بیاید و جان مرا بگیرد و من دعوت او را اجابت کنم. من، میان شما دو چیز گرانبها می گذارم: اول آن ها، کتاب خدا که در آن هدایت و نور است. کتاب خدا را بگیرید و به آن چنگ بزنید». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سفارش زیادی برای کتاب خدا کرده و مردم را بر عمل به آن تشویق فرمود. سپس فرمود: «و اهل بیت من. شما را سفارش می کنم در حق اهل بیتم» و این جمله را سه بار تکرار فرمود.(۱)

۲. ترمذی به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند:

ص:۶۲

۱- صحیح مسلم، ج۷، ص۱۲۲.۱۲۳.

در حجه الوداع، روز عرفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم بر شتری سوار بود و خطبه می خواند. شنیدم که فرمود:

انی تارک فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا بعدی، احدهما اعظم من الاخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیها؛

من میان شما دو چیز باقی می گذارم؛ تا هنگامی که به آن تمسک جویید، هرگز گمراه نمی شوید. یکی، از دیگری بزرگ تر است؛ کتاب خدا که ریسمان آویخته از آسمان به سوی زمین است و عترت و اهل بیت من. این دو هرگز جدا نمی شوند، تا در حوض به من بپیوندند. بنگرید چگونه با ودیعت های من رفتار می کنید.(۱)

ابن حجر که یکی از عالمان اهل سنت است، می گوید:

حدیث ثقلین، طرق زیادی دارد که آن را بیش از بیست نفر از صحابه نقل کرده اند. در برخی از طرق آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را در حجه الوداع بیان کرده و برخی غدیر خم و برخی دیگر می گویند هنگام بازگشت از طائف بیان شده است. البته هیچ تنافی ای بین این ها نیست؛ چون ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سفارش به ثقلین را در مکان های متعدد بیان کرده باشد.(۲)

به دلیل اتفاق بر نقل این حدیث، به بررسی صحت سند نیازی نیست. این روایت در معتبرترین و موثق ترین منابع سنّی همچون صحیح مسلم

۱- سنن ترمذی، ج۵، ص ۶۲۱.

۲- الصواعق المحرقه، ص ۹۰.

و صحیح ترمذی، به صورت «کتاب الله... و عترتی و اهل بیتی» آمده است؛ ولی در نقل های بعد در بعضی از منابع، به صورت «کتاب الله و سنتی» تغییر یافته است؛ مثلاً حاکم نیشابوری در مستدرک، این روایت را به این صورت نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یا ایها الناس انی قد ترکت فیکم إن اعتصمتم به فلن تضلوا أبداً: کتاب الله و سنه نبیه».(۱)

باید گفت این نقل ها دچار مشکل سندی است؛ چون حاکم در مستدرک حدیث را از طریق ابو اویس و اسماعیل بن اویس نقل می کند و این پدر و پسر، نه تنها در کتب رجال اهل سنت توثیق نشده اند؛ بلکه به کذب و فسق متهم هستند.(۲) علمای رجال اهل سنت، تصریح کرده اند که به حدیث این دو نفر نمی توان اعتماد کرد و باید آن را ترک نمود. نکته قابل توجه این است که حاکم در مستدرک، به ضعف سند این حدیث اعتراف می کند؛ ولی به تصحیح آن نمی پردازد. نکته دیگر آن که در صحیح مسلم و ترمذی و دیگر کتب صحاح، از اسماعیل بن اویس روایتی نقل نمی شود.

نکات قابل استفاده از حدیث ثقلین

۱. کتاب خدا و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گرانبهاترین چیز نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند. «ثقلین» تثنیه از ماده «ثقل» است. ثقل، به معنای توشه راه، هر چیز نفیسی است که به محافظت و نگهداری احتیاج

۱- مستدرک، ج ۱، ص۹۳.
۲- تهذیب الکمال، ج۱۳، ص۹۶.

داشته باشد.(۱) کتاب خدا و عترت را ثقلین نامید، تا قدر و منزلت آن دو را بزرگ جلوه بدهد.

۲. هدایت و سعادت در سایه سار کتاب خدا و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محقق می شود. طبق نقل ترمذی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر به این دو شیء گران بها تمسک کنید، هیچ وقت گمراه نمی شوید».

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «حتی یردا علی الحوض» و«فانظروا کیف تخلفونی فیها» از این دو عبارت استفاده می شود که هدایت مردم در گرو تمسک به هردو می باشد، نه این که قرآن را بگیرند و عترت را رها کنند. علامه مناوی، یکی از دانشمندان اهل سنت می نویسد:

دراین حدیث ثقلین نه تنها اشاره، بلکه تصریح است که کتاب خدا و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همانند دوقلویی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امتش را به آن سفارش کرده و به عنوان هدایتگران بعد از خودش معرفی فرموده است؛ لذا باید در دین به هر دو تمسک کرد.(۲)

۴. در سنن ترمذی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لن یفترقاً حتی یردا علی الحوض»؛ یعنی قرآن و عترت تا روز قیامت وجود دارند و باقی هستند و اگر فرض کنیم زمانی قرآن باشد و عترت وجود نداشته باشد، به نحوی قائل به افتراق و جدایی یکی از دیگری شدیم؛ پس همان طور که قرآن کریم بین ما وجود دارد و باقی است، باید عترت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز وجود و بقا داشته باشد.

۱- لسان العرب، ماده ثقل.

۲- فیض القدیر، ج۲، ص۱۷۴.

۵. نکته دیگر آن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این روایت فرمود: «فانظروا کیف تخلفونی فیهما»؛ یعنی بنگرید با این دو جانشین که بین شما قرار می دهم، چگونه رفتار می کنید؟ مهم ترین نکته همین است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن و اهل بیت خودش را ضمن این وصیت، ثقلین و دو خلیفه بعد از خودش معرفی کرده است.

۶. مهم ترین نکته ای که از حدیث ثقلین استفاده می شود، حجیت و عصمت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. قراردادن اهل بیت کنار قرآن، آن هم توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات همین نکته مهم است. شکی نیست قرآن کتابی است که در آن، ذره ای باطل و خطا راه ندارد؛ لذا مخالفت با آن، جایز نیست. این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت خود را کنار قرآن قرار داد و عدم افتراق این دو تا قیامت، و هادی بودن این دو برای تمام امت، و گمراهی در صورت عدم تمسک همگی نشان از قرین بودن واقعی این دو ثقل ثقیل است که جز با عصمت، معنای دیگر نخواهد داشت.

تفتازانی، از متکلمان بزرگ اهل سنت، در شرح مقاصد می نویسد:

«ألاـ تری أنه صلی الله علیه و آله و سلم قرنهم بکتاب الله تعالی فی کون التمسک بهما منقذاً عن الضلاله ولامعنی للتمسک بالکتاب إلا الأخذ بمافیه من العلم و الهدایه و کذا فی العتره؛

آیا نمی بینی چگونه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت خود را به کتاب خدا مقرون ساخته است؟ [این نیست مگر] به سبب تمسک به کتاب و عترت که انسان را از گمراهی نجات خواهد داد و معنای تمسک به کتاب خدا این است که تمام علم و هدایتی را که در

ص:۶۶

کتاب خدا است، اخذ کنیم و همچنین است درباره عترت».(۱)

با دقت در کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در می یابیم مراد از «لن یفترقا» این است که عترت و قرآن، هیچ مخالفتی با هم ندارند. عترت همان گفته قرآن را مطرح می کند. آیا این، جز عصمت، معنای دیگری دارد؟

اهل بیت در حدیث ثقلین

اکنون بایـد دید مراد از اهل بیت و عترت که در کلمات پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم مطرح شده و عِدل قرآن قرار گرفته اند، چه کسانی هستند؟

همین پرسش در تفسیر آیه تطهیر(۲) نیز مطرح شده است که مراد از اهل بیت در این آیه کیانند که خداوند طهارت تکوینی و پاکی ذاتی آن ها را اراده فرموده است؟

اهل سنت نظرات متعددی را مطرح کرده اند که میان آن ها سه قول معروف است:

۱. برخی قائلند مراد از اهل بیت، خصوص زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند.(۳)

۲. برخی قائلنـد مراد از اهـل بیت زنان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم و تمام افراد بنی هاشم هسـتند که صـدقه بر آنان حرام است. در این صورت، آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس، را شامل می شود.(۴)

۳. مراد از اهل بیت خصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام

۱- شرح مقاصد، ج۲، ص۲۲۱.

۲- احزاب (۳۳):۳۳.

۳- الدر المنثور، ج۵، ص۱۹۸؛ الصواعق المحرقه، ص۱۴۱.

۴- الدر المنثور، ج۵، ص۱۹۸

و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشد.(۱)

البته همین اقوال در باره «اهل بیت» در حدیث ثقلین مطرح شده است؛ ولی برخی دیگر از عالمان اهل سنت نظرات دیگری دارند و قائل هستند مراد از اهل بیت در حدیث ثقلین، علمای امت هستند.(۲)

لکن حق در این توجیه و تفسیرها آن است که ما به کلمات خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مراجعه کنیم و ببینیم آیا حضرت، اهل بیت خود را معرفی و مصداق آن را تعیین کرده است؟ خوشبختانه ما در احادیث متعددی در صحیح مسلم و صحیح ترمذی می بینیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم در کلمات مبارکش و هم در عمل، اهل بیت خود را معرفی فرموده است. البته در منابع موثق و کتب معتبر دیگر، از اهل سنت نیز این مطلب آمده است؛ ولی چون محور بحث در این رساله، صحاح سته است از آوردن آن ها خودداری می شود.

۱. مسلم در صحیح خود از عایشه نقل می کند:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صبحگاهی از خانه خارج شد؛ در حالی که بردوش او پارچه ای از پشم خیاطی نشده بود. حسن بن علی علیه السلام بر او وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را داخل کسا کرد. آن گاه حسین علیه السلام وارد شد؛ او را نیز داخل کرد. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً».(۳)

۲. مسلم در صحیح خود در باب فضایل الصحابه در ذیل

۱- الدر المنثور، ج۵، ص۱۹۸؛ تفسیر کشاف، ج۳، ص۵۳۸.
۲- سلسله الاحادیث الصحیحه، ج۲، ص۳۶۰.
۳- صحیح مسلم، ج۷، ص۱۳۰.

آیه شریف مباهله(۱) حدیثی از سعد بن ابی وقاص نقل می کند:

«لما نزلت هذه الایه «ندع ابنائنا و ابنائکم...» دعا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علیاً و فاطمه و حسناً و حسیناً فقال: اللهم هولاء اهلی».(۲)

۳. ترمذی به سند خود از انس بن مالک نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا شش ماه، هنگام رفتن به نماز صبح، پیوسته بر در خانه فاطمه گذر می کرد و می فرمود: «الصلاه یا اهل البیت «انما یریدالله لیذهب عنک الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً».(۳)

۴. ترمذی این حدیث را به سند متعدد در صحیح خود و نیز در کتاب تفسیر قرآن و در کتاب مناقب نقل می کند که از ذکر بقیه موارد می گذریم.

آنچه مسلم است این که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسانی هستند که در کسای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفتند یا در مباهله حاضر شدند. به یقین، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محدود و افراد خاصی را شامل می شود.

مراد از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی هستند؟

برای درک بیشتر حدیث ثقلین، لازم است مشخص شود مراد از عترت و مصادیق آن چه کسانی اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن ها را عدل قرآن قرار داد؟

شکی نیست مراد از عترت، تمام خویشاوندان نیست. ابن اثیر در

۱- آل عمران (۳): ۶۱.

۲- صحیح مسلم، ج۷ص ۱۳۰.

۳- صحیح ترمذی، ج۵، ص۳۲۷.

نهایه در ماده (عتر) می نویسد:

عترت شخص، به اخص خویشاوندان و نزدیکان گفته می شود. و عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرزندان فاطمه علیها السلام هستند.(۱)

پس عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همچون اهل بیت، افراد بسیار محدودی را شامل می شود؛ به ویژه آن که عِدل قرآن قرار گرفته اند. به عبارت دیگر، باید همچون قرآن، مصون از گناه و خطا و دارای مقام و شأنی همچون قرآن باشند؛ لذا این ویژگی، فقط بر خواص از نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قابل حمل است.

علامه مناوی در شرح حدیث ثقلین می نویسد:

مقصود از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها افرادی هستند که دارای علم و پاکی خاصی بوده و هیچ گاه از قرآن جدا نمی شوند. این افراد، همان اصحاب کسا هستند که خداوند رجس و پلیدی را از آن ها دور کرده است.(۲)

پس مراد از عترت، همان خواص و افراد ویژه ای هستند که در اهل بیت مطرح شده اند. این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در موارد متعددی ثقلین را مطرح فرموده اند و در این حدیث گهربار، عترت و اهل بیت خود را همتای قرآن و عدل آن قرار داده اند و هردو را تا قیامت، پایدار و جدایی ناپذیر دانسته اند، نشان از نکات مهم و سرنوشت سازی دارد که فهم آن، نهایت دقت را لازم دارد. یکی از نکات مهم این است: همان گونه که قرآن تا پایان عمر دنیا بقا دارد، کسی از عترت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز باید کنار قرآن باشد و فقدان یکی از این

۱- نهایه، ج۳، ص۱۷۸.

۲- فیض القدیر، ج۳، ص۱۴

دو، موجب لغو در سخن نبوی می شود. همچنین عدم تمسک به یکی از این دو، خسران و ضلالت را همراه دارد. اکنون باید دید این فرد از اهل بیت و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کسی است؟

از آن جا که کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خصوصاً در عباراتی که صحیح مسلم و ترمذی مطرح کرده اند به گونه ای جدی و دقیق است که هر مسلمانی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تا پایان عالم بشناسند، تا مصداق «لن یفترقا» بین قرآن و اهل بیت تجلی بیابد.

بسیاری از دانشمندان و محققان اهل سنت، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان فاطمه برشمرده اند. ابن حجر در کتابش از ابوبکر نقل می کند که امام علی علیه السلام مهم ترین مصداق عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. سپس ابن حجر می نویسد:

عترت باید کسانی باشند که تمسک به آن ها تا قیامت شایسته، و موجب بقا و ایمنی برای اهل زمین باشد؛ همچون قرآن کریم؛ به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تمام مسلمین را امرکرده است که به اهل بیت او تمسک کنند.(۱)

اکنون باید به دنبال یافتن مصداق اهل بیت و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان فعلی باشیم. انسان منصف، با توجه به روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن هم در صحاح سته، در می یابد وجود مبارک آن حضرت، مصادیق عترت و اهل بیت خود را مشخص فرموده است. البته بعضی از دانشمندان اهل سنت، همچون سبط بن جوزی و علامه قندوزی در کتب خود تصریح کرده اند

۱- الصواعق المحرقه، ص۹۱، ۸۹.

که مراد از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت آن حضرت در حدیث ثقلین، همان ائمه اثناعشر و خلفای دوازدهگانه هستند.(۱)

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایات متعدد امام مهدی را فردی از اهل بیت و عترت خود مطرح کرده که عدل قرآن است؛ یعنی وجود مبارک نبی مکرم اسلام، حجت را بر همگان تمام کرده است که هیچ زمانی نیست که زمین از عترت و اهل بیت پیامبر خالی باشد؛ همان طور که از قرآن خالی نیست.

در سنن ابوداوود به سند خود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمود:

لاتنقضی الایام و لایذهب الدهر حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی اسمه یواطی اسمی.(۲)

در سنن ترمذی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمود:

لاتذهب الدنیا حتی یملک العرب من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی.(۳)

در سنن ابوداوود آمده است که ابی سعید خدری می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: المهدی منی.(۴)

در سنن ابوداوود از ام سلمه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی من عترتی من ولد فاطمه؛(۵) امام مهدی از عترت من و از

۱- تذکره الخواص، ص۳۲۲، ۱۹۸؛ فرائد السمطین، ج۱، ص۳۱۷.

۲- سنن ابوداوود، ج۲، ص۴۲۱.

۳- سنن ترمذی، ج۳، ص۳۴۳.

۴- سنن ابوداوود، ج۲، ص۴۲۲.

۵- سنن ابوداوود، ج۲، ص۴۲۲.

فرزندان فاطمه علیها السلام است». همین حدیث در سنن ابن ماجه نیز آمده است.

البته احادیث دیگری که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از فرزندان فاطمه علیها السلام و از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بداند، متعدد است.

طبق احادیثی که مطرح شد، در می یابیم قرآن و اهل بیت در هیچ زمانی از هم جدا نخواهد شد و وجود یکی بدون دیگری ممکن نیست و نیز در می یابیم که امام مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام و از اهل بیت و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یکی از ثقلین است که همتای قرآن است و تمسک به آن حضرت در کنار قرآن موجب سعادت خواهد شد.

۳. حدیث«معرفت امام»

اشاره

یکی دیگر از احادیثی که شیعه و سنی آن را نقل و در کتب معتبر خود مطرح کرده اند، حدیث «معرفت امام» است. این حدیث در قالب های گوناگونی نقل شده است؛ ولی اساس روایت در همه این نقل ها، یک معنا را دنبال می کند. برای بررسی این حدیث، لازم است به برخی از این نقل ها در صحاح سته توجه کنیم:

متن حدیث

۱. بخاری در صحیح خود از ابن عباس نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

من خرج من السلطان شبراً مات میته جاهلیه؛

هرکس از سلطنت حاکمی به اندازه یک وجب بیرون برود، به مرگ جاهلیت مرده است.(۱)

ص:۷۳

۱- صحیح بخاری، ج۲، ص۱۳.

۲. مسلم در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمود:

من مات و لیس فی عنقه بیعه مات میته جاهلیه؛

هرکس بمیرد در حالی که برگردنش بیعت نباشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.(۱)

۳. ابوداوود در سنن خود از ابوذر نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

من فارق الجماعه شبراً فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه؛

هرکس از جماعت به اندازه یک وجب خارج بشود، همانا ریسمان اسلام را از گردنش خارج کرده است.(۲)

این حدیث در مصنف عبدالرزاق صنعانی و مصنف ابن ابی شیبه و صحیح ابن حبان و کتب معتبر دیگر آمده است و عبارات روایت در برخی از این کتاب ها به صورت «من مات و لیس له امام مات میته جاهلیه» ذکر شده است.(۳) البته هر دو مصنف از حیث زمانی، بر صحاح سته مقدم بوده و از اعتبار بالایی برخوردار می باشند.

شایان ذکر است این حدیث در صحاح سته با متون مختلف و از طریق بیش از ده نفر از اصحاب نقل شده است.

می بینیم این حدیث، در نقل های متفاوت و نیز اسناد متعدد آن هم در کتب معتبر مطرح شده است و به بررسی سندی نیاز نیست. برخی

ص:۷۴

۱- صحیح مسلم، ج۶، ص۲۲، ۲۱.
۲- سنن ابوداوود، ج۲ حدث ۴۷۵۸
۳- مصنف عبدالرزاق، ج۱۱، ص ۳۳۰

علمای اهل سنت، به صحت این حدیث تصریح کرده اند.

تمـام این نقل ها با متون متعـدد، یک معنا رابه ذهن متبادر می کنـد و آن، «مرگ جاهلیت در صورت عـدم معرفت به حاکم و امام» است.

این روایت در منـابع شـیعی نیز آمـده است. مرحوم علامـه مجلسـی در کتـاب گرانسـنگ بحار الانوار، برای این حـدیث، ده ها طریق و سند از کتب معتبر شیعی را متذکر شده است.(۱)

نکات قابل استفاده از حدیث

۱. مسلمین همیشه باید به اسلام و امام توجه و معرفت داشته باشند و بیعت امام را برگردن خویش احساس کنند.

۲. این کلام پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم همچون دیگر کلمات آن حضـرت، وحیانی است؛ لـذا بین موضوع و حکم آن بایـد تناسب برقرار باشـد. این که پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم مردم را به یک مطلب مهم ترغیب و از عدم معرفت به آن، بیم می دهد نشان از اهمیت مطلب دارد.

مراد پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم از این که «مسـلمین باید به امام معرفت داشته باشند وگرنه، به مرگ جاهلیت مرده اند»، چه کسـی است؟ آیا هر حاکم و سـلطانی را شامل می شود؟ این که فرمود: «ولو یک وجب از سلطه او خارج بشوید، به مرگ جاهلیت مرده اید» آیا این حاکم با هر امام و حاکم غیر عادلی سازگاری دارد؟

بـا کمی تأمـل می بینیم وجود مبـارک پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم در احادیث متعـددی، مصادیق امام و حاکم را مطرح فرموده اند. زیباترین بیان آن بزرگوار در

۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۷.

حدیث ثقلین است که فرمود: قرآن و عترت من از همدیگر جدا نمی شوند و هر دو، مایه هدایت و سعادت شما هستند. اگر به این دو تمسک کنید، راه هدایت را رفته اید وگرنه، گمراه می شوید.

حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمود:

من أراد أن یحیی حیاتی و یموت مماتی و یسکن جنه الخلد التی وعدنی ربی فلیتول علی بن ابی طالب فإنه لن یخرجکم من هدی ولن یدخلکم فی ضلاله؛

هر کس می خواهد زندگی و مرگی مثل من داشته باشد و در بهشت خلد که پروردگارم وعده داده است، سکنی گزیند، باید تحت ولایت علی بن ابی طالب درآید؛ زیرا او کسی است که شما را از هدایت بیرون نکرده و در گمراهی وارد نخواهد کرد.(۱)

بنابراین حاکم و سلطانی که در بیان حدیث معرفت مطرح شده، باید همچون علی بن ابی طالب دارای مقام بلند علم و عصمت باشد، تا آدمی با شناخت و بیعت با او راه هدایت را طی کند.

نکته قابل توجه این که ابوداوود حدیث معرفت امام را در باب قتل خوارج آورده و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درباره بیعت با علی علیه السلام و حرکت در مسیر او به نحوی گوشزد کرده است.

در بعضی از احادیث، به جای سلطان، از«جماعت» سخن گفته اند. اگر مراد، جماعت بر حق و در مسیر حق باشد، سخنی روا و حق است وگرنه پذیرفتن این سخن که پیروی از هر جماعتی لازم است، تالی

۱- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۸.

فاسد فراوانی دارد.

سخن آخر این که در زمان حاضر بیعت چه کسی را باید پذیرفت و به کدام امام و سلطان و حاکم معرفت پیدا کرد، تا انسان دچار مرگ جاهلی نشود؟

طبق حدیث ثقلین، باید از اهل بیت و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی باشد که همتا و عدل قرآن قرار بگیرد و هر دو جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند. در حدیث دوازده خلیفه نیز وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خلفای دوازدهگانه بعد از خود را مطرح فرمود. از این دو مطلب، اثبات می شود که معرفت به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحت ولایت و بیعت آن حضرت قرار گرفتن، تنها مصداق حدیث معرفت امام است که در کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شده بود. حال اگر مسلمین به چنین درکی برسند، نقطه مهم تلاقی وحدت و انسجام دینی پیش خواهد آمد، تا ـ ان شاءالله ـ این انسجام به همبستگی و همدلی برسد، تا زمینه سلطنت و حکومت آن حضرت فراهم شود.

ص:۷۷

بخش چهارم: مهدویت و احادیث خاص در صحاح سته

اشاره

ص:۷۹

درآمد

در این بخش که مهم ترین بخش کتاب است؛ به بررسی احادیث مهدویت به طور خاص در صحاح سته می پردازیم و به مواردی همچون حسب و نسب امام مهدی علیه السلام ، شمایل و سیمای آن حضرت، شرایط ظهور و حکومت و عدالت آن حضرت اشاره می کنیم.

در بخش های پیشین اثبات شد که «عقیده به امام مهدی» به عنوان موعود آخر الزمان و منجی عالم بشریت، عقیده ای است که براساس قرآن کریم و سنت پدید آمده و تمام مسلمین بر آن اتفاق دارند. این اعتقاد منحصر در شیعه نیست؛ بلکه همه مسلمین بر آن متفقند. حتی برخی از دانشمندان اهل سنت، منکر «امام مهدی» را کافر و واجب القتل می دانند. در بخش های پیشین به سخنان برخی عالمان اهل سنت درباره متواتر بودن موضوع امام مهدی و احادیث مربوط به آن پرداخته ایم.

اکنون برای اثبات جایگاه اعتقاد به مهدویّت در نزد اهل سنت، به پاسخ «رابطه العالم الاسلامی» مرکز مهم وهابی در

عربستان به پرسش یک مسلمان اشاره کنیم. این مسلمان که از سنیان اهل کنیا است، درباره جایگاه مهدی منتظر و زمان و مکان ظهور او و مسایل دیگر مهدویت می پرسد. پاسخ مرکز دینی وهابی، چنین است:

مهدی، محمد بن عبدالله حسنی، علوی، فاطمی است و او مهدی موعود منتظر است. موقع ظهور وی، آخرالزمان است و ظهورش از نشانه های قیامت می باشد. او از غرب ظاهر می شود و مردم در حجاز در مکه مکرمه بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فراگرفته باشد، ظهور می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پرشده باشد. بر همه جهان حکومت خواهد کرد و جهانیان یا به میل و دلخواه یا با نبرد تسلیم وی خواهند شد. او تمام زمین را مالک خواهد شد. بعد از ظهور او عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و دجال را می کشد، یا همزمان با ظهورش از آسمان فرود می آید و حضرت مهدی را بر کشتن دجال بر دروازه لد در سرزمین فلسطین یاری می دهد.

مهدی، آخرین از خلفای راشدین دوازدهگانه است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن خبرداده و در منابع اهل سنت آمده است. احادیث مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بسیاری از صحابه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند؛ از جمله آن ها است: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحه بن عبدالله، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث،

ابوهریره، حذیفه بن یمانی، جابر بن عبدالله، ابوامامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و أم سلمه.

این ها بیست نفر از کسانی هستند که روایت درباره مهدی را نقل کرده اند غیر از این ها، افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده است که در آن ها به ظهور«مهدی» تصریح شده است و سخن آن ها را می توان در ردیف روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد؛ زیرا مسأله ظهور مهدی از مسایلی نیست که بتوان در آن، اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر از شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده و آن چه صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با اعتماد به گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرده اند (و شهادت و گواهی آنان نیز در حکم حدیث است)، در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است؛ از جمله آن ها است: سنن ابوداوود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابوعمروالدانی، مسند احمد، ابی یعلی و مسند بزاز، صحیح حاکم، معاجم طبرانی، رویانی، دارقطنی و ابونعیم در کتاب اخبار المهدی و خطیب در تاریخ بغداد و ابن عساکر در تاریخ دمشق و غیر اینها.

بعضی از دانشمندان اسلامی درباره مهدی کتاب های ویژه ای نوشته اند؛ از آن جمله است: ابونعیم در کتاب اخبار المهدی، ابن حجر هیتمی در کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، شوکانی در کتاب

التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر والدجال و المسیح، ادریس عراقی مغربی در کتاب المهدی، ابوالعباس بن عبدالمؤمن مغربی در کتاب الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون. آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده ای از بزرگان و دانشمندان متقدم و متأخر نیز در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی متواتر است و به هیچ وجه قابل انکار نیست؛ از آن جمله است: سخاوی در کتاب فتح المغیث، محمد بن احمد سفارینی در کتاب شرح العقیده، ابوالحسن آبری در کتاب مناقب الشافعی، ابن تمیمه در کتاب فتاوا، سیوطی در کتاب الحاوی، ادریس عراقی در تألیفی که درباره مهدی دارد، شوکانی در کتاب التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال والمسیح، محمد بن جعفر کتانی در النظم المتناثر فی الحدیث المتواتر و ابوالعباس بن عبدالمومن در کتاب الوهم المکنون من کلام ابن خلدون.

این تنها ابن خلدون است که احادیث مربوط به مهدی را با احادیثی مجهول و ساختگی و بی اساسی که می گوید: «مهدی ای نیست جزء عیسی» مورد ایراد قرار داده است؛ ولی بزرگان و پیشوایان و دانشمندان اسلام، گفتار او را رد کرده اند؛ به خصوص ابن عبدالمؤمن که در رد گفتار او کتاب

ویژه ای به نام الوهم المکنون من کلام ابن خلدون نوشته است که از سی سال قبل در شرق و غرب منتشر شده است. حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی شامل احادیث صحیح و حسن است و مجموع آن ها، متواتر و صحت آن ها، قطعی است.

بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسلمان واجب است و از عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعتگزار کسی منکر آن نخواهد بود.(۱)

وهابیون که از تندروترین گروه های اسلامی اهل سنت می باشند، مسأله مهدویت و اعتقاد به آن را پذیرفته و ادعای تواتر آن را نیز قبول کرده اند. این، نشانگر این است که مسأله، مورد اتفاق تمام مسلمین است. البته در کل عباراتی که مرکز دینی وهابی درباره امام مهدی پاسخ داده است، بیشتر مورد قبول شیعه و مورد تأیید روایات و احادیث است و برخی نیز مردود است؛ مثلاً در ابتدای آن که امام مهدی را محمد بن عبدالله (یعنی نام پدر امام مهدی را عبدالله) می داند مورد قبول نیست. البته پاسخ های منطقی و معقول در این باره را در بخش های بعدی مطرح خواهیم کرد.

شبهه مهم

اشاره

برخی شبهه افکنان _ هرچند در صنف مسلمین و در مسلک عالمان

۱- فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۳، ص ۱۴۲.

اسلامی و دینی هستند ــ در کتب خود مسأله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مورد تشکیک قرار داده اند. از علمای اسلامی قدیم کسی مثل ابن خلدون در مقدمه کتابش، این مسأله را مورد تردید و تشکیک قرار داده است. میان علمای متأخر و معاصر نیز بعضی همچون احمد امین مصری(۱) یا رشید رضا در کتب و آثار خود، این مسأله را مورد تشکیک قرار داده اند. مهم ترین شبهه و اشکال این افراد این است که اگر موضوع امام مهدی مورد اجماع مسلمین است، چرا در صحیح بخاری و مسلم روایتی در این باره وجود ندارد. عالمان زیادی از اهل سنت و علمای شیعه، به این شبهه جواب های متعددی داده اند.

جواب اول: بخاری، درباره کتاب الصحیح خود می گوید: «من، این کتاب را از میان صدهزار حدیث صحیح گرد آورده ام و آنچه از احادیث صحیح، نقل نکرده ام، بسی بیشتر است». پس تمام احادیث صحیح را ایشان نقل نکرده است.

همچنین هرگز مشاهده نشده است عالمی از اهل سنت، حدیثی را که بخاری و مسلم روایت نکرده اند، ضعیف بداند؛ بلکه سیره، برعکس آن است؛ یعنی معتقدند احادیث صحیح بسیاری بوده که در صحیحین راه نیافته است. برخی از عالمان اهل سنت نیز در استدراک این احادیث صحیح کوشیده و آن ها را در مجموعه های جداگانه ای گرد آورده اند؛ همچون حاکم نیشابوری که کتاب المستدرک علی الصحیحین را نوشته و احادیث صحیح را طبق ضوابط شیخین جمع آوری کرده است.

۱- المهدی و المهدویه، ص۴۱.

از جمله آن احادیث، موضوع امام مهدی می باشد که در مستدرک حاکم نیشابوری مطرح شده است.

جواب دوم: طبق نقل برخی بزرگان اهل سنت، در صحیح مسلم، روایت «المهدی حق و هو من ولد فاطمه علیها السلام » از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده و در صحیح مسلم تا آخرین نقل آن (حمزاوی مصری متوفای ۱۳۰۳ق) بوده است؛ ولی بعد از آن در نسخه های خطی و چاپی صحیح مسلم، این روایت دیده نمی شود؛ یعنی چند تن از علمای مورد اعتماد اهل سنت این حدیث را از صحیح مسلم نقل کرده اند که آخرین آن ها شیخ حسن عدوی حمزاوی مالکی مصری در کتاب مشارق الانوار، ص ۱۱۲ است؛ ولی در نسخه های موجود صحیح مسلم، این حدیث را نمی بینیم.(۱)

جواب سوم: لازم نیست در تمام احادیث مربوط به موضوع مهدویت، به نام مبارک امام مهدی تصریح بشود؛ بلکه همین که در حدیثی صفات و خصوصیات یا علایمی مطرح شد که به طور کامل بر مسأله مهدی تطبیق کرد و عالمان فراوانی از اهل سنت و شیعه آن را مطابق با امام مهدی دانستند، کفایت می کند؛ هرچند این حدیث در کتب معتبر دیگر، با نام مهدی مطرح شده باشد.

جواب آخر: خود بخاری و مسلم ادعا نمی کنند که هر حدیثی را در صحیحین ذکر نکرده اند، اعتبار ندارد؛ بلکه همان طور که بیان شد، بخاری احادیث فراوانی را صحیح دانسته که در صحیح خود نیاورده و خودش گفته است این احادیث صحیح را به سبب احتراز از طولانی

۱- در انتظار ققنوس، ص۲۰۵.

شدن کتابم نیاورده ام.(۱) مسلم هم گفته است روایت های کتابم، صحیح است و ادعا نکرده است روایات دیگر، ضعیف می باشد و حتی ادعا نکرده است، من تمام روایات صحیح را درکتابم آورده ام.

پس معلوم می شود بسیاری از روایات صحیح است که صحیحین از آن ها خالی می باشد و نیز مشخص شد که برخی از روایات مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت خاص در صحیحین موجود است؛ هر چند با نام مهدی مطرح نشده باشد.

در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) احادیث گوناگونی را می بینیم که بنا بر تصریح شارحان صحیحین و علمای دیگر، این اخبار مربوط به مهدویت است که ما به ذکر پاره ای از این احادیث در صحیحین می پردازیم:

الف. احادیث خروج دجال در صحیحین

در هر یک از صحیح بخاری و صحیح مسلم، ده ها روایت درباره خروج دجال و خصوصیات و اوصافش و سیره و اعمال ناروا و فسادش و کشته شدنش به دست حضرت عیسی وارد شده است که به اتفاق علمای اهل سنت، این وقایع هم زمان با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.(۲)

۱- اصول الحدیث، ص۲۰۹.

۲- صحیح بخاری، ج ۱، ص۳۰، ۵۳، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۲۱ و ج ۲، ص۲۸، ۱۰۳، ۱۴۸، ۲۲۳ و ج۳، ص۱۲۳، ج۴، ص ۳۳، ۸۵، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۴۱، ۱۴۳و ج ۵، ص ۱۱۵، ۱۲۶، ۲۲۳ و ج ۷، ص۵۸، ۵۹، ۱۱۴، ۱۵۸،۱۵۹، ۱۶۱؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۰۸، ۱۰۵ و ج ۲، ص۹۳، ۱۹۹ و ج۳، ص ۳۲، ۳۰ و ج ۴، ص ۱۲۰ و ج۶، ص۱۷۷و ج ۷، ص۱۸۱ و ج۸، ص ۷۵، ۲۰۰، ۱۶۱.

ب. احادیث نزول عیسی علیه السلام در صحیحین

در صحیحین به اسناد خود از ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که حضرت فرمود:

«کیف انتم اذا نزل فیکم ابن مریم فامامکم منکم؛ چگونه خواهید بود هنگامی که پسر مریم (عیسی علیه السلام) بین شما فرود آید در حالی که امام شما از خودتان است؟».(۱)

علمای اسلام در شروح صحیح بخاری و مسلم و در کتب دیگر تصریح کرده اند، این امام، امام مهدی علیه السلام است. در صحیح مسلم به اسناد خود از جابربن عبدالله انصاری نقل می کند که می گوید:

«سمعت النبی صلی الله علیه و آله و سلم یقول: لا تزال طائفه من امتی تقاتلون علی الحق ظاهرین الی یوم القیامه، قال: فینزل عیسی بن مریم، فیقول امیرهم: تعال صل لنا، فیقول لا، ان بعضکم علی بعض امراء تکرمه الله هذه الامه؛ از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: گروهی از امت من پیوسته در راه خدا جهاد خواهند کرد و فاتح خواهند شد تا روز قیامت. سپس فرمود: آن گاه عیسی بن مریم فرود خواهد آمد و امیر و پیشوای این گروه به وی می گوید: بیا برای ما نماز بگذار. او جواب خواهد داد: خیر، برخی از شما بر برخی دیگر امیرند و این به سبب بزرگداشت و تکریم امت اسلامی است».(۲)

۱- صحیح بخاری، ج ۴؛ کتاب الانبیاء، ص ۱۴۳؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۵، باب نزول عیسی علیه السلام .
۲- صحیح مسلم، ج ۱، باب نزول عیسی، ص۹۵.

با مراجعه به کتب معتبر دیگر از اهل سنت و نیز با مراجعه به شروح صحیح مسلم و بخاری می بینیم، کسی که در نماز، امامِ بر عیسی علیه السلام می شود، امام مهدی علیه السلام است.(۱)

در المصنف ابن ابی شیبه که از کتب معتبر اهل سنت است نقل می کند که: مهدی از این امت است و اوست که بر عیسی بن مریم امامت می کند.(۲)

ج. حدیث بخشایشگر اموال

مسلم در صحیحش با اسناد خود از جابر بن عبدالله نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یکون فی آخر امتی خلیفه یحثی المال حثیاً لایعده عدداً؛ در اواخر دوران امت من خلیفه ای خواهد آمد که مال فراوان بخشش کرده و شمارش نخواهد کرد».(۳)

البته این حدیث از طرق دیگری از جابر و ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است. این انفاق و خصلت بخشش مال، در کتب دیگر اهل سنت مثل سنن ترمذی ونیز به تصریح شارحین صحیح مسلم، از صفات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده و آن خلیفه نیز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ترمذی این حدیث را به اسناد خود از ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۱- فتح الباری، ج ۶، ص۳۸۳؛ ارشاد الساری، ج ۵، ص۴۱۹؛ الحاوی للفتاوی، ج۲، ص ۸۱.
۲- مصنف، ج۱۵، ص ۱۹۸، حدیث ۱۹۴۹۵.
۳- شرح صحیح مسلم (نووی)، ج ۸، ص ۳۹ و ۳۸.

نقل کرده و آن را حدیث حسن می خواند.(۱)

د. احادیث خسف در بیداء

از مواردی که در مسأله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در زمانه ظهور آن حضرت، در کتب روایی و حدیثی مطرح شده است، حدیث بلعیدن و در خود فروبردن صحرا است که این جریان به «خسف در بیداء» معروف است.

در صحیح مسلم به اسناد خود از عبیدالله بن قبطیه نقل می کند که من به همراه حارث بن ابی ربیعه و عبدالله بن صفوان بر ام سلمه ام المؤمنین وارد شدیم. آن دو نفر از ام سلمه درباره سپاهی پرسیدند که بلعیده شده و در صحرا پنهان می شود. ام سلمه گفت:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یعوذ عائذ با لبیت فیبعث الیه بعث فاذا کانوا ببیداء من الارض خسف بهم؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پناهنده ای به خانه خدا پناه می برد. سپاهی را به دنبال وی گسیل می دارند. هنگامی که آن سپاه به سرزمینی بیابانی برسد، در آن فرورفته و بلعیده خواهد گشت».(۲)

این حدیث نیز مانند احادیث قبلی در کتب معتبر دیگر از اهل سنت مثل مسند احمد و سنن ترمذی و مستدرک حاکم نیشابوری مطرح شده است(۳) و حاکم نیشابوری قائل شده این حدیث، طبق ضوابط و شرایط مورد نظر شیخین، صحیح می باشد. شکی نیست که بلعیدن و در

۱- سنن ترمذی، ج۲، ح۲۲۳۲.
۲- صحیح مسلم، ج۸، ص ۱۶۸؛ شرح صحیح مسلم (نووی)، ج ۱۸، ص۶.
۳- مسند احمد، ج ۳، ص۳۷؛ سنن ترمذی، ج ۴، ح۲۲۳۲؛ مسند حاکم، ج۴، ص ۵۲۰.

خود نهان ساختن صحرا، بنا بر تمام احادیثی که در این باب وارد شده، درباره سپاهی است که در صدد پیکار با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ص:۹۱

فصل اول: حسب و نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص:۹۳

شناخت هرچیزی به اصل و حسب و نسب آن است و شناخت موضوع مهمی چون«مهدی» به آن است که حسب و نسب آن بزرگوار مشخص شود. اگر ثابت شود که در کتب معتبر اهل سنت همچون صحاح سته، حسب و نسب آن بزرگوار را همان طور نقل کرده اند که در کتب معتبر شیعی مطرح شده است، نقطه اشتراک و وحدت در عقیده محقق خواهد شد.

الف. مهدی از فرزندان عبدالمطلب است

ابن ماجه در سنن با اسناد خود از انس بن مالك از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است:

سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: نحن ولد عبدالمطلب ساده اهل الجنه انا و حمزه و علی و جعفر و الحسن و الحسین و المهدی؛ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم، من و حمزه و علی علیه السلام و جعفر و حسن و حسین و مهدی.(۱)

مقدسی شافعی در عقد الدرر این حدیث را نقل کرده است:

۱- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح۴۰۸۷.

«ما هفت تن فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم. من و برادرم علی علیه السلام ، عمویم حمزه، جعفر، حسن و حسین و مهدی».

سپس مقدسی شافعی اضافه می کند که عده ای از پیشگامان و بزرگان حدیث مثل ابن ماجه قزوینی در سنن و نیز ابوالقاسم طبرانی در المعجم و حافظ ابونعیم اصفهانی و دیگران این حدیث را نقل کردند.(۱)

این حدیث دلالت دارد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان عبدالمطلب بن هاشم قرشی کنانی است.

ب. مهدی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است

عجیب آن است که مضامین روایات صحاح سته و کتاب های معتبر دیگر اهل سنت که در این زمینه مطرح شده، با احادیث و روایاتی که در کتب معتبر شیعی مطرح شده است، مطابقت دارد. هرچند الفاظ و عبارات آن کمی متفاوت است. روایات متعددی در صحاح سته در سنن ابو داوود، ترمذی و ابن ماجه در این مورد وجود دارد که برخی از آن ها از حیث سند متقن و معتبر می باشند.

۱. ابوداوود در سنن خود با اسناد خود از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود روایت کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لولم یبق من الدنیا الایوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلا منی، من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی...؛

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد هر آینه خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا آن که مردی ازاهل

۱- عقد الدرر، باب هفتم، ص ۱۹۵.

بیت مرا برانگیزد که اسمش نظیر اسم من است».(۱)

۲. و نیز ابوداوود در سنن خود از ابی الطفیل از امام علی علیه السلام روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لولم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلًا من اهل بیتی یملأها عدلا کما ملئت جوراً؛

اگر بیش از یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، در آن روز، خداوند مردی از اهل بیت مرا مبعوث خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از ظلم و جور شده باشد».(۲)

این حدیث را احمد بن حنبل در کتاب مسند خود و ابن ابی شیبه در المصنف و بیهقی در کتاب الاعتقاد نقل کرده اند.(۳)

برخی از دانشمندان اهل سنت مثل ابوالفیض غماری این حدیث را از حیث سند، صحیح دانسته اند.(۴) مرحوم طبرسی از دانشمندان و مفسران عالی مقام شیعه در تفسیر گرانقدر مجمع البیان خود این حدیث را مورد اجماع تمامی مسلمین اعم از شیعه و سنی دانسته است.(۵)

۳. ترمذی در سنن خود از عاصم از زر از عبدالله بن مسعود نقل

۱- سنن ابو داوود، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۴۲۸۲.

۲- سنن ابو داوود، ج ۲، ص ۳۱۰، ح۴۲۸۳.

۳- مسند احمد، ج ۱، ص۹۹؛ مصنف، ج ۱۵، ص ۱۹۸، ح۱۹۴۹۴؛ الاعتقاد بیهقی، ص ۱۷۳.

۴- ابراز الوهم المکنون، ص ۴۹۵.

۵- مجمع البیان، ج۷، ص ۶۷.

کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی؛

دنیا به پایان نخواهد رسید تا آن که مردی از اهل بیت من که هم نام من است بر عرب حاکم شود».(۱)

۴. و نیز ترمذی به سند دیگر از عاصم از زر از عبدالله بن مسعود روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی».(۲)

۵. و نیز به سند دیگر از ابوهریره نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لولم یبق من الدنیا الا یوماً لطول الله ذلک الیوم حتی یلی».(۳)

ترمذی در ذیل این سه حدیث می نویسد: «هذا حدیث حسن صحیح». کنجی شافعی درباره این احادیث مطرح شده در سنن ترمذی را صحیح می داند.(۴) بغوی که یکی از دانشمندان اهل سنت می باشد، سند این احادیث را حسن دانسته است.(۵)

۶. ابن ماجه در سنن خویش با اسناد خود از محمد بن الحنفیه از امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«المهدی منا اهل البیت یصلحه الله فی لیله؛ مهدی از ما اهل بیت است. خداوند

۱- سنن ترمذی، ج۳، ح۲۲۳۱.

۲- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۲۳۲.

۳- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۲۳۲.

۴- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۴۸۱.

۵- مصابیح السنه، ج ۳، ص ۴۹۲.

امر او را در یک شب اصلاح می کند».(۱)

این حدیث با همین عبارت در مسند احمد بن حنبل و مصنف ابن ابی شیبه و نیز در کتاب الفتن نعیم بن حماد آمده است.(۲)

عبدالعظیم بستوی بعد از تخریج رجال این حدیث و بررسی کامل سندی آن می گوید: این حدیث حسن است. البته خود بستوی تصریح می کند، برخی از دانشمندان اهل سنت مثل ناصر الدین الالبانی سند این حدیث را صحیح می دانند.(۳)

ج. مهدی از فرزندان فاطمه است

تا کنون چندین روایت از سنن ابوداوود، سنن ترمذی و سنن ابن ماجه مطرح شد که دلالت بر این می کرد که مهدی از قریش و از نسل عبدالمطلب و از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت آن حضرت است؛ البته این مطلب، در روایات معتبر فراوانی از کتب شیعه نیز مطرح شده است.

شیخ طوسی با اسناد خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «المهدی من عترتی؛ مهدی از عترت و اهل بیت من است».(۴)

اما روایاتی در صحاح سته دلالت بر این دارد که امام مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است:

۱. ابن ماجه در سنن خود با اسناد خویش از سعید بن مسیب از

۱- سنن ابن ماجه، ج ۲، ح ۴۰۸۵.

۲- مسند احمد، ج ۱، ص۸۴؛ مصنف ابن ابی شیبه، ج ۱۵، ص ۳۲۱؛ الفتن، ص ۱۰۳.

۳- المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه، ص ۱۵۶.

۴- الغیبه شیخ طوسی، ص ۱۸۶

ام سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی من ولد فاطمه؛(۱) مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

۲. ابوداوود در سنن خود از سعید بن مسیب از ام سلمه نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه؛ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خاندان من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است».(۲)

این حدیث را برخی دیگر از علمای اهل سنت در کتب معتبر خود آورده اند از جمله: طبرانی در المعجم الکبیر و حاکم نیشابوری در المستدرک.(۳)

نکته قابل توجه و تأمل این است که حدیث «المهدی حق و هو من ولد فاطمه» را چهار نفر از علمای بزرگ اهل سنت در کتب معتبر خود از صحیح مسلم روایت کرده اند:

۱. ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ ق) در الصواعق المحرقه باب یازدهم، فصل اول، ص۱۶۳؛

۲. متقی هندی حنفی (متوفای ۹۷۵ ق) در کنز العمال، ج۱۴، ص ۲۶۴، حدیث ۳۸۶۶۲؛

۳. شیخ محمدعلی صبان مالکی (متوفای ۱۲۰۶ ق) در اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵؛

ص:۹۹

۱- سنن ابن ماجه، ج۲ حدیث ۴۰۸۶

۲- سنن ابوداوود، ج۴ حدیث ۴۲۸۴

۳- المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۶۷؛ مستدرک حاکم، ج۴، ص ۵۵۷.

۴. شیخ حسن عدوی جزاوی مالکی (متوفای ۱۳۰۳ ق) در مشارق الانوار، ص۱۱۲.

با وجود این که علمای بزرگ اهل سنت تصریح کرده اند که حدیث را از صحیح مسلم نقل کرده اند؛ لکن در چاپ های موجود صحیح مسلم هیچ اثری از این حدیث به چشم نمی خورد.

بخاری این روایت را در صحیح خودش ندارد، ولی در تاریخ کبیر خود، این حدیث را با همین اسناد از سعید بن مسیب از ام سلمه نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی حق و هو من ولد فاطمه».(۱) این حدیث با همین مضامین، در کتب فراوان دیگری از اهل سنت موجود است. برهمین اساس است که دانشمندان و عالمان اهل سنت پذیرفته و معتقدند که امام مهدی از فرزندان فاطمه است.

د. بررسی حدیث «اسم ابیه اسم ابی»

یکی از احادیثی که موجب اختلاف و بحث های متعدد شده، حدیثی است که ابوداوود در سنن خود نقل کرده است. عالمان و دانشمندان اهل سنت همگی معتقدند حضرت مهدی همنام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و در سیره و رفتار به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شباهت دارد، ولی طبق این حدیثی که ابوداوود در سنن خود نقل کرده، بسیاری از عالمان اهل سنت معتقدند، اسم پدر مهدی، همان اسم پدر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؛ یعنی نام پدر مهدی، عبدالله است همان طور که نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عبدالله بوده است.

متن حدیث: ابوداوود در سنن خود از عاصم از زربن حبیش از

۱- تاریخ کبیر بخاری، ج۱و۲، ص۳۴۶.

عبدالله بن مسعود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لولم یبق من الـدنیا الیوم، لطول الله ذلـک الیوم حتی یبعث فیه رجلاًـ منی او من اهل بیتی یواطئی اسـمه اسـمی و اسم ابیه اسـم ابی؛ دنیا به پایان نخواهـد رسـید تا این که خداونـد مردی از خاندان مرا برانگیزد که اسم او مشابه اسم من و اسم پدرش مشابه اسم پدرم باشد».(۱)

لکن از این حدیث و عبارت«اسم ابیه اسم ابی» جواب های گوناگونی داده شده که به مهم ترین آن ها می پردازیم:

جواب اول: یـک جواب مهمی که مطرح کرده انـد این است که این حـدیث بـا همین سـند در سـنن ترمـذی آمـده است؛ ولی عبارت اخیر«اسم ابیه اسم ابی» را ندارد و ترمذی تصـریح می کند این حدیث از طرق دیگری از صحابه همچون امام علی علیه السـلام ، ابوهریره، ابوسـعید خدری و ام سـلمه روایت شده و صرفاً مشتمل است بر«یواطی اسمه اسمی» و آن قسمت اخیر «اسم ابیه اسم ابی» را ذکر نکرده است و در ذیل آن ترمذی اضافه می کند که این حدیث حسن و صحیح است.(۲)

همچنین احمد بن حنبل که آگاهی و اطلاع او درباره احادیث مورد توجه عالمان اهل سـنت و نسـبت به ابوداوود، قدیمی تر و نسبت به عصرتابعین، نزدیک تر می باشد، در مسند خود همین حدیث را ذکر کرده است، ولی این قسمت اخیر یعنی «اسم ابیه اسم ابی» را ندارد.(۳)

۱- سنن ابو داوود، ج۲، ح۴۲۸۲.

۲- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۲۳۰.

۳- مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۷، ص ۴۳۰.

حتی در کتب معتبر دیگر، همچون طبرانی در المعجم الکبیر در بیش از ده مورد، این حدیث را مطرح می کند. حاکم نیشابوری نیز در کتاب خود این حدیث را مطرح کرده است، ولی این عبارت اخیر در آن نیست و حاکم اضافه می کند این حدیث طبق نظر و شرایط شیخین (بخاری و مسلم) صحیح است.(۱)

پس معلوم می شود این عبارت اخیر، اضافه شده است.

جواب دوم: مقدسی شافعی که از علمای اهل سنت است این حدیث را در کتاب خودش از کتب و منابع گوناگون از جمله از سنن ابوداوود نقل می کند و این عبارت« اسم ابیه اسم ابی» در آن موجود نیست و مقدسی شافعی برای تایید مطلب، روایاتی از عبدالله بن عمر و حذیفه در این باب نقل می کند.(۲)

جواب سوم: یکی از جوابهای متقن و مورد قبولی که مطرح شده این است که ابونعیم اصفهانی در کتاب فی مناقب المهدی این روایت را با طرق فراوان جمع کرده است و فقط در یک طریق آن، عبارت «اسم ابیه اسم ابی» را دارد وآن طریق ابن عاصم الابری است که نشان می دهد وی این روایت را اضافه کرده است.(۳)

جواب چهارم: جواب مهم دیگری که از جواب های قبلی استنتاج می شود این است که به احتمال زیاد عبارت از مجعولات و موضوعات عباسیان باشد که در این مورد قرائن و شواهد کافی وجود دارد؛ چون

۱- مستدرک حاکم، ج۴، ص۴۴۲.
۲- عقد الدرر، باب ۲، ص۵۱.
۳- الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۸۹. ۹۰

شکی نیست که دولت عباسی برای تأیید سلطنت خود و تشویق مردم به بیعت با محمد بن عبدالله، ملقب به مهدی عباسی (سومین خلیفه عباسی) دست به هر جنایتی از جمله جعل حدیث می زدند. منصور عباسی که نامش عبدالله بود، فرزندش محمد را به عنوان خلیفه و جانشین خود معین کرد و به مردم دستور داد تا با او به عنوان ولایت عهدی و جانشین بعد از خود بیعت کنند. برای تشویق و تحریض مردم به این کار، لقب مهدی را برفرزندش گذاشت، تا مردم به گمان این که مهدی منتظر است با او بیعت کنند و از آن جا که اسمش عبدالله بود، دستور داد تا حدیثی جعل کنند. (۱)

شهید مرتضی مطهری می نویسد:

حتی ما می بینیم یکی از خلفای عباسی، اسمش مهدی است. پسر منصور... مورخین و از آن جمله (دارمستتر) نوشته اند که منصور مخصوصاً اسم پسرش را مهدی گذاشت برای این که می خواست استفاده سیاسی کند، بلکه بتواند یک عده مردم را فریب بدهد. بگوید آن مهدی که شما در انتظار او هستید پسر من است و لهذا مقاتل الطالبیین و دیگران نوشته اند که این ها گاهی که با خصیصین خود که روبه رو می شدند به دروغ بودن این مطالب اعتراف می کردند.(۲)

پس با بررسی این حدیث و جواب هایی که مطرح شد، این مطلب قابل اثبات است که نام پدر مهدی، همنام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست. این مطلب در

۱- موعود شناسی، ص۴۴۴.

۲- مجموعه آثار، ج۱۸، ص۱۷۳.۱۷۴.

کتب روایی شیعه به راحتی قابل اثبات و پـذیرش است؛ چون روایات متعددی از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و ائمه اهل بیت علیه السلام در دسترس هست که نام پدر حضرت مهدی، حسن است؛ یعنی فرزند امام حسن عسکری است. البته برخی از عالمان اهل سنت نیز پذیرفته اند که امام مهدی فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است؛ از جمله آن ها: کمال الدین محمد طلحه شافعی و ابن صباغ مالکی می باشند.(۱)

ه. بررسی حدیث « مهدی از فرزندان امام حسن علیه السلام است»

تا کنون حسب و نسب امام مهدی در کتب معتبر اهل سـنت اثبات شد. اما لکن در تمام کتب اهل حدیث اگر دقت کنیم، فقط یک حـدیث مبنی بر این که امام مهدی از فرزندان امام حسن علیه السـلام است داریم و غیر از این، حدیث دیگری دال بر این مطلب نداریم. این روایت را هم ابوداوود در سنن خود نقل کرده است.

ابوداوود در سنن خود چنین نقل کرده است:

حدثت عن هارون بن المغیره قال حدثنا عمروبن ابی قیس عن شعیب بن خالد عن ابی اسحاق قال: قال علی رضی الله عنه و نظر الی ابنه الحسن فقال: ان ابنی هذا سـید کما سـماه النبی صـلی الله علیه و آله و سـلم و سیخرج من صلبه رجل یسمی باسم نبیکم یشبهه فی الخلق و لا یشبهه فی الخلق ثم ذکر قصه: یملأ الارض عدلاً؛

هارون بن مغیره از عمروبن ابی قیس از شعیب بن خالد از

۱- محمد بن طلحه شافعی در کتاب مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، ص ۸۹؛ ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمه، ص ۲۷۴.

ابی اسحاق روایت کرده که: امام علی علیه السلام به فرزند خود حسن نگریسته و فرمود: این فرزندم آقا و سرور است، همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را اینگونه نامیده و از نسل او، فرزندی ظهور خواهد کرد که همنام با پیامبرتان است. در خلق و خوی شبیه اوست؛ ولی در خلق (چهره و اندام) شبیه او نیست، سپس عدالت گستری او را حکایت کرد.(۱)

این حدیث مورد بحث های فراوانی واقع شده است و جوابهای متعدد و منطقی به این حدیث منقول در سنن ابوداوود داده شده است.

جواب اول: حدیث، در نقل دیگری از کتب اهل سنت به جای لفظ حسن، لفظ حسین آمده است. جزری شافعی (متوفای ۸۳۳) همین حدیث را به اسناد خود از ابوداوود سجستانی نقل کرده و به جای لفظ حسن، لفظ حسین در آن آمده است. جزری شافعی می نویسد:

صحیح این است که مهدی از نسل حسین بن علی علیه السلام است به دلیل تصریح امیرمؤمنان علی علیه السلام برآن و طبق خبری که از شیخ الاجازه ما از عمربن حسن الرقی به دستمان رسیده است. ابوالحسن بن بخاری از عمربن محمد دارقزی از ابوبدرکرخی از ابوبکر خطیب از ابو عمر هاشمی از ابوعلی لؤلؤیی از حافظ ابو داوود از هارون بن مغیره از عمروبن ابی قیس از شعیب بن خالد از ابواسحاق خبر داد که علی علیه السلام به سوی فرزند خود حسین نگریست و سپس فرمود: این پسرم آقا و سرور است، همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را این گونه نامید. از نسل وی فرزندی ظهور خواهد کرد که همنام پیامبرتان است و در خلق و خوی شبیه اوست،

۱- سنن ابوداوود، ج۲ حدیث ۴۲۹۰.

ولی در خلق شبیه او نیست سپس حکایت عدالت گستری وی را نقل کرد. (۱)

پس می بینیم در نقل دیگری که یکی از علمای معتمد اهل سنت از ابو داوود سجستانی روایت کرده آن را با نام«حسین» مطرح کرده است و نمی توانیم بدون دلیل و قرائن خارجی، یک نقل را بر نقل دیگر ترجیح بدهیم.

جواب دوم: منذری که سنن ابوداوود را شرح داده و مختصر کرده است در آن جا اشاره می کند این حدیث از حیث سند، مقطوعه است؛(۲) چون ابو اسحاق، این حدیث را از امیرمؤمنان علی علیه السلام نشنیده است؛ زیرا وی در هنگام شهادت امام علی علیه السلام فقط شش یا هفت سال داشته است. بنابر قول ابن حجر وی در دو سال پایانی خلافت عثمان به دنیا آمده است؛(۳) لذا شاید امام علی علیه السلام را دیده باشد، ولی از حضرتش حدیث استماع نکرده است.

جواب سوم: جواب دیگری که مطرح شده باز از حیث سند حدیث است. گفته شده که سند حدیث مجهول است؛ چون ابوداوود چنین نقل کرده است: از هارون بن مغیره برایم حدیث شد و راوی پیش از هارون بن مغیره نامعلوم است. لذا این حدیث از حیث سند قابل اعتماد نیست.

جواب چهارم: ممکن است تصحیف در کلمه صورت گرفته باشد؛ یعنی احتمال تصحیف و تغییر شکل کلمه حسین و ثبت شدن به هیأت

۱- اسمی المناقب، ص ۱۶۸.۱۶۵.

۲- مختصر سنن ابوداوود، ج۶، ص ۱۶۲.

۳- تهذیب التهذیب، ج۸، ص۵۶.

حسن، در حدیث ابوداوود بعید نیست. به ویژه آن که این حدیث را افراد دیگری از ابو داوود نقل کرده اند و در آن به صورت حسین آمده است. اضافه برآن احتمال عکس این حدیث، یعنی از اولاد امام حسین بودن مهدی نیز کاملاً قوی است؛ زیرا در هر صورت، این حدیث خبر واحد است و با روایات متعدد دیگر نمی تواند معارضه کند.

جواب پنجم: در ارتباط با مجعول بودن این حدیث نیز احتمال جدی وجود دارد. مؤید این احتمال این است که حسنیون و پیروان آنان گمان بردند، مهدی همان محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام در سال ۱۴۵ق، در زمان خلافت منصور کشته شده است؛ لذا از این احادیث، برای مقاصد سیاسی خود استفاده کردند. بعدها عباسیان مدعی شدند که مهدی موعود، همان محمد بن عبدالله بن منصور عباسی (۱۶۹-۱۵۸ ق) است.

جواب ششم: حدیث ابوداوود، علاوه بر این که از حیث سند دچار ضعف است، توان معارضه با احادیث دیگری که مهدی را از فرزندان امام حسین علیه السلام می داند ندارد. اکنون ما به یک نمونه از آن احادیث اشاره می کنیم که حدیث حذیفه بن یمان است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای ما خطبه ای ایراد فرمود و در آن، از حوادث آینده خبر داد و افزود: اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند بزرگ آن روز را چنان طولانی خواهد ساخت تا آن که مردی از نسل من در آن روز قیام کند که هم اسم من است. آن گاه سلمان برخاست و پرسید: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم او از کدام فرزند تو خواهد بود؟ فرمود: از این فرزندم و دست بر پشت حسین علیه السلام

زد.(۱)

جواب هفتم: همان طور که در جواب های پیشین مطرح شد، حدیث ابوداوود هرچند دچار ضعف سندی است باز در صورت صحت سند حدیث مذبور، تعارضی با احادیث ابن الحسین بودن مهدی نداشته و مانعی بر سر راه آن ها ایجاد نخواهد کرد؛ زیرا راه جمع بین این حدیث ابو داوود و احادیث دیگر وجود دارد؛ چون امام مهدی حسینی الاب و حسنی الام است. بدین صورت که همسر امام سجاد علیه السلام (یعنی مادر امام باقر علیه السلام) فاطمه بنت الحسن دختر امام حسن مجتبی است و لذا امام باقر علیه السلام حسینی الاب و حسنی الام بوده است و فرزندان آن حضرت همگی ذریه سبطین محسوب می شوند.

البته این نکته مؤید قرآنی هم دارد که در قرآن کریم عیسی علیه السلام را از طرف مادرش ملحق به انبیاء سابق دانسته است «و وهبنا له اسحاق کلا هدینا و نوحاً هدینا من قبل و من ذریته داوود و سلیمان... و عیسی و الیاس کل من الصالحین».(۲)

برخی از روایات نیز این جمع را تأیید می کند. در منابع اهل سنت نیز مطرح شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

«والذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامه؛ سوگند به کسی که مرا به حق مبعوث فرمود، به درستی که مهدی این امت از آن دو (حسن و

۱- المنار المنیف، ص ۱۴۸؛ عقدالدرر، ص ۴۵؛ ذخائر العقبی، ص ۱۳۶.

۲- انعام (۶):۸۴ و ۸۵.

حسین) است».(۱)

بنابراین، حدیث ابوداوود هرچند دچار ضعف سندی شدید و اشکالات متعددی است لکن برفرض رفع ضعف سند آن می توان راه جمع برای آن مطرح کرد و گفت هیچ تعارضی ندارد با احادیثی که مهدی را از فرزندان امام حسین علیه السلام می داند. فلذا نسب امام مهدی همان طور که اثبات شد فاطمی است به همان نسبت می گوئیم مهدی از فرزندان حسین علیه السلام می باشد که در احادیث متعددی از شیعه این مطلب مطرح شده و مهدی را نهمین فرزند از فرزندان امام حسین علیه السلام دانسته است.

در منابع شیعی از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمود:

منا اثناعشر مهدیاً اولهم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرهم التاسع من ولدی و هو القائم بالحق یحیی الله تعالی به الارض بعد موتها و یظهر به دین الحق علی الدین کله و لوکره المشرکون؛ دوازده مهدی از ما هستند. اول آن ها امیرالمؤمنان علی بن ابی طالب و آخر آن ها نهمین فرزند من است. همو که به حق قیام می کند و خداوند به برکت وجود او، زمین مرده را زنده و آباد می کند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می گرداند اگرچه مشرکان کراهت داشته باشند.(۲)

ص:۱۰۹

۱- ذخائر العقبی، ص۱۳۶.

۲- کمال الدین، شیخ صدوق، ج۱، باب ۳۰، ح۳.

و. بررسی حدیث «لامهدی الاعیسی»

در احادیث متعددی از کتب اهل سنت به ویژه در صحاح سته مشخص شد مهدی از قریش و از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان فاطمه علیها السلام است، اما ابن ماجه در سنن خود حدیثی آورده است که: «لامهدی الاعیسی بن مریم» و این حدیث موجب بحث های فراوانی شده است. حتی این حدیث موجب شده که برخی از منکران مهدویت آن را دستاویز قرار داده، اصل مهدویت در اعتقاد مسلمین را مورد تشکیک قرار دهند. البته علمای اسلام جواب های منطقی و مستدلی درباره این حدیث مطرح کرده اند. بنابراین لازم است اکنون به بررسی این حدیث و پاسخ های آن بپردازیم.

متن حدیث: در سنن ابن ماجه آمده است:

حدثنا یونس بن عبد الاعلی حدثنا محمد بن ادریس الشافعی حدثنی محمد بن خالد الجندی عن ابان بن صالح عن الحسن عن انس بن مالک ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: لایزداد الامر الاشده ولا الدنیا الا ادباراً و لا الناس الا شحاً ولا تقوم الساعه الا علی شرار الناس ولا المهدی الا عیسی بن مریم؛

ابن ماجه حدیث را از یونس بن عبدالله از محمد بن ادریس شافعی از محمد بن خالد جندی از ابان بن صالح ازحسن بصری از انس بن مالک نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کارها سخت تر خواهد شد و دنیا بیشترپشت خواهد کرد و مردم حریص تر خواهند گشت و روز قیامت جز برای بدکاران

ص:۱۱۰

برپا نخواهد شد و مهدی، کسی جز عیسی بن مریم نیست.(۱)

هرچند این حدیث در ظاهر از حیث دلالت بر مطلب تمام است؛ ولی علمای اسلام، جواب های متقن و محکمی به این حدیث داده و دروغین بودن متن آن را آشکار کرده اند. اکنون به برخی ازجواب ها می پردازیم.

جواب اول: این حدیث، مورد اعراض تمامی علمای حدیث و متکلمین اسلامی قرار گرفته و خلاف اعتقاد تمام علمای اسلام است.

جواب دوم: ابن ماجه که این حدیث را در سنن خود آورده است، حدیثی را با سند معتبر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «المهدی من ولد فاطمه علیها السلام »(۲) و احادیث دیگری که مهدی را از فرزندان عبد المطلب و از اهل بیت خود مطرح کرده است.(۳) احادیث متعدد دیگری در سنن ترمذی، سنن ابوداوود و دیگر کتب و منابع معتبر اهل سنت داریم که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از نسل فاطمه علیها السلام معرفی می کند؛ بنابراین متن حدیث ابن ماجه، دچار ضعف می شود.

جواب سوم: این حدیث با همین مضامین و الفاظ، در منابع معتبر دیگر آمده است ولی قسمت اخیر حدیث«لامهدی الا عیسی بن مریم» در آن موجود نیست. حاکم نیشابوری و طبرانی، همین حدیث را از ابوامامه نقل کرده اند.(۴) حاکم نیشابوری اضافه می کند این

۱- سنن ابن ماجه، ج ۲، ح۴۰۳۹.

۲- سنن ابن ماجه، ج۲، ح۴۰۸۶.

۳- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۸۲، ۴۰۸۳، ۴۰۸۶.

۴- مستدرک حاکم، ج۴، ص ۴۴۰؛ المعجم الکبیر طبرانی، ج۸، ص ۲۱۴، ح۷۷۵۷.

حدیث، صحیح السند است، ولی شیخین (بخاری ومسلم) آن را روایت نکرده اند.(۱)

جواب چهارم: ابن قیم جوزیه حدیث ابن ماجه را در کتابش نقل می کند و درباره قسمت اخیر آن، اعتراض می کند و به شدت آن را تضعیف کرده و از جعلیات محمد بن خالد جندی می داند.(۲) وی، قسمت اخیر را منحصر در نقل محمد بن خالد جندی می داند. سپس از علمای رجال اهل سنت نقل می کند که محمد بن خالد ناشناخته و مجهول است و از ابان بن عیاش نقل می کند که محمد بن خالد، متروک است. ابن حجر عسقلانی، از علمای بزرگ اهل سنت در کتابش محمد بن خالد جندی را از کذابین معرفی کرده و می گوید: وی همان کسی است که حدیث مشهور«جند» را از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای منطقه جند که در فاصله دو روز از صفا قرار دارد، جعل کرده است. حدیث این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«کجاوه ها به سوی چهار مسجد حرکت می کنند. مسجدالحرام مسجد من (مسجد النبی) مسجد الاقصی، مسجد الجند».(۳)

از این حدیث معلوم می شود، محمد بن خالد جندی یک کذاب و نیرنگ باز بوده و برای جلب توجه، به راحتی جعل حدیث می کرده است. عبدالعظیم بستوی که در کتاب خودش، احادیث مهدوی در کتب اهل سنت را به بهترین وجه بررسی سندی کرده است درباره این حدیث نتیجه

۱- مستدرک حاکم، ج۴، ص۴۴۱.

۲- المنار المنیف، ص۱۳۰.

۳- تهذیب التهذیب، ج۹، ص۱۲۵.

می گیرد که «اسناده ضعیف و متنه منکر؛ این حدیث اسنادش ضعیف و متن آن منکر است».(۱)

البته جواب های دیگری نیز به این حدیث داده شده است. ابوالفیض غماری از دانشمندان اهل سنت هشت جواب به این حدیث داده است.(۲) در این جا، فقط به عمده جواب ها پرداخته ایم.

۱- الاحادیث الموضوعه و الضعیفه فی المهدی، ص۱۰۴.

۲- ابراز الوهم المکنون، ص۵۳۸.

فصل دوم: شمایل و سیمای مهدی عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص:۱۱۵

الف. همنام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در احادیث و روایات متعددی، وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شمائل و سیمای خصوصیات ظاهری امام مهدی را مطرح کرده است. از جمله: همنام بودن، بینی کشیده، پیشانی بلند، شباهت اخلاقی داشتن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در صحاح سته، خصوصاً در سنن ابوداوود مطرح شده است.

۱. ابوداوود در سنن خود با اسناد معتبر از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لولم یبق من الدنیا الایوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلاً منی، یواطی اسمه اسمی...؛ اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می گرداند تا مردی از نسل مرا برانگیزد که اسم او اسم من است».(۱)

۲. ابوداوود در سنن خود حدیث دیگری نقل می کند که: امام علی علیه السلام نگاهی به فرزندش حسن علیه السلام یا حسین علیه السلام کرد و فرمود:

...سیخرج من صلبه رجل یسمی باسم نبیکم یشبهه فی الخلق

ص:۱۱۶

۱- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۸۲.

ولایشبهه فی الخلق...؛ خداوند از نسل او مردی را خارج می کند که همنام پیامبرتان است و در خلق و خوی شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و در خلق (چهره و اندام) شبیه او نیست.(۱)

۳. در سنن ترمذی نیز از عبدالله بن مسعود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لاتذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی؛ دنیا پایان نمی یابد مگر آن که مردی از اهل بیت من بر عرب حکومت کند. اسم او نظیر اسم من است و او همنام من است.(۲)

۴. و نیز ترمذی در سنن به سند دیگری از زر از عبدالله بن مسعود نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی؛ می آید مردی از اهل بیت من که همنام من است».(۳)

ترمذی ذیل هر دو حدیث می نویسد: «حدیث حسن صحیح».

همان طور که قبلاً گفته شد این احادیثی که منقول از عبدالله بن مسعود است در کتب معتبر و منابع موثق دیگر از اهل سنت نیز آمده است: از جمله در المعجم الکبیر طبرانی و صحیح ابن حبان و مصنف ابن ابی شیبه.(۴)

عبدالعظیم بستوی بعد از تخریج رجال این احادیث و بررسی کامل

۱- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۹۰..
۲- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۳۳۱.
۳- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۳۳۲.
۴- المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۶۴؛ صحیح ابن حبان، ج۷، ص۲۳۵.

آن، می گوید: این حدیث از صحت کامل برخوردار است و از طریق گوناگون به صحت آن اذعان می کند.(۱)

بنابراین احادیث دلالت دارند بر این که نام مبارک حضرت مهدی، همان نام مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی«محمد» می باشد.

در کتب معتبر شیعی نیز روایات متعددی براین مطلب هست که نام مهدی همان نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. اکنون به یک حدیث از شیعه استناد می کنیم.

شیخ صدوق که محدثی بصیر در بین علمای شیعه است،(۲) حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود:

القائم من ولدی اسمه اسمی و شمائله شمائلی؛ مهدی قائم از فرزندان من است. نام او مانند نام من، و شمائل او همانند شمائل من است.(۳)

ب. شباهت امام مهدی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

یکی دیگر از مواردی که در احادیث و روایات در موضوع امام مهدی مطرح شد« شباهت امام مهدی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم » است. روایات متعددی در منابع شیعی و اهل سنت آمده که شباهت خُلقی آن حضرت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شده است و در کتب معتبر دیگر، شباهت خَلقی نیز آمده است. از آن جمله، صحیح ابن حبان که از کتب معتبر و قدیمی اهل سنت

۱- الاحادیث الصحیحه فی المهدی المنتظر، ص۲۶۸.

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ش۱۱۲۹۲، ذیل محمد بن علی الحسین بن موسی؛ رجال طوسی، ص ۴۳۸، ش۶۲۷۵.

۳- کمال الدین، ج۲، ص ۴۱۵، ح۶.

است.(۱)

در سنن ابوداوود دو حدیث به این مضامین آمده و دلالت دارد بر این که امام مهدی از حیث اخلاق و رفتار و سیره، همچون رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. ابوداوود در سنن خود از ام سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیث مفصلی درباره امام مهدی و علایم آخر الزمان نقل می کند که:

و یعمل فی الناس بسنه نبیهم...؛ و مهدی میان مردم به سنت پیامبرشان عمل می کند.(۲) یعنی اخلاق و رفتار او اخلاق و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

ابوداوود در سنن خود از امام علی علیه السلام روایت می کند که: حضرت علی علیه السلام نگاه بر فرزند خود حسن علیه السلام کرد و فرمود: خداوند از نسل او فرزندی را برمی انگیزد که همنام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اخلاق و رفتار است.

این روایت، شباهت اخلاقی و رفتاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مطرح می کند و شباهت در چهره و اندام ظاهری را مدنظر قرار نمی دهد. ولی باید گفت مهم شباهت در سیره و رفتار و کردار است که همانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. شکی نیست آن چه موجب اعتلای اسلام و قرآن و رفعت وجود مبارک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جهان بشریت شد، همان اخلاق و رفتار نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که ضرب المثل خاص و عام است و در قرآن کریم بدان اشاره شده است. و نیز آن چه در آخر الزمان، موجب گسترش اسلام در جهان به دست فرزندی از تبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهد شد، همان رفتار

۱- صحیح ابن حبان، ج۱۵، ص۲۳۷.

۲- سنن ابوداوود، ج۲، ح۴۲۸۶.

و سیره مهدوی است که مانند رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

ج. پیشانی بلند، بینی کشیده

در کتب روایی اعم از شیعه و سنی در موارد متعدد به چهره و رخسار ملکوتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است. از جمله، چهره نورانی آن حضرت به«کوکب دری» توصیف شده که در روایات متعددی آمده است و در منابع شیعی و سنی ذکر شده است.(۱)

ابو داوود در سنن خود از ابی سعید خدری نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف، یملاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً یملک سبع سنین؛ مهدی از فرزندان من است. پیشانی بلند و بینی کشیده دارد. زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که از ظلم و جور پرشده است. او هفت سال حکومت می کند.(۲)

این روایت به طرق دیگر از ابی سعید خدری نقل شده که در کتب معتبر اهل سنت آمده است. از جمله در: مسند احمد و مسند ابی یعلی و صحیح ابن حبان و المصنف ابن ابی شیبه که این ها منابع قدیمی اهل سنت است.(۳) البته این حدیث در کتب و منابع بعدی، همچون العرف الوردی فی اخبار المهدی نیز آمده است.

۱- فرائد السمطین، ج۲، ص ۳۱۴؛ کمال الدین، ج۲، ص ۴۶۹.

۲- سنن ابوداوود، ج۲، ح۴۲۸۵.

۳- مسند احمد، ج۳، ص۱۷؛ صحیح ابن حبان، ج۸، ص۲۹۴؛ المصنف ابن ابی شیبه، ح۲۰۷۷۳.

عبدالعظیم بستوی بعد از بررسی و جرح و تعدیل راویان و رجال این حدیث می گوید: این حدیث از حیث سند معتبر و حسن است.(۱)

۱- الاحادیث الصحیحه فی المهدی المنتظر، ص۳۰۱.

فصل سوم: شرایط و علایم ظهور

اشاره

ص:۱۲۳

درآمد

یکی از موضوعاتی که در روایات و احادیث شیعه و سنی مطرح شده، شرایط و علایم ظهور است. موارد فراوانی در احادیث و روایات، نشانه ها و شرایط آخر الزمان را بر شمرده است. برخی از آن موارد، در صحاح سته نیز آمده است. البته افراط ها و زیاده روی هایی نیز شده؛ ولی شکی نیست که برخی از آن ها، مورد قبول است.

ممکن است برخی بگویند پرداختن به شرایط و علایم ظهور چه آثار و ثمراتی خواهد داشت؟ در جواب باید گفت شک و تردیدی نیست که فواید این مسایل در جامعه و نزد مردم بسیار اثربخش خواهد بود؛ چون فهمیدن چنین مسایلی، موجب دلگرمی و طمأنینه مردم نسبت به اصل مهدویت و ظهور آن در آخر الزمان می شود و موجب آمادگی و زمینه سازی مسلمین در جهت حرکت به سوی آن مقصد متعالی نیز خواهد شد.

البته در روایات و احادیثی که شرایط و علایم ظهور را مطرح کرده، زیاده روی ها و دروغپردازی هایی شده است، ولی تمام این اخبار و روایات را به چوب اسرائیلیات و اوهام خواندن، به یقین بی انصافی است. برخی مثل

احمد امین، تمام این روایات را مردود دانسته و آن ها را دور از عقول انسانی می دانند![(۱)]

برخی از علایم و شرایط ظهور، نزد فریقین (شیعه و سنی) متفقاً مطرح شده و برخی از موارد در کتب شیعه آمده که در کتب و منابع اهل سنت مطرح نشده است و بالعکس.

فرق بین شرایط و علایم ظهور

اشاره

سه تفاوت عمده بین آن مطرح است:

۱. مجموعه شرایط ظهور، علت تامه در ظهور هستند؛ لذا اجتماع آن ها برای تحقق ظهور ضرورت داردو بین این دو، رابطه علی و معلولی است. ولی علایم و نشانه های ظهور، نقش و دخلی در تحقق ظهور ندارد بلکه فقط جنبه کاشفیت دارد. بنابراین اگر شرایط ظهور مهیا شد، ظهور تحقق پیدا می کند ولی در علایم ظهور این گونه نیست.

۲. علایم ظهور، حوادثی پراکنده هستند و در تمام زمان غیبت، به صورت پراکنده انجام خواهد گرفت، برخلاف شرایط ظهور که به صورت متصل و مستمر خواهد بود و تحقق ظهور، بدون شرایط آن، فاقد هرنوع توجیه عقلانی است.

۳. انسان ها در تحقق علایم و نشانه های ظهور، مسئولیتی ندارند؛ ولی در شرایط ظهور، تکلیف دارند و انسان ها در بخش قابل توجهی از آن، می توانند زمینه ها و شرایط را فراهم کنند.

۱- ضحی الاسلام، ج۳، ص۲۴۴.

اکنون در دو قسمت بحث می کنیم: ابتدا شرایط ظهور، و سپس علایم ظهور را بیان می کنیم.

۱. شرایط ظهور

الف. حتمی بودن ظهور

یکی از موضوعاتی که در احادیث و روایات با تأکید خاص بیان شده، حتمی بودن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بی تردید موضوع مهمی چون مهدویت باید با چنین عبارت مؤکدی بیان شود. در سنن ابوداوود و سنن ترمذی به این احادیث برخورد می کنیم.

۱. ترمذی در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

لاتذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی؛ دنیا به پایان نخواهد نرسید مگر آنکه مردی از اهل بیت من برعرب حکومت کند.(۱)

۲. ترمذی در روایت دیگری از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

لولم یبق من الدنیا الایوم لطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من اهل بیتی؛ اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت را برانگیز اند.(۲)

۳. ابوداوود در سنن خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود:

«لولم یبق من الدنیا الایوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلاً منی او من اهل

۱- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۲۳۱.

۲- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۲۳۲.

بیتی یواطی اسمه اسمی».(۱)

۴. و نیز ابوداوود نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لاتنقضی الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی».(۲)

۵. و نیز ابوداوود در سنن خود از امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لولم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً؛ اگر از عمر روزگار جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند در آن روز مردی از اهل بیت مرا برمی انگیزد که زمین را پر از عدالت می کند همان گونه که پر از ظلم شده باشد.(۳)

البته روایات و احادیث به همین مضامین در کتب متعدد دیگری از اهل سنت همچون مسند احمد و المعجم طبرانی و نیز در کتب معتبر شیعی، فراوان وجود دارد که همه یک مضمون را تقویت و تأکید می کنند و آن، حتمی بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ب. زمینه سازان ظهور

از دیگر مواردی که در روایات فریقین مطرح شده، زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این حدیث و احادیث مشابه به آن، بسیار مورد توجه است و وظیفه ما را در قبال ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار سنگین می کند.

ابن ماجه در سنن خود از عبدالله بن حرث روایت کرده که رسول

۱- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۸۲.

۲- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۸۲.

۳- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۸۳.

خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی«یعنی سلطانه»(۱)؛ مردمی از مشرق خارج شده و برای حکومت و سلطنت امام مهدی زمینه سازی می کنند.

البته احادیث دیگری نیز به همین مضامین در دیگر کتب معتبر از اهل سنت و شیعه آمده است و همگی نشان گر این نکته است که عده ای از دوستداران و شیعیان حضرت برای ظهور و قیام و حکومت آن حضرت، زمینه سازی می کنند و این طایفه، از مشرق زمین حرکت خویش را آغاز می کنند.

البته روایات تحت عنوان«رایات سود» و یا پرچم های سیاه داریم که از سمت مشرق و خراسان حرکت می کنند. این روایات را در علایم ظهور، بررسی خواهیم کرد.

ج. محل ظهور

روایات متعددی از شیعه و سنی(۲) وجود دارد براین که ظهور حضرت مهدی از مکه است. برخی از آن ها تصریح کرده اند، کنار کعبه معظمه و بین رکن و مقام، بیعت با آن حضرت آغاز می شود و نقطه آغازین ظهور و قیام آن بزرگوار از کنار بیت الله الحرام انجام می گیرد. تمام روایات، اتفاق نظر دارند

۱- سنن ابن ماجه، ج۲، ح۴۰۸۸.

۲- از شیعه: اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ الغیبه طوسی، ص ۱۸۵؛ غیبت نعمانی، ص ۳۱۳ و ۳۱۵؛ از اهل سنت: سنن ابو داوود، ج ۲، ح ۴۲۸۶؛ عقدالدرر، باب ۲، ص ۵۶؛ الفتن، نعیم بن حماد، بخش۴، ص ۲۴۲.

که نقطه آغازین ظهور حضرت مهدی از مکه و از مسجد الحرام است، ولی در برخی از روایات آمده که بیعت، بین رکن و مقام صورت می گیرد و این نقطه آغازین ظهور است و در برخی دیگر آمده، میان زمزم و مقام صورت می گیرد.

ابوداوود در سنن خود از ام سلمه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«فیبایعونه بین الرکن والمقام...؛ مردم با مهدی در بین رکن و مقام بیعت می کنند».

در ادامه روایت آمده است:

فاذا رأی الناس ذلک اتاه ابدال الشام و عصائب اهل العراق فیبایعونه بین الرکن و المقام...؛ پس زمانی که مردم آن را دیدند بزرگانی از اهل شام و گروه هایی از اهل عراق به سوی او می آیند و با مهدی در بین رکن و مقام بیعت می کنند.(۱)

در برخی از روایات فریقین، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیعت با آن حضرت را از مکه و از مسجد الحرام مطرح کرده است و در روایات دیگری می بینیم که ابتدای ظهور را مدینه مشخص می کند. جمع بین این دو طائفه از روایات به این صورت است که ظهور ابتدایی حضرت مهدی در مدینه، ولی ظهور رسمی و آشکار آن بزرگوار در مکه و از کنار خانه خدا شروع می شود و بین رکن و مقام بیعت صورت می گیرد؛ لذا تناقضی بین این روایات نمی بینیم.

ص:۱۲۹

۱- سنن ابوداوود، ج۲، ح۴۲۸۶.

۲. علایم و نشانه های ظهور

اشاره

درباره علایم ظهور، بحث های گوناگونی مطرح شده است. گاهی آن را به علایم حتمی و غیر حتمی تقسیم کرده اند. علایم حتمی آن است که وقوع آن ها پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قطعی و لازم است. در منابع شیعی، پنج علامت حتمی ذکر کرده اند که عبارتند از: خروج سفیانی، خسف در بیداء، خروج یمانی، قتل نفس زکیه، ندای آسمانی.(۱)

درباره علایم غیر حتمی، موارد فراوانی مطرح شده که در برخی، ابهام وجود دارد. گاهی اوقات، علایم ظهور را به علایم طبیعی و علایم انسانی تقسیم می کنند. علایم طبیعی آن است که انسان هیچ نقشی در آن ندارد و مربوط به طبیعت است؛ مثل طلوع خورشید از مغرب و... و علایم انسانی، مثل عالم گیر شدن فساد و فتنه در عالم و....

در منابع اهل سنت نیز این علایم آمده است که همه آن ها در کتاب الفتن و یا اشراط الساعه ذکر شده است و برخی از این علایم، مبهم می باشد.

در این جا به علایم عمده ظهور که بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در صحاح سته بیشتر تأکید و تکرار شده، می پردازیم.

الف. فراگیر شدن ظلم و ستم و فتنه ها

یکی از مواردی که فراوان در کتب اهل سنت و شیعه درباره آخر الزمان مطرح شده «فراگیرشدن ظلم و ستم و گسترش هرج و مرج» است.

در روایات متعددی عبارت «کما ملئت ظلماً و جوراً» وجود دارد که

۱- کمال الدین، ص ۶۵۰.

نشـانگر دو نکته است. اول این که ظلم و سـتم تمـام جامعه بشـری را فرا می گیرد. کمتر جامعه ای را می توان یافت که ظلم و ستم در آن رواج نداشـته باشـد. و این از خصوصـیت حکومت مهـدوی باشد که پایان دهنده ظلم و سـتم در جامعه بشـری می باشد.

نکته دوم این که در روایـات آمـده «کمـاملئت» نه «بعـد ما ملئت»، و این نشانگر این نکته است که فراگیرشـدن ظلم و سـتم، به نحو سـببیت برای ظهور نیست؛ بلکه به عنوان شـرط مقارن ظهور مطرح شده است؛ لذا آن اندیشه های انحرافی، باطل است که قائـل بودنـد بایـد به گسترش ظلم و سـتم و فسـاد کمـک کرد تا ظهور محقق شود؛ چون فراگیر شـدن ظلم و سـتم برای ظهور، سببیت ندارد.

در احادیث آمده است که در آخر الزمان فتنه ها بالا می گیرد و هرج و مرج فراگیر می شود. در برخی منابع اهل سنت به آخر الزمان و یا علایم ظهور اشاره نشده است؛ ولی همین مضامین در منابع دیگر از اهل سنت، درباره آخر الزمان و یا از علایم قبل از قیامت مطرح شده که چیزی جز علایم و نشانه های پیش از ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیست. این یک قاعـده کلی است که هرگاه دردها و سـختی ها به اوج برسـد، به یقین، فرج و گشایش نزدیک خواهـد بود؛ بنابراین وقتی در آخر الزمان، فتنه ها و سختی ها بالا می گیرد. در این جاست که فرج جهانی و موعود بشریت، در حال ظهور خواهد بود.

۱. در صحیح بخاری به اسناد خود از ابوموسی نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ان بین یدی الساعه ایاماً یرفع فیها العلم و ینزل فیها الجهل و یکثر فیها الهرج و المرج و القتل؛ همانا در آستانه قیامت

ایامی خواهد بود که در آن ایام، علم رخت برمی بندد و جهل سرازیر می شود و هرج و مرج و قتل زیاد می شود.(۱)

در صحیح بخاری چند حدیث به همین مضمون و به اسناد مختلف نقل می کند.

۲. در صحیح بخاری از ابو هریره از رسول خدا نقل می کند که فرمود:

یتقارب الزمان و ینقص العمل و یلقی الشح و تظهر الفتن و یکثرالهرج: قالوا یا رسول الله ایم هو؟ قال: القتل القتل؛ نزدیک می شود زمانی که عمل در آن کم می شود و بخل بالا می گیرد و فتنه ها ظاهر و هرج زیاد می شود. سؤال کردند: یا رسول الله! هرج چیست؟ فرمود: قتل قتل.(۲)

۳. در صحیح بخاری از ابوهریره نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ستکون فتن القاعد فیها خیر من الماشی والماشی فیها خیر من الساعی- فمن وجد ملجئاً او معاذاً فلیعذربه؛ به زودی فتنه هایی فرا می رسد که نشسته بهتر از ایستاده است و ایستاده بهتر از راه رونده است و راه رونده بهتر از ساعی است. پس هرکس پناهگاهی بیابد، هر آینه به آن جا پناه ببرد.(۳)

باز در صحیح بخاری و دیگر منابع اهل سنت چند حدیث به همین مضمون، با طرق و اسناد دیگر مطرح شده که همه این احادیث، نشانگر بالاگرفتن فتنه است به حدی که انسان به سختی می تواند برای خود

۱- صحیح بخاری، ج۸ باب ظهور الفتن، ص۸۹.
۲- صحیح بخاری، ج۸ باب ظهور الفتن، ص۸۹.
۳- صحیح بخاری، ج۸ باب ظهور الفتن، ص ۹۲.

پناهگاهی بیابد.

۴. در صحیح مسلم نیز از اسامه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هل ترون ما أری انی لأری مواقع الفتن خلال بیوتکم کمواقع القطر؛ آیا می بینید آنچه را من می بینم که فتنه ها در درون خانه هایتان واقع می شود؛ مثل محل وقوع قطرات.(۱)

۵. در صحیح مسلم از ابو هریره نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ستکون فتنه القاعد فیها خیر من القائم و القائم فیها خیر من الماشی و الماشی فیها خیر من ساعی... و من وجد فیها ملجا فلیعذبه.(۲)

۶. ابوداوود در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی نقل می کند که فرمود:

امتی هذه امه مرحومه لیس علیها عذاب فی الاخره عذابها فی الدنیا الفتن و الزلازل و القتل؛ این امت من در رحمت الهی قرار دارند و برای آن ها در آخرت عذابی نیست. عذاب این ها در دنیا با فتنه ها و زلزله ها و قتلها خواهد بود.(۳)

۷. ابوداوود در سنن خود از ابوموسی اشعری نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ان بین یدی الساعه فتناً کقطع اللیل المظلم یصبح الرجل فیها مؤمناً و یمسی کافراً و یمسی مؤمناً و یصبح کافراً القاعد فیها خیر من القائم والقائم فیها خیر من الماشی و الماشی فیها خیر

۱- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۶۸.

۲- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۶۸.

۳- سنن ابوداوود، ج۲، ص۳۰۸، ۴۲۷۸.

من الساعی؛ همانا در آستانه قیامت، فتنه ها فرا می رسد مثل تکه های شب تاریک. مرد صبح می کند در حالی که مؤمن است و شب هنگام، کافر می شود و یا شب می شود و در حالی که مؤمن است و صبح هنگام کافر می شود. در آن ایام، نشسته بهتر از ایستاده است و ایستاده بهتر از راه رونده و راه رونده بهتر از ساعی است.(۱)

حدیث دیگری نیز به همین مضامین، با سند دیگر در سنن ابوداوود آمده است.

۱. ترمذی در سنن با اسناد خود از انس بن مالک نقل کرده که انس گفت: من برای شما حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کنم که کسی برای شما نقل نکرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ان من اشراط الساعه ان یرفع العلم و یظهر الجهل و یفشوا الزنا و یشرب الخمر و تکثر النساء و یقل الرجال حتی یکون لخمسین امرئهٌ قیم واحد؛ همانا از علایم قیامت آن است که علم بر چیده و جهل ظاهر و زنا وشرب خمر آشکار و زنان زیاد و مردان کم می شوند به حدی که برای پنجاه زن یک مرد سرپرست است.(۲)

۲. ابن ماجه در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمود:

یکون بین یدی الساعه ایام یرفع فیها العلم و ینزل فیها الجهل و یکثر فیها الهرج... و الهرج القتل؛ در آستانه قیامت ایامی

۱- سنن ابوداوود، ج۲، ص ۳۰۵، ۴۲۶۲.
۲- سنن ترمذی، ج۳، ۲۳۰۱.

خواهد بود که در آن، علم رخت بر می بندد و جهل جایگزین آن می شود و هرج زیاد می شود. مراد از هرج قتل است.(۱)

ابن ماجه احادیث متعددی با همین مضامین و مضامین دیگری که از دیگر صحاح نقل کردیم، بیان می کند.

۱. نسائی در سنن خود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمود:

یخرج من آخر الزمان قوم کان هذا منهم یقرؤن القران لایجاوز تراقیهم یمرقون من الاسلام کما یمرق السهم من الرمیه...؛ در آخر الزمان اقوامی می آیند که قرآن می خوانند لکن از گلویشان تجاوز نمی کند و از اسلام می گریزند همان طور که تیر از کمان بیرون می رود.(۲)

احادیث متعدد دیگری نیز در صحاح یافت می شود که همگی دلالت دارد فتنه و فساد در آخر الزمان به اوج می رسد و انسان های پاکدامن، به سختی روزگار می گذرانند. حفظ کردن دین در آن ایام، بسیار سخت و جانکاه است و از سوی دیگر، اشرار و ظالمان، حکمرانی و فرمانروایانی می کنند. در چنین شرایطی است که مظلومان و مسلمانان باید توجه خود را به موعود منتظر معطوف بدارند و فرج و ظهور آن حضرت را از خداوند متعال طلب کنند.

ب. طلوع خورشید از مغرب

از علایم آخر الزمان و به تعبیر منابع اهل سنت، از اشراط

۱- سنن ابی ماجه، ج۲، ۴۰۵۰.

۲- سنن نسایی، ج ۴، ص۲۵۲

الساعه (علایم قیامت) طلوع خورشید از مغرب است. البته در تفسیر این علامت، نظرات متعددی را مطرح کرده اند. برخی وقوع آن را غیر ممکن دانسته و در توجیه آن برآمدند. آن ها می گویند: شاید مراد این باشد که خورشید از ابتدای طلوع، نمایان نشود و یا کسوفی صورت می گیرد و در هنگامه های غروب، آشکار می شود؛ لذا مردم خورشید را در غروب مشاهده می کنند.(۱) برخی دیگر وقوع آن را ممکن دانسته اند. به هر حال یکی از علایم و نشانه های ظهور، همین علامت است که در کتب اهل سنت بیشتر به چشم می خورد. این علامت در روایات شیعی نیز مطرح و از علایم حتمی شمرده شده است. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: ... و طلوع الشمس من مغربها محتوم ...(۲)

۱. در صحیح مسلم از حذیفه بن اسید غفاری نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

انما لن تقوم حتی ترون قبلها عشر آیات... و طلوع الشمس من مغربها؛ همانا قیامت واقع نمی شود مگر آن که ده علامت را قبل از آن ببینید... یکی از آن ها طلوع خورشید از مغرب است.(۳)

۲. و نیز در صحیح مسلم با اسناد دیگر از حذیفه بن اسید از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

«ان الساعه لاتکون حتی تکون عشر آیات... و

۱- خورشید مغرب، ص ۱۱۰

۲- ارشاد، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳- صحیح مسلم، ج ۸، ص۱۷۹.

طلوع الشمس من مغربها».(۱)

۳. بخاری در صحیح خود از ابی هریره روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لاـتقوم الساعه حتی تطلع الشمس من مغربها فاذا طلعت فرآها الناس آمنوا اجمعون فذلک حین لاینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً؛ قیامت برپا نمی شود تا این که خورشید از مغربش طلوع کند.پس هنگامی که طلوع کرد و مردم آن را دیدند، همه ایمان می آورند. پس آن زمان، ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری را در ایمانش به دست نیاورده نفع نمی بیند.(۲)

۴. ابن ماجه در سنن خود، باب خاصی را تحت عنوان«باب طلوع الشمس من مغربها» باز کرده و سه حدیث آورده است که به یک حدیث آن می پردازیم. عبد الله بن عمرو از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود:

«اول الایات خروجاً طلوع الشمس من مغربها؛ اولین آیات خروج، طلوع خورشید از مغربش است».(۳)

ج. سفیانی و خسف در بیداء

یکی از مهم ترین علایم و نشانه های ظهور که در منابع فریقین مطرح شده، ظهور سفیانی و موضوع خسف در بیداء است.

در روایات شیعی، تعبیر به خود سفیانی شده است؛ ولی در منابع

۱- صحیح مسلم، ج ۸، ص۱۷۹.

۲- صحیح بخاری، ج ۵، ح ۶۱۴۱.

۳- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۶۹.

اهل سنت، اوصاف و ویژگی های آن و نیز خسف در بیداء مطرح شده که برای سفیانی و لشکرش ایجاد می شود.

در روایات معتبر شیعی، این نشانه را از علایم حتمی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند.(۱) در روایات اهل سنت، تعبیرات محکم و متقنی در این مورد هست؛ ولی آن را از علایم قیامت برشمرده اند. در روایات شیعی هم، برخی مواقع این علایم را از علایم قیامت معرفی کرده اند.(۲)

سفیانی کیست؟

برای این که این علامت، یکی از مهم ترین علایم ظهور مطرح شده، لازم است به درستی تبیین و تفسیر شود. در روایات شیعی، از امام علی علیه السلام نقل شده که سفیانی، اسمش عثمان و پدرش عنبسه و از تبار ابوسفیان است.(۳) امام علی علیه السلام او را فرزند خورنده جگرها معرفی کرده است.

در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام درباره صفات ظاهری سفیانی آمده است:

السفیانی احمر اشقر ازرق لم یعبدالله قط ...؛ سفیانی سرخ رو، زاغ چشم است و هرگز خدا را پرستش نکرده است.(۴)

از برخی روایات استفاده می شود که وی مسیحی یا دست نشانده مسیحی است و از شهرهای روم خروج می کند و در گردن او صلیبی

۱- غیبت نعمانی، باب ۱۸، ص۴۲۶.

۲- الغیبه، طوسی، ص۴۳۶.

۳- کمال الدین، صدوق، ج ۲، ص ۶۵۱.

۴- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۵۴.

قرار دارد.(۱) از برخی دیگر از روایات استفاده می شود که وی مسلمان منحرف شده ای است که کینه و عداوت خاصی با امام علی علیه السلام و شیعیانش دارد. در حدیثی امام صادق علیه السلام می فرماید:

گویا سفیانی را می بینیم که در میدان کوفه شما، جایگاه خود را گسترانیده است و منادی او فریاد می زند هرکس سر شیعه علی علیه السلام را بیاورد، هزار درهم مزد بگیرد.(۲)

در روایات معتبر شیعی، مدت زمان خروج سفیانی را پنجم ماه رجب مطرح کرده اند.(۳) از آغاز خروج سفیانی تا پایان حکومت او نیز پانزده ماه می باشد که شش ماه از آن را در جنگ و خونریزی به سر می برد و شهرهایی چون دمشق، حمص، فلسطین، اردن و حلب را تصرف کرده و نه ماه در این مناطق حکومت می کند.(۴)

در روایت آمده است که خروج سفیانی با پرچم های سرخ از سمت روم خواهد بود و امیر و فرمانده لشکرش، مردی از قبیله کلب است.(۵)

روایات درباره سفیانی و صفات و خصوصیات و خروج و ویژگی های آن در منابع شیعی به قدری زیاد است که آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب ارزشمند منتخب الاثر ادعای تواتر درباره آن می کند.(۶)

برخی از نویسندگان قائل شده اند، سفیانی فرد خاصی نیست؛ بلکه

۱- الغیبه طوسی، ص۲۷۸.

۲- الغیبه طوسی، ص۲۷۸.

۳- غیبت نعمانی، باب ۱۴، ص۳۶۹.

۴- غیبت نعمانی، باب ۱۸.

۵- بحار الانوار، ج ۵۲، ص۲۷۲.

۶- منتخب الاثر، ص۴۶۴.

سفیـانی یـک جریـان است که این جریـان در طول تاریـخ در مقابـل همه نهضت هـای پیـامبران و همه حرکت های حق وجود داشـته است و چنین جریـانی نیز در آخر الزمـان برای مقـابله بـا قیام برحق امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ایجاد می شود. همیشه در تاریخ، چنین خباثتی و شـیطنت هایی وجود داشـته و در آستانه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین جریانی، به وجود آمده و تا ظهور حضرت ادامه پیدا می کند و سپس نابود می شود.(۱)

چنین تحلیل هایی، هرچنـد با واقعیات خارجی تطابق دارد؛ لکن چون در روایات در برخی موارد، تصـریح به شـخص خاص با اوصاف خاصـی شده، بعید است که جریان باشد. البته بهتر است این نظر را برگزینیم که شـخص خاصـی است و چنین جریانی را هدایت می کند. شاید این، بهترین تحلیل باشد.

خسف در بیداء چیست؟

خسف در لغت به معنـای «فرورفتن و پنهان شـدن» است.(۲) بیـداء نام سـرزمینی است بین مکه و مدینه.(۳) یکی از نشـانه های ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و از علایم آخر الزمان که در کتب معتبر شـیعی و سنی مطرح شده، همین نشانه است و مراد این است که سفیانی با لشکری عظیم، خیلی از سرزمین ها را فتح می کند و جنگ و خونریزی عجیبی به راه می اندازد. سـپس به سـمت مکه حرکت می کند و در سرزمین بیداء (بین مکه و مدینه) به طرز معجزه آسایی در زمین فرو می روند. این نشانه، در

۱- چشم به راه مهدی، ص۲۷۵

۲- لسان العرب، ج۴، ص۹۱.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۵۲۳.

کتب معتبر روایی از شیعه و سنی مطرح شده و روایات فراوانی درباره آن ذکر کرده اند.(۱)این نکته را نیز در این جا متذکر می شویم که درباره خسف در بیداء نیز بعضی از عالمان شیعه قائل به تواتر در احادیث مربوط به آن شده اند.(۲) در احادیث متعددی نیز این نشانه، از علایم حتمی شمرده شده است.(۳)

در منابع روایی، اعم از شیعه و سنی خسف های دیگری نیز مطرح شده است. ممکن است در آستانه ظهور مهدی علاوه برخسف در بیداء، خسف های دیگری نیز صورت گیرد.

متن حدیث: حال بعد از تبیین و توضیح درباره خروج سفیانی و خسف در بیداء به احادیث مربوط در صحاح سته می پردازیم.

۱. مسلم در صحاح خود با اسناد خود از ام سلمه نقل می کند که برخی از اصحاب از او درباره خسف در بیداء و سپاهی که در آن فرو می رود پرسیدند؟ ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که آن حضرت فرمود:

یعوذ عائذ بالبیت فیبعث الله بعث فاذا کانوا ببیداء من الارض خسف بهم...؛ مردی به خانه خدا پناه خواهد برد. لشکری به سوی او فرستاده می شود. وقتی آن لشکر به سرزمین بیداء رسید، در آن

۱- الغیبه نعمانی، ص۱۷۶ و ۱۸۸؛ صحیح مسلم، ج۸، ص۱۶۷؛ سنن ابن ماجه، ح۴۰۶۳، ۴۰۶۴؛ غیبت طوسی، ص ۴۳۶؛ کمال الدین، ج۲، ص۶۴۹.

۲- منتخب الاثر، ص۴۶۸.

۳- غیبت نعمانی، ص۲۵۷.

سرزمین فرو خواهد رفت.(۱)

۲. باز مسلم در صحیح خود این مطلب را با اسناد دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

سیعوذ بهـذا البیت یعنی الکعبه قوم لیست لهم منعه ولاعـدد ولاعـده یبعث الیهم جیش حتی اذا کانوا ببیـداء من الارض خسـف بهم؛ به زودی به این خانه یعنی کعبه، گروهی پناه خواهنـد برد که وسـیله دفاعی و لشـکر و امکانات ندارنـد. لشـکری به سوی آن ها فرستاده خواهد شد. هنگامی که آن لشکر به سرزمین بیداء رسید در آن جا فرو خواهد رفت.(۲)

مسلم در صحیح خودش باب خاصی را به این موضوع اختصاص داده، «باب الخسف بالجیش الذی یؤمُّ البیت» و در آن چندین حدیث در این باره مطرح می کند که مضامین آن ها در حول همین دو حدیث است که ذکر شد. مسـلم تصـریح می کند مراد از بیداء، منطقه ای در اطراف مدینه است.

۱. بخاری در صحیح خود با اسنادش از عایشه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یغزو جیش الکعبه فـاذا کـانوا ببیـداء من الاـرض یخسف باولهم و آخرهم؛ لشـکری آهنگ کعبه می کننـد پس هنگامی که به زمین بیداء در آمدند زمین همه آن ها را فرو می برد.(۳)

۱- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۶۷.
۲- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۶۷.
۳- صحیح بخاری، ج۲، ح ۲۰۱۲.

۲. ابن ماجه در سنن خود در کتاب الفتن در«باب جیش البیداء» سه حدیث را در این باره ذکر کرده است که فقط به حدیث دوم آن می پردازیم.

ابن ماجه از صفیه نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لاینتهی الناس عن غزو هذا البیت، حتی یغزو جیش، حتی اذا کانوا بالبیداء خسف باولهم و آخرهم و لم ینج اوسطهم؛ مردم از جنگ این خانه (کعبه) خلاص نمی شوند تا این که سپاهی آهنگ آن می کند. هنگامی که این سپاه به بیداء رسید، اول تا آخرشان در زمین فرو می روند و وسط های آن ها نیز نجات پیدا نمی کنند.(۱)

۱. ابوداوود در سنن خود در کتاب «المهدی» با اسناد خود از ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود:

و یبعث الیه بعث من الشام فیخسف بهم بالبیداء بین مکه و المدینه...؛ و فرستاده می شود به سوی او لشکری از شام، پس در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه فرو می روند.(۲)

۲. ابو داوود در سنن خود در کتاب «الملاحم» خسف های دیگری را نیز روایت کرده است. ابوداوود با اسناد خود از حذیفه بن اسید الغفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود:

لن تقوم الساعه حتی یکون قبلها عشر آیات:... و ثلاث خسف خسف بالمغرب و خسف

۱- سنن ابن ماجه، ج۲، ح۴۰۶۴.

۲- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۶۸.

بالمشرق و خسف بجزیره العرب؛ قیامت بر پا نمی شود مگر آن که ده نشانه محقق بشود... سه تا خسوف است؛ فرورفتن در مغرب، فرورفتن در مشرق، فرورفتن در جزیره العرب.(۱)

۱. در سنن ترمذی نیز همین حدیث ابو داوود (حدیث ۴۳۱۱) البته با چندین سند در باب«ماجاء فی الخسف» آمده است. حدیث دیگری را از سنن ترمذی نقل می کنیم. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«یکون فی آخر هذه الامه خسف و مسخ و قذف؛ در دوران آخر الزمان فرورفتن، مسخ و قذف هست».(۲)

این حدیث در صحاح دیگر نیز مطرح شده است.

د. پرچم های سیاه «رایات سود»

اشاره

از دیگر نشانه هایی که از علایم آخر الزمان و یا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات شیعه و سنی مطرح شده «برافراشته شدن پرچم های سیاه»، «رایات سود» است. در تعابیر روایی آمده این پرچم ها برای حمایت و هدایت، در مسیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سمت خراسان برافراشته و به حرکت در می آید. در روایات شیعه نیز این نشانه مطرح شده و این پرچم ها و حرکت آن را، حق تلقی کرده است.(۳)

۱- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۳۱۱.
۲- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۲۸۰.
۳- الغیبه نعمانی، ص ۲۵۱.

شیخ طوسی در کتابش از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

پرچم های سیاه از سمت خراسان خارج می شوند و به سوی کوفه رهسپار می شوند. هنگامی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند با وی بیعت می کنند.(۱)

این نشانه در سنن ابن ماجه و سنن ترمذی آمده است. البته ابن ماجه دو روایت در این باره می آورد که یک روایت، تصریح به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد؛ ولی در سنن ترمذی اشاره ای به آن ندارد.

متن حدیث

۱. ابن ماجه در سنن خود با اسناد خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

انا اهل بیت اختارالله لنا الاخره علی الدنیا و ان اهل بیتی سیلقون بعدی بلاءً و تشریداً و تطریداً، حتی یاتی قوم من قبل المشرق معهم رایات سود فیسالون الخیر... حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی فیملاها قسطاً کما ملاوها جوراً فمن ادرک ذلک منکم فلیاتهم ولو حبوا علی الثلج؛ همانا ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا برگزیده است. همانا اهل بیت من بعد از من، دچار بلاها و سختی ها و تبعیدها خواهند شد تا زمانی که گروهی از طرف مشرق می آیند. همراه آنان پرچم های سیاه است و آنان طالب خیر هستند... آن پرچم را به دست مردی از اهل بیت من می سپارند و او زمین را پر از عدالت می کند، همان طور که پر

ص:۱۴۵

۱- الغیبه طوسی، ص ۴۵۲.

از ظلم شده باشد. هرکس از شما که آن را درک کرد، باید با آن ها همراهی کند، حتی اگر برروی برف حرکت کنید.(۱)

۲. و نیز ابن ماجه در سنن خود از ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود:

... ثم تطلع الرایات السود من قبل المشرق... فقال: فاذا رایتموه فبایعوه ولو حبواً علی الثلج فانه خلیفه الله المهدی...؛ سپس پرچم هایی سیاه از جانب مشرق ظهور خواهند کرد. سپس فرمود: پس هرگاه آن ها را دیدید، با آن ها بیعت کنید ولو با راه رفتن در برف ها باشد. پس همانا او خلیفه خدا مهدی است.(۲)

این حدیث از نظر سند طبق منابع رجالی صحیح می باشد. ذیل این حدیث در سنن ابن ماجه متذکر این مطلب شده است. حاکم نیشابوری در مستدرک خود نیز می گوید: این حدیث طبق نظر و ضوابط شیخین، صحیح است.

۱. در سنن ترمذی نیز حدیث «رایات سود» یا پرچم های سیاه از جانب خراسان، مطرح می شود.(۳)

این روایات و روایات فراوان دیگری که در باره پرچم های سیاه از جانب مشرق مطرح شده و در برخی از روایات اشاره شد که این پرچم ها از جانب خراسان است(۴) و در تمام این روایات آمده این حرکت ها در

۱- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۸۲.

۲- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۸۲.

۳- سنن ترمذی، ج۳، ح۲۳۷۱.

۴- مسند احمد بن حنبل، ج۵، ص۲۷۷.

مسیر حق و برای هدایت مردم است و در نهایت، این پرچم ها به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داده می شود و با آن حضرت بیعت می کنند. آیا توجه انسان را به حکومت اسلامی و حرکت انقلاب مردم ایران معطوف نمی دارد که در سایه سار قرآن و عترت برپا شد؟ هرچند بر این عقیده نیستیم که حتماً این روایات ناظر به این حکومت و جامعه اسلامی است؛ ولی بعضی از صاحب نظران در مباحث مهدوی، آن را مطرح کرده اند.(۱) می خواهیم بگوئیم این نظام مقدس اسلامی که در مسیر حکومت مهدوی حرکت می کند، می تواند چنین زمینه های مهمی را تقویت کند و پرچمدار چنین جریان مهمی باشد، تا به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق بشود.

ه. خروج دجال

اشاره

یکی از نشانه های ظهور و یا به تعبیر روایات اهل سنت از علایم آخر الزمان«خروج دجال» است. درباره دجال در کتب شیعه، بسیار مختصر و مجمل پرداخته شده و احادیث کمی آمده است؛ لکن در منابع اهل سنت، احادیث فراوانی درباره دجال و عمر آن و صفات و ویژگی ها و خصوصیات ظاهری وقتل آن مطرح شده است. در منابع شیعی مفصل ترین حدیثی که درباره دجال ذکر شده، در کمال الدین شیخ صدوق است.(۲)

در صحاح سته نیز احادیث فراوانی درباره دجال یافت می شود که

ص:۱۴۷

۱- عصر ظهور، ص۲۵۴.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۵۲۵ و ۵۲۸.

بیشتر آن ها، از حیث سند، ضعیف و از حیث محتوا، قابل جمع نیست.

دجال در لغت از «دجل» به معنای روغن مالی کردن یا روشن کردن چیزی است که باطن آن بی ارزش باشد.(۱) در اصطلاح به فرد کذاب و منافق و فریبکار می گویند. در روایات اهل سنت، گاهی به تعبیراتی مثل مسیح الدجال برمی خوریم که مراد همان دجال است. حالا چرا به او مسیح دجال می گویند؟ چون قیام او بیشتر زمین را در برمی گیرد «لانه یعم الارض»(۲) گویا زمین را مسح می کند و برخی گفتند: چون با پرچم مسیحیت خروج می کند.(۳)

دجال از تنها علایم و نشانه هایی است که در کتب مقدس مسیحیت نیز مطرح شده و در آن کتاب ها نیز، یک شخصیت منفی و ضد مسیح علیه السلام معرفی شده است.

در انجیل یوحنا، دجال را کسی معرفی می کند که با مسیح علیه السلام ضدیت دارد و می خواهد خود را در جای او قرار دهد. در رساله اول یوحنا آمده است:

دروغگو کیست؟ جز آن که مسیح بودن عیسی علیه السلام را انکار کند. آن دجال است که پدر و پسر را انکار می کند.(۴)

همانطور که گفته شد درباره دجال، احادیث فراوانی در مصادر اهل سنت و نیز صحاح سته موجود است و تمامی این مصادر، خروج دجال را از

۱- مجمع البحرین، ج۵، ص۳۶۵.

۲- مجمع البحرین، ج۲، ص۱۱.

۳- موعود شناسی، ص ۵۲۴.

۴- رساله اول یوحنا، باب ۲، آیه ۲۲.

علایم آخر الزمان و نشانه های قیامت ذکر کرده انـد. در منابع اهل سـنت روایاتی است که تصـریح دارد دجال از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنده بوده است. دجال کارهای سحرآمیز و خارق العاده انجام می دهد و مردم را گمراه کرده و ادعای ربوبیت می کند و آخر، حضـرت عیسی علیه السلام او را می کشد. تحقیق احادیث دجال در صحاح سته، نیازمند کتاب جداگانه ای است، تا تمام موارد آن از حیث سند و محتوا بررسی شود. اکنون به موارد عمده و مهم آن اشاره می کنیم.

متن احادیث

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بعضی از نمازها و دعاهایش، از فتنه دجال به خدا پناه می برد:

در سـنن نسـائی به سـند خود در این مورد احـادیث متعـددی آورده است؛ از جمله از ابوهریره نقل کرده است که رسول خـدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین دعا می کرد:

اللهم إنی اعوذ بک من عذاب القبر و أعوذ بک من عذاب النار... و أعوذ بک من شرالمسیح الدجال؛

پروردگـارا ! بـه تـو پنـاه می برم از عـذاب قـبر. بـه تـو پنـاه می برم از عـذاب آتش جهنم.... و به تـو پنـاه می برم از شـر مسـیح دجال.(۱)

همچنین در صحیح بخاری از عایشه نقل شده است:

سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یستعیذ فی صلاته من فتنه الدجال؛

شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نمازهایش، از فتنه دجال به خدا پناه

۱- سنن نسائی، ج ۸، کتاب الاستعاذه، ص۲۷۵.

می برد.(۱)

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امتش را از او برحذر داشته است:

در صحیح بخاری با اسناد خود از انس نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مابعث نبی الا انذر امته الاعور الکذاب...؛ هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر آن که امتش را از اعور کذاب [دجال] برحذر داشته است.(۲)

مسلم، در صحیح، با اسناد خود همین حدیث را از عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است.(۳)

۳. دجال، کافر است:

در صحیح بخاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود:

ان بین عینیه مکتوب کافر؛ بین دوچشم او نوشته شده است: کافر.(۴)

شاید این تعبیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تأکید کنایی بر حتمی بودن کفر دجال باشد.

در صحیح مسلم نیز این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است.(۵)

مسلم، در باب «صفه الدجال»، چندین حدیث با اسناد متعدد

۱- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۰۳.
۲- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۰۳.
۳- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۹۳.
۴- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۰۳.
۵- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۹۳.

می آورد، مبنی بر این که دجال، کافر است و بین دوچشمش نوشته شده: کافر است.(۱)

۴. دجال، ادعای ربوبیت می کند:

در سنن ابن ماجه، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که دجال به مردم می گوید: «انا ربکم؛ من پرودگار شما هستم».(۲)

۵. دجال، امور خارق العاده را ارائه می کند:

در صحیح بخاری از حذیفه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إن معه ماءً و ناراً فناره ماءٌ بارد و ماؤه نار؛

همانا با دجال، آب و آتش است؛ پس آتش او، آب گوارا است و آب او، آتش است.(۳)

در صحیح مسلم همین حدیث بخاری را با اسناد متعددی نقل می کند و گاهی مضامین آن کمی اختلاف دارد.

باز در صحیح مسلم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود:

معه نهران یجریان أحدهما رأی العین ماء أبیض والآخر رأی العین نار...؛ با دجال دوچشمه است؛ یک چشمه را مردم، آب سفید می بینند و یک چشمه دیگر را آتش.(۴)

در سنن ابن ماجه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل می کند:

۱- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۹۵.

۲- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۷۷.

۳- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۰۳.

۴- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۰۳.

إن معه طعام و شراب؛ همراه دجال، غذا و شراب است.(۱)

در سنن ترمذی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود:

... فیأمر السماء أن تمطر فتمطر و یأمر الأرض أن تنبت فتنبت...؛

دجال به آسمان امر می کند که ببارد و آسمان، می بارد و امر می کند به زمین که برویاند و زمین می رویاند.(۲)

۶. دجال، وارد مدینه نمی شود:

در صحیح بخاری از انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایت کرده است:

المدینه یأتیها الدجال فیجد الملائکه یحرسونها فلا یقربها الدجال ولا الطاعون ان شاء الله؛

دجال، به سمت مدینه می آید؛ سپس می یابد که ملائکه از مدینه حراست می کنند؛ پس دجال وارد مدینه نمی شوند و همچنین طاعون؛ اگر خدا بخواهد.(۳)

حدیثی با همین مضمون، در صحیح بخاری از ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز روایت شده است.

در صحیح مسلم از انس بن مالك روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لیس من بلد إلا سیطؤه الدجال إلا مکه و مدینه...؛

۱- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۷۳.
۲- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۳۴۱.
۳- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۰۳.

منطقه ای نیست که دجال زیر پا نگذارد، مگر مکه و مدینه.(۱)

در صحیح بخاری از انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایت کرد:

یجئ الدجال حتی ینزل فی ناحیه المدینه ثم ترجف المدینه ثلاث رجفات فیخرج إلیه کل کافر و منافق؛

دجال می آید؛ تا این که نزدیک مدینه فرود می آید. در مدینه سه بار اعلام جنگ داده می شود و خارج می شوند به سوی دجال، هر کافر و منافقی.(۲)

۷. صفات ظاهری دجال:

مسلم در صحیح خود از حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود:

الدجال أعورالعین الیسری جفال الشعر، معه جنه و نار فناره جنه و جنته نار؛

چشم راست دجال اعور و موی سرش مجعد است. با دجال بهشت و آتش است. آتش او، بهشت و بهشت او، آتش است.(۳)

در روایت دیگری مسلم از عبدالله بن عمر نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... إن المسیح الدجال أعور العین الیمنی کان عینه عنبه طافئه؛

همانا دجال، چشم راستش اعور است؛ مثل دانه انگوری که بر روی آب قرار دارد.(۴)

۱- صحیح مسلم، ج۸، ص۲۰۶.
۲- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۰۲.
۳- صحیح مسلم، ج۸، ص ۱۹۵.
۴- صحیح مسلم، ج۸، ص ۱۹۵.

در سنن ابن ماجه در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است:

إنه شاب قطط دجال؛

دجال جوانی است با موهای به هم پیچیده (مجعد).(۱)

۸. محل خروج دجال

مسلم در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که حضرت فرمود:

انه خارج خله بین الشام والعراق؛

دجال در نقطه ای بین شام و عراق خارج می شود.(۲)

ابن ماجه نیز در سنن خود محل خروج دجال را خله، بین الشام و العراق ذکر می کند.(۳)

ابن ماجه در سنن خود از ابو بکر نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ان الدجال یخرج من ارض بالمشرق یقال لها خراسان؛

همانا دجال، از سرزمینی در مشرق خروج می کند که به آن، خراسان گفته می شود.(۴)

ترمذی در سنن خود، همین حدیث ابن ماجه را نقل می کند.(۵)

۹. دجال به دست عیسی علیه السلام کشته می شود:

در صحیح مسلم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود:

فیطلبه حتی یدرکه بباب لد فیقتله...؛

عیسی علیه السلام دجال را طلب می کند، و او را در باب لد می یابد و

۱- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۷۵.

۲- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۹۷.

۳- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۷۷.

۴- سنن ابن ماجه، ج۲، ح۴۰۷۲.

۵- سنن ترمذی، ج۳، ح۲۳۳۸.

می کشد.(۱)

ابن ماجه در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

... و یقول عیسی علیه السلام ان لی فیک ضربه لن تسبقنی بها فیدرکه عند باب اللد الشرقی فیقتله؛

عیسی علیه السلام می گوید: همانا من به تو [= دجال] ضربه ای بزنم که سابقه نداشته باشد. پس دجال را جلوی درب شرقی لد می گیرد و او را می کشد.(۲)

۱۰. عمر طولانی دجال:

در صحیح مسلم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیث مفصلی با عنوان حدیث جساسه نقل شده که طبق بخشی از آن، دجال به مردم می گوید:

إنی مخبرکم أنی أنا المسیح و إنی أوشک أن یؤذن لی فی الخروج...؛

من به شما خبر می دهم که همان مسیح هستم که نزدیک است به من اذن خروج داده شود.

در صحیح مسلم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده است:

ما بین خلق آدم إلی قیام الساعه خلق أکبر من الدجال؛

از هنگام خلقت آدم تا روز قیامت، خلقتی بزرگ تر از دجال خلق نشده است.

پس معلوم شد که احادیث فراوانی در کتب اهل سنت و نیز در صحاح سته درباره دجال موجود است. البته برخی از این احادیث، چون در

۱- صحیح مسلم، ج۸، ص۱۹۸.
۲- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۷۷.

کتب متعـددی آمـده است، فقط به یک نمونه از آن، اکتفا کردیم و از ذکر برخی دیگر از احادیث به دلیل این که از مضامین مشابهی بر خوردار بودند، خودداری کردیم.

دجال شخص است یا جریان؟

از مباحثی که محققان و صاحب نظران درباره دجال مطرح کرده اند، این است که آیا دجال یک شخص و فرد انسانی است یا یک جریان؟

شهیـد سـید محمد صدر در کتاب گرانقدر خود این نظریه را تقویت می کند که دجال شـخص نیست؛ بلکه یک جریان است. وی می نویسد:

إن الدجال عباره عن مستوی حضاری ایدئولوجی معین معادٍ للإسلام؛

دجال، یک فرهنگ و تمدن و ایدئولوژی معین است که دشمن اسلام است.

مرحوم شـهید صـدر، فرهنگ و تمـدن مادی غرب را همان دجال مـذکور در روایات می داند و دجال را رمز و کنایه و سـمبل حرکت ها و تمدن های مادی ضد اسلام تلقی می کند. ایشان به احادیثی که درباره دجال مطرح شده است، استناد کرده و می گوید:

این که در روایات آمده است که از آغاز خلقت آدم تا کنون، از نظر انحراف مخلوقی بزرگ تر از دجال نیامده است، برهمین معنا دلالت می کند.(۱)

آیت الله مکارم شیرازی نیز در کتاب خود قائل شده است که از

۱- تاریخ مابعد الظهور، ص۱۴۱.

مجموع روایات مربوط به دجال استفاده می شود که دجال یک جریان فکری است، نه شخص خاصی.(۱)

برخی نویسندگان نیز قدم فراتر نهاده و جریان کشته شدن دجال به دست حضرت عیسی علیه السلام یا به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا به امر آن حضرت در منطقه فلسطین را تطبیق کرده اند بر این که یهود و اسرائیل در آن منطقه، به دست عیسی علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نابود خواهند شد.(۲)

در مقابل، برخی محققان و عالمان مثل مرحوم دوانی قائل شده اند که دجال، یک شخص است نه یک فرد و به روایاتی استدلال کرده اند که صفات ظاهری و ویژگی های شخص دجال یا قتل او به دست عیسی علیه السلام (یا به دست امام مهدی) را مطرح کرده و چنین نتیجه می گیرد که این روایات، با جریان نمی سازد؛ بلکه بیشتر بر شخص قابل تطبیق است.

ولی با دقت و توجه کامل در روایات دجال، نظریه نخست بیشتر تقویت می شود و باید گفت: دجال یک جریان فکری و فرهنگ انحرافی شیطانی است و یک شخص نیست.

۱- حکومت جهانی حضرت مهدی، ص ۱۷۱.

۲- المهدی المنتظر، ص۱۷۷.

فصل چهارم: حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص:۱۵۹

آینـده بشـریت و انتهای حیات اجتماعی انسان، همیشه مورد تفکر و تأمل بوده است. انسان های تشـنه عـدالت که همواره خـدا بـاور و دین محور بوده انـد، در پی این هسـتند که بداننـد خداونـد حکیم و علیم، انتهای عالم بشـری را به چه صورت رقم زده است. تعـالیم انبیـا و معـارف ادیـان وحیـانی و توحیـدی، این مطلب را به باور همه رسانـده که انتهای این عالم بشـری و حیات اجتماعی، به ظلم و جور و فسق نیست؛ بلکه روزی مصـلحی از تبار نیکان و پاکان خواهـد آمـد و جهان بشـری را از عـدالت و عشق و صـلح و صـفا سرشار خواهد کرد. هرچند ظهور منجی و موعود آخر الزمان، بشارتی توأم با فطرت آدمیان است، تعالیم انبیا و کتب آسمانی، عمق و اطمینان خاصی به انسان ها می دهد.

بی تردید میان تعالیم انبیا و معارف وحیانی، دین اسـلام این بشارت را با شـفافیت و اطمینان و دقت ویژه ای مطرح کرده است. از آن روزی که آفتاب درخشان اسـلام، با ندای ملکوتی حبیب خدا، حضـرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم طلوع کرد، همه مسلمین این ندای الهی را از لبان مبارک حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدند:

وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِینَ؛

ما اراده کردیم بر آنان که در زمین، مستضعف شدند، منت

ص:۱۶۰

گذاریم و آنان را پیشوای مردم و وارث زمین قرار دهیم.(۱)

و همگی، این آیه را که دل و جان بشری را جلا می داد، شنیدند:

وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ؛

همانا در زبور پس از ذکر [= تورات] نوشتیم که زمین را بندگان شایسته به ارث می برند.(۲)

بایـد دانست خداونـد، همیشه فرمـان هـا و اوامر قطعی و واجب خود را بـا الفـاظی چون«کتب» مطرح می کنـد، تا برخی گمان نبرند احتمال خلاف در آن وجود دارد.

روزی نیز این آیه به مسلمین، چنین وعده داد:

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ؛

او است خدایی که رسول خود را به دین حق و هدایت فرستاد، تا او را برهمه ادیان عالم برتری و تسلط دهد.(۳)

عجیب آن که این آیه دو جای قرآن مطرح شـده است، تا مسـلمین این وعده الهی و بشارت وحیانی را به تمام معنا نوش دل و جان خویش کرده و در راسـتای همین آیات الهی به دنبال مدینه فاضله اسلام باشند. طبق تفاسیر قرآن کریم و روایات متعددی که فریقین در ذیـل این آیـات مطرح کرده انـد، این مطلب مورد اتفـاق همه مسـلمین است که آن روز خواهـد رسـید و در آن روز، سه حقیقت مهم تحقق پیدا خواهد یافت: عزت مسلمین، علو اسلام، عدالت فراگیر.

۱- قصص (۲۸)، آیه ۵.

۲- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۳- توبه (۹): ۳۳، فتح (۴۸): ۲۸.

اکنون درباره حکومت جهانی امام مهدی و فراگیر شدن عدالت و اعتلای اسلام، سخن خواهیم گفت.

الف. نزول عیسی بن مریم

از مطالب مورد اتفاق تمام مسلمین «نزول عیسی بن مریم» در آخر الزمان است که در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می دهد. در روایات متعددی از شیعه و سنی نقل شده است(۱) که عیسی بن مریم در آخر الزمان نزول می کند و از آسمان به زمین می آید؛ به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می کند و مردم را به دین حق و اسلام دعوت می کند و صلیب ها را می شکند و خوک را می کشد. مدت اقامت عیسی علیه السلام نیز در روایات ذکر شده است. برخی از این روایات در صحاح سته ذکر شده است که در ذیل می آوریم:

۱. در صحیح بخاری از ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود:

کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم فإمامکم منکم.

چگونه خواهید بود هنگامی که پسر مریم بین شما فرود آید، در حالی که امام شما از خودتان است؟(۲)

مسلم در صحیح خود این حدیث را با چند سند، مطرح می کند.

ص:۱۶۲

۱- از شیعه مانند: کافی، ج ۸، ص ۵۰، ح۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۰، ح۱۶ و ... . از اهل سنت مانند: مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۴، ح۲؛ الفتن ابن حماد، ص ۳۹۵ و ... .
۲- صحیح بخاری، ج۴، ص۱۴۳.

عبدالعظیم بستوی، در کتابش این حدیث را از چندین کتب معتبر اهل سنت مطرح می کند؛ از جمله: مسند احمد بن حنبل و صحیح ابن حبان و تمام اسناد آن را بررسی می کند و در انتها به حسن اعتبار این حدیث اعتراف می کند.(۱)

در صحیح مسلم از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لا تزال طائفه من أمتی یقاتلون علی الحق ظاهرین إلی یوم القیامه قال: فینزل عیسی بن مریم، فیقول أمیرهم: «تعال صل لنا» فیقول: «لا إن بعضکم علی بعض أمراء تکرمه الله هذه الأمه»؛

پیوسته گروهی از امت من در راه حق جهاد خواهند کرد و پیروز خواهند شد، تا روز قیامت. سپس فرمود: آن گاه عیسی بن مریم فرود خواهد آمد و امیر و پیشوای این گروه به وی می گوید: «بیا برای ما نماز بگزار». او جواب خواهد داد: «نه؛ برخی از شما بر برخی دیگر امیرند و این، به سبب بزرگداشت و تکریم امت اسلامی است».(۲)

در صحیح مسلم از ابوهریره نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

والذی نفسی بیده لیوشکن أن ینزل فیکم ابن مریم حکماً مقسطاً فیکسر الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع الجزیه و یفیض المال حتی لایقبله أحد؛

قسم به خدایی که جانم در دست او است! هرآینه نزدیک است پسر مریم فرود آید، تا حاکم عادل باشد. سپس صلیب

۱- المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه، ص۲۸۵.

۲- صحیح مسلم، ج۱، ص۹۵.

را می شکند و خوک را می کشد و جزیه قرار می دهد و آن قدر مال ببخشد، تا دیگر کسی قبول نکند.(۱)

ابوداوود در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده است:

... ثم ینزل عیسی بن مریم عند المناره البیضاء شرقی دمشق...؛

سپس عیسی بن مریم در مناره سفیدرنگ در شرق دمشق فرود می آید.(۲)

باز ابوداوود در سنن خود از ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

و إنه نازل فإذا رأیتموه فاعرفوه، رجل مربوع، إلی الحمره و البیاض.... فیقاتل الناس علی الاسلام فیدق الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع الجزیه و یهلک الله فی زمانه الملل کلها إلا الإسلام و یهلک المسیح الدجال فیمکث فی الأرض أربعین سنه ثم یتوفی فیصلی علیه المسلمون؛

همانا عیسی فرود می آید. هرگاه او را دیدید، او را بشناسید؛ مردی چهارشانه و سرخ وسفید است... برای اسلام، با مردم می جنگد. صلیب را خرد می کند و خوک را می کشد و جزیه قرار می دهد. خداوند، تمام ادیان را نابود می کند و فقط اسلام باقی می ماند. عیسی دجال را می کشد؛ سپس چهل سال در زمین باقی مانده آن گاه فوت می کند و مسلمین بر او نماز می خوانند.(۳)

در این احادیث، سه نکته مهم مطرح شده است: یکی این که عیسی علیه السلام به

۱- صحیح مسلم، ج۱، ص۹۳.
۲- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۳۲۱.
۳- سنن ابوداوود، ج۲، ح۴۳۲۴.

دین اسـلام است و در ترویـج آن می کوشد؛ به دین اسـلام می میرد و مسـلمین بر او نماز می خوانند. نکته دیگر این که چهل سال در زمین زنـدگی می کند. نکته سوم این که احکام الهی را اجرا کرده و چنان به بخشـش و عدالت با مردم رفتار می کند که دیگر افراد، به مـال، نیـازی نمی یابنـد. در جمع بین این احـادیث، آیا این مطلب به راحتی قابل اثبات نیست که عیسـی علیه السـلام که این کارها را انجام می دهد و در احادیث قبلی نیز آمده که امام او، از بین مسـلمین است، این امام، کسی جز مهدی موعود نیست؟ همان طور که برخی از شارحان صحیح بخاری و مسلم پذیرفته اند که این امام، امام مهدی است.

در سنن ابن ماجه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه مفصلی فرمود:

... إمامهم رجل صالح، فبینما إمامهم قد تقدم یصـلی بهم الصبح إذ نزل علیهم عیسی بن مریم الصبح، فرجع ذلک الإمام ینکص یمشـی القهقهری لیتقـدم عیسـی یصـلی بالناس، فیضع عیسـی یـده بین کتفیه ثم یقول: «تقدم فصل فانها لک أقیمت» فیصل بهم امامهم...؛

امام اعراب، مرد صالحی است. هنگامی که امام جلو می آیـد، تا نماز صـبح بخواند، عیسـی بن مریم فرود می آید. امام، سـر بر می گرداند و عقب عقب می رود، تا عیسـی جلو بیاید و برای مردم نماز صـبح بخواند. عیسی علیه السلام دست خود را بین دو کتف امام می گذارد و می گوید: «جلو برو و نماز بخوان. همانا این جماعت، برای تو است». پس امام با همه آن ها نماز

می خواند.(۱)

در سنن ابن ماجه و همچنین در سنن ابوداوود و سنن ترمذی، احادیث دیگری نیز درباره نزول عیسی علیه السلام وجود دارد که مضامین آن ها واحد و نزدیک به هم است.

برخی مفسران شیعه و سنی، نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان را در تفسیر این آیه کریمه مطرح کرده اند:

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ؛

کسی از اهل کتاب نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می آورد.(۲)

در آخر باید گفت: جمعیت کثیری از جامعه جهانی را مسیحیت تشکیل می دهد و در آخر الزمان که حضرت عیسی علیه السلام نزول می کند، قریب به اتفاق آنان، با تسلیم به حضرت عیسی علیه السلام به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می کنند و با این پذیرش عمومی، حرکت به سوی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسان تر می شود.

ب. واقعه آرماگدون (قرقیسیا)

از مواردی که در روایات شیعی و سنی مطرح شده، واقعه آرماگدون است که از علایم آخر الزمان و نشانه های ظهور مهدی می باشد. جنگ سختی در منطقه ای به نام آرماگدون واقع می شود که در روایات، از آن

۱- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۷۷.

۲- نساء (۴): ۱۵۹.

به«قرقیسا» تعبیر شده است.

این واقعه، در کتب یهودیان و مسیحیان نیز مطرح شده و آن را معرکه ای خطرناك و سنگین ذکر کرده اند.

آرماگدون (هرمجدون) کلمه ای است مشتق از«آر» به معنای کوه و «مگدو» که اسم ناحیه یا کوهی در شمال فلسطین است؛ یعنی آن جنگ عظیم این جا انجام می گیرد. در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان، این واقعه از وقایع ناگزیر پایان تاریخ بشری دانسته شده و معتقدند شیطان، نیروهای خود را از بلاد غرب جمع کرده و در مکانی به نام«آرماگدون» در شرق فلسطین، جنگ سختی صورت خواهد گرفت.

در رؤیای یوحنا آمده است:

برتمام پادشاه زمین می گذرد، تا این که آنان را برای اجتماع برای جنگی عظیم گرد هم آورد... آنان را در مکانی جمع می کند که نام آن آرماگدون است.(۱)

حادثه آرماگدون (قرقیسیا) در روایات شیعی نیز آمده است. مرحوم کلینی درکتاب کافی از امام باقر علیه السلام در این باره نقل کرده است که حضرت فرمود:

آگاه باشید که در آن مکان، واقعه ای اتفاق خواهد افتاد که نظیر آن، از زمان خلقت آسمان و زمین اتفاق نیفتاده است.(۲)

مرحوم نعمانی در کتاب غیبت خود احادیثی نیز در این باره مطرح

۱- رویای یوحنا، ج۱۶، ص۱۴.

۲- کافی، ج۸، ح۴۵۱.

کرده است.(۱)

واقعه آرماگدون از مسایلی است که در عصر حاضر ــ به ویژه در کشورهای غربی ــ مورد توجه قرار گرفته و نویسندگان و تحلیلگران فراوانی را متوجه خود کرده است. دکتر عبدالکریم زبیدی می نویسد:

مؤسسه های دینی در آمریکا، معین کرده اند در لشکریانی که به سمت بیت المقدس حرکت می کنند، میلیون ها لشکر از آمریکا و اروپا، روسیه، ترکیه، مصر و دولتهای مغرب عربی و لشکریان عراق، ایران، لیبی، سودان، قفقاز و سوریه و اردن در آن شرکت خواهند داشت...(۲)

تمام فرقه های مسیحی در آمریکا، از وقوع حادثه آرماگدون خبر می دهند و تمام مؤسسات دینی، همگام با وسایل ارتباط جمعی از رادیو و تلویزیون، کشورهای غربی و آمریکا را متوجه این منطقه کرده اند که به تحقق جنگی هسته ای منجر خواهد شد. آن گاه مسیح، دوباره به زمین فرو خواهد آمد و رهبری عالم رابر عهده خواهد گرفت.

... رونالد ریگان، جورج بوش و کلینتون این سه نفر از رؤسای جمهور آمریکا، به حتمی بودن واقعه آرماگدون ایمان داشته و زمان ریاست جمهوری خود، همگام با سایر دولت های بزرگ، سیاست های خارجی خود را بر اساس این واقعه تنظیم می کردند.

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۸ و ص ۲۸۰.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۸ و ص ۲۸۰.

... حادثه آرماگدون که کلیسا وقوع آن را بشارت می دهد، همان حادثه بزرگی است که قبل از ظهور امام مهدی واقع خواهد شد؛ واقعه بزرگی که در روایات، از آن به «معرکه قرقیسیا» تعبیر شده است.(۱)

این واقعه در نصوص اسلامی در روایات شیعی و سنی مطرح شده است. از مجموع این روایات استفاده می شود فرمانده این جنگ از جانب دشمنان اسلام، شخصی به نام سفیانی است. او با کمک نیروهای یهودی میان مردم تفرقه انداخته و مردم را بر ضد اسلام و اهل بیت علیهم السلام تحریک می کند. وی، تمام محرمات را برای لشکریان خود تجویز می کند و در آخر با تمام نیروهایش، در سرزمین بیداء در زمین فرو می روند؛ ولی قبل از آن در منطقه آرماگدون یا (قرقیسیا) به جنگی تمام عیار خواهند پرداخت. در این جنگ، اتحاد یهودیان از هم پاشیده و بسیاری از آن ها نابود خواهند شد.

روایات درباره این جریان در کتب معتبر اهل سنت و نیز در صحاح سته وجود دارد که به متن آن ها می پردازیم:

۱. بخاری در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که حضرت فرمود:

إنه لاتقوم الساعه حتی تقاتلوا الیهود حتی یقول الحجر ورائه الیهودی: «یا مسلم! هذا یهودی ورائی فاقتله»؛

قیامت بر پا نمی شود تا آن که با یهودیان بجنگید. در آن جنگ، یهودیان به حدی نابود می شوند که حتی سنگی که یک نفر کنار

۱- الغیبه، نعمانی، ص۵۲.

آن پناه گرفته است، می گوید: «ای مسلمان! این یهودی است که کنار من پناه گرفته است. او را به قتل برسان».(۱)

احادیثی با این مضمون، در صحیح مسلم و سنن ابن ماجه نیز موجود است.

فتح کاخ سفید

یکی از احادیثی که از سویی بسیار نوید بخش و دلگرم کننده و از سوی دیگر مایه تعجب است که چرا مورد توجه واقع نشده، حدیثی است که مسلم در صحیح خود از جابر بن سمره نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

عصیبه (عصابه) من المسلمین یفتتحون البیت الأبیض بیت کسری أو آل کسری؛ گروهی از مسلمانان، کاخ سفید را فتح خواهند کرد؛ کاخی که نمادی از کاخ کسری و آل کسری است.(۲)

کاخ سفید، نمادی از مرکز ثروت و قدرت دنیوی و در دنیای امروز، همان مرکز حاکمیت در آمریکا است که هسته استکباری جهان امروز است. بعید نیست دامنه جنگ منطقه آرماگدون و یهودیان، به آمریکا کشیده شود و این کاخ سفید که منشأ ظلم و ستم و فتنه دنیای امروز است، به دست مسلمین فتح شود. نکته قابل توجه آن است که مسلم، این حدیث را در کتاب الاماره مطرح کرده و حدیث نیز حول موضوع

۱- صحیح بخاری، ج۳، ص۲۳۲.

۲- صحیح مسلم، ج۶، کتاب الاماره، ص۴، ح۱۸۲۲.

دوازده خلیفه است؛ بنـابراین در زمـان خلیفه دوازدهم که مهـدی موعود است، این فتـح عظیم ـ ان شا ء الله ـ صورت خواهد گرفت.

ص:۱۷۱

فصل پنجم: ویژگی های حکومت حضرت مهدی عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص:۱۷۳

بی تردید جهان بشریت که اکنون آکنده از ظلم و فتنه و تفرقه است، روزی را خواهد دید که از عدل و داد و یکتاپرستی لبریز باشد. اگر آدمی تاریخ بشری و حکومت های آن را مرور کند، به یقین در می یابد که عصر و زمانه ای نبوده که خالی از ظلم و فساد باشد. در طول تاریخ، این مستکبران و زورمندان بودند که همیشه سد راه پیامبران و سالکان راه حق می شدند و به نص آیات قرآن کریم، همیشه در پی ذلیل کردن مردم و در خدمت گرفتن بندگان الهی در راستای مطامع خویش بودند.

بشر همیشه چشم انتظار آینده بود؛ آینده ای که آرمان و آروزی بشری است. تردیدی نیست که این آرمان بشری، در دکترین مهدویت و در زمانه حاکمیت انسان معصوم تحقق می یابد. حکومت مهدوی، دارای مبانی و آرمان های بزرگ جهانی است که مهم ترین نیازهای فطری بشر را پاسخ می گوید و از این رو، این حکومت مورد وفاق جامعه جهانی و ملل عالم خواهد بود.

مدینه فاضله ای که اسلام با دکترین مهدویت و با حاکمیت یک انسان کامل معصوم ترسیم کرده، دارای چنان عظمتی است که همه، آرزوی آن را دارند. رهایی بشریت از آتش فتنه ها، از دستاوردهای حکومت مهدوی است. در چنین حکومتی است که عدالت، سایه اش را برهمه جهان

می گستراند و با نفوذ در درون خانه به تک تک افراد آرامش می بخشد. در سایه سار چنین حکومت عدالت گستری است که عقول بشری تکامل می یابد و تعالی و سعادت یکایک آدمیان مهیا می شود. توسعه و عمران و آبادانی از شهرها و کشورها عبور کرده و تمام زمین را در بر می گیرد. در چنین حکومتی، کارگزاران و مسؤولان، به اندک خیانتی مجازات می شوند و در لوای چنین حکومتی است که عطر خوش یکتاپرستی و معنویت، جهان را لبریز می کند و همه مصداق این آیه می شوند:

ولو أن اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الأرض؛

اگر اهل شهرها، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آن ها فرو می ریزیم.(۱)

برکات و نعمات الهی به حدی فراوان می شود که هرگز بشر چنین چیزی را ندیده بود.(۲)

الف. حاکمیت اسلام برجهان

بی تردید، دین اسلام دین خاتم است. خاتمیت این دین به سبب معارف و احکامی است که هم جهان شمول بوده و هم در تمام گذر زمان تا قیامت، جوابگو است. طبق وعده الهی در قرآن کریم، جهان روزی را خواهد دید که این دین، بر تمام ادیان دیگر غلبه کرده و بر همه عالم مسلط می شود:

هوالذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۱- اعراف (۷): ۹۶.

۲- مصنف، ج۷، ح ۱۹۴۸۴.

لیظهره علی الدین کله؛

او است خدایی که رسولش را به دین و هدایت خلق فرستاد، تا او را بر همه ادیان عالم برتری دهد.(۱)

آیا می شود پذیرفت مسیحیت یا یهودیت امروز که از تعالیم حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام فقط نامی بر خود گرفته اند و نیز کتاب انجیل و تورات پر از تحریف بتوانند جهان را اداره کنند؟ آیا مسیحیت و یهودیت که امروز بدترین جنایات را در حق مظلومان روا می دارند، ممکن است داعیه دار صلح و عدالت آن هم در جامعه جهانی شوند؟

یکی از دلایل این که قرآن، از هرگونه تحریف مصون مانده، این است که تا ابد بتوان عالم را با آن اداره کرد. این دین مبین اسلام است که معارف وحیانی و احکام شفاف و خالص آن، با سیره و سنت نبوی به وسیله یک انسان معصوم و کامل در عالم حکمفرما می شود.

در سنن ابوداوود از ام سلمه نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

و یعمل فی الناس بسنه نبیهم و یلقی الإسلام بِجِرانه الی الارض؛

و او در بین مردم به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند و اسلام را بر تمام زمین، سلطنت و عزت می دهد.(۲)

نیز از ابوهریره نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... و یهلک الله فی زمانه الملل کلها الا الاسلام...؛

در آخر الزمان، خداوند تمام ادیان را نابود می کند، مگر اسلام

۱- فتح (۴۸): ۲۸؛ توبه (۹): ۳۳.

۲- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۸۶.

را....(۱)

این روایات و روایات دیگری با این مضمون که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر یک روز از عمر این دنیا باقی بماند، خداوند آن قدر آن روز را طولانی خواهد کرد که مهدی از خاندان من ظهور کند و برمردم حکومت کند»، همگی می فهمانند که انتهای جهان، همراه غلبه دین اسلام و با حاکمیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. البته موضوع فراگیر شدن اسلام و حاکمیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر کل جهان از مواردی است که در روایات متعدد شیعی نیز مطرح شده است.

برای نمونه مرحوم شیخ صدوق ازحضرت امام باقر علیه السلام نقل می کند:

القائم منصور بالرعب، مؤید بالنصر، ... و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و یظهر الله عزوجل به دینه و لو کره المشرکون.(۲)

ب. عدالت گستری

از اموری که بشر همیشه خواستار آن بوده، عدالت است. از آن جا که بیشتر حاکمان و دولتمردان در طول تاریخ، با ندای عدالت خواهی و عدالت گستری قیام کرده و پس از کسب قدرت و حکومت، فوراً لباس استبداد وخودخواهی می پوشیدند، بشر همیشه عدالت را در رؤیا و آرزوی خود جست وجو می کند، تا روزی تحقق یابد.

در روایاتی(۳) که درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت آن حضرت مطرح

۱- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۳۲۴.

۲- کمال الدین صدوق، ج ۱، باب ۳۰.

۳- در روایات شیعی: کمال الدین، ج ۲، ص ۵۷۸ و در روایات اهل سنت: عقدالدرر، باب ۳، ص ۶۷؛ الصواعق المحرقه، ج ۲، ص ۴۷۹؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷.

شـده است، می بینیم عـدالت گستری در سراسـر گیتی، در رأس آرمان های آن حکومت قرار دارد. با عـدالت است که روابط غیر انسـانی و تبعیض و ظلم و فسـاد می سوزد و بر باد می رود. قرآن کریم، این عطش انسانی و درد درون انسانی را چه زیبا و به جا تشخیص داده است که می فرماید:

« لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...»؛

همانـا مـا پیـامبران را بـا نشـانه هـای آشـکار فرسـتادیم، و بـا آنـان کتـاب و میزان فرسـتادیم تـا مردمـان بـه عـدالت و دادگری برخیزند.(۱)

اکنون به نقل برخی روایات اهل تسنن درباره عدالت گستری در آخرالزمان می پردازیم:

در سنن ابو داوود آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لولم یبق من الدنیا إلا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلاً منی... یملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بمانـد، خداونـد آن روز را آن قـدر طولانی می کنـد، تا مردی از خانـدان مرا برانگیزد... تا زمین را پر از عدل و داد کند؛ همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد.(۲)

۱- حدید (۵۷): ۲۵.

۲- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۸۲.

باز ابوداوود در سنن خود از ابو سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل می کند:

المهدی منی... یملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً یملک سبع سنین؛

مهدی ازمن است ... زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد. او هفت سال حکومت می کند.(۱)

در سنن ابی ماجه نیز به همین مضمون از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت نقل شده است.(۲)

نکته قابل توجه در این روایات کلمه «ارض» است؛ یعنی عدالت گستری حضرت مهدی، در گستره جغرافیای خاصی نیست؛ بلکه کل عالم را می گیرد و از عدالتش لبریز می کند. این عدالت، به مسایل اقتصادی یا سیاسی و غیره مقید نشده است. هم عدالتش گسترده است و هم جغرافیای عدالتش جهان را در بر می گیرد. این خصوصیات از کسی جز انسان معصوم برنمی آید؛ انسانی که بر همه عالم مسلط باشد و در تمام عالم، عدالت را به تمام معنا اجرا کند.

ج. تقسیم اموال و بخشش فراوان

شکی نیست جامعه ای که در سایه عدالت، آن هم به هدایت انسان معصوم به پیش برود، یک جامعه سعادتمند و رو به ترقی و تعالی است. در چنین جامعه ای، همان طور که مردمان با عبادت و بندگی تعالی

۱- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۸۵.

۲- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۸۲.

می یابنـد، رهبران و امامان این جامعه نیز با مردمان رفتار خاصـی اعمال می کنند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در چنین جامعه ای که از عـدالت و صـلح و معنویت آکنده شود، کرم و فضل و بخشـش خود را به اوج می رساند؛ هر انسانی که احساس نیاز کرد، فوراً نیازش برطرف می شود و از این بالاتر، آن قـدر به مردم می بخشد که دیگر کسـی احساس نیاز نکند و همه لبریز از بخشش و احسان او می شوند.

مسلم در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

یکون فی آخر أمتی خلیفه یحثی المال حثیاً لایعده عدداً؛

در آخر امت من، خلیفه ای خواهد بود که مال را فراوان بخشش می کند و شمارش نخواهد کرد.(۱)

ترمذی در سنن خود از ابو سعید خدری نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... فیجئ إلیه الرجل فیقول: «یا مهدی اعطنی اعطنی» قال فیحثی له فی ثوبه ما استطاع أن یحمله؛

مردی نزد مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف می آیـد و از وی کمک درخواست می کنـد و مهـدی، تا آن جا که آن مرد بتواند حمل کند، به او می بخشد.(۲)

ابن ماجه در سنن خود نیز احادیثی با این مضمون از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند.

۱- صحیح مسلم، ج ۸، ص۱۸۵.
۲- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۳۳۳.

د. رفاه اقتصادی

در حکومتی که امام مهـدی آن را رهبری و مدیریت می کند، همه چیز در سایه عدالت محوری و معنویت خواهی به پیش می رود. از ثمرات این جـامعه و حکومت مهـدوی، آن است که جـامعه بشـری در رفاه اقتصادی و آسایش عمومی به سـر ببرد. در چنین جامعه ای است که انسان ها در مسایل معیشتی، احساس بی نیازی کرده و به سـمت تعالی و سـعادت، ترقی می یابنـد. در دنیـای کنـونی، شاهـدیم که عامـل عمـده گرفتـاری هـای اقتصـادی و معیشـتی طبقـات و کشورهـای مستضـعف، ثروتمنـدان و کشورهـای صاحب سـرمایه های کلان هسـتند. صاحبان سـرمایه های کلان و ثروت های عمـده جهان، همیشه به دنبال افزایش ثروت و قـدرت خود بوده و در این راسـتا، عرصه را برکشورهای ضـعیف و مردمان مستضـعف تنگ کرده اند. امروز به حدی این مسـأله بالا گرفته است که مهم ترین نیاز ملتها و کشورهای محروم، مسایل اقتصادی و معیشتی شـده و کمتر به تکنولوژی و پیشرفت های دیگر پرداخته اند.

امـا در حکومت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از آنجا که عـدالت بر تمام کره زمین سایه رحمت می افکنـد، همه مردم در راسـتای این عـدالت به پیش می رونـد و مورد بخشـش هـای نامحـدود امامشان قرار می گیرنـد؛ لـذا از حیث مادی و اقتصادی، احساس بی نیازی می کنند و این یکی از آرمان ها و آرزوهای بشری است.

ابن ماجه در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود:

یکون فی أمتی المهدی... فتنعم فیه أمتی نعمه لم ینعموا مثلها قط...؛

ص:۱۸۱

مهدی میان امت من خواهد بود.... مردم در زمان او به چنان نعمتی دست یابند که در هیچ دوره ای ندیده باشند...(۱)

در منابع شیعی، این موضوع نیز در روایات متعددی آمده است؛ از جمله مرحوم شیخ مفید در کتاب ارشاد خود آورده است که امام علیه السلام فرمود:

اذا قام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف حکم بالعدل ... فحینئذ تظهر الأرض کنوزها أو تبدیء برکاتها ولایجد الرجل منکم یومئذ موضعاً لصدقته و لابرّه لشمول الغنی جمیع المؤمنین؛

زمانی که قائم قیام کند، به عدالت حکومت می کند.... پس آن هنگام، زمین، گنج های خود را نمایان کرده و برکاتش را ظاهر می کند. آن هنگام، کسی را نمی یابید که مستحق صدقه و خیرات باشد؛ چون همه مؤمنان در غنا و ثروت قرار می گیرند.(۲)

ه. فتوحات امام مهدی

بی تردید امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیطره بر همه جهان، اسلام را بر همه دنیا عرضه خواهد کرد و همه مردم متدین به دین حق خواهند شد؛ ولی برای این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام و انقلاب جهانی خود را که از کنار خانه خدا و با بیعت یارانش آغاز می کند تا کل جهان ادامه دهد، به حرکت ها و فتوحاتی نیاز است. البته امکان دارد بیشتر مردم عالم با اراده الهی، مطیع این دین و این رهبر آسمانی بشوند؛ ولی جباران و مستکبرانی هستند که سرکشی می کنند؛ لذا جنگ ها و درگیری هایی صورت خواهد

ص:۱۸۲

۱- سنن ترمذی، ج۳، ح ۲۳۳۳.

۲- ارشاد، ج ۲، ص ۳۸؛ منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۴۳، ح۱.

گرفت و حضرت با امداد و اراده الهی برهمه آن ها پیروز خواهند شد. در روایات شیعه و سنی، بعضی از شهرها و کشورها بر شمرده شده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن ها را فتح خواهد کرد. برخی محققان نیز طبق روایات، نقشه حرکت و فتح امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از حجاز و عربستان تا دیگر شهرها و کشورها معین کرده اند.

این مطلب نیز در صحاح سته، چند جا مطرح شده که مهم ترین آن، در سنن ابن ماجه آمده است. ابن ماجه از ابوهریره نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لولم یبق من الدنیا إلا یوم لطوله الله عزوجل حتی یملك رجل من أهل بیتی یملك جبل الدیلم و القسطنطنیه؛

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند، آن روز را آن قدر طولانی می کند، تا مردی از خاندان مرا به حاکمیت رساند و برکوه های دیلم و قسطنطنیه حکومت کند.(۱)

در سنن ابن ماجه، سخن از فتح روم و فتح جزیره العرب و فتح قسطنطنیه نیز در احادیث متعددی مطرح شده است.(۲)

استاد نجم الدین طبسی در کتاب ارزشمند خود می نویسد: این که در روایات اسم برخی از شهرها را مطرح کرده به این دلیل است که این شهرها در آن روزگار، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.(۳)

۱- سنن ابن ماجه، ج۲، ح۲۷۷۹.

۲- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۹۱.

۳- چشم اندازی به حکومت مهدی، ص۱۲۱.

و. مدت حکومت امام مهدی

یکی از مواردی که درباره حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده و در صحاح سته نیز در این باره احادیثی ذکر کرده اند، مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ترمذی در سنن خود از ابو سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرد که فرمود:

إن فی أمتی المهدی یخرج یعیش خمساً أو سبعاً أو تسعاً سنین؛

همانا در امت من، مهدی است که ظهور کرده و پنج یا هفت یا نه سال زندگی می کند.(۱)

ابن ماجه در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

یکون فی أمتی المهدی إن قصر فسبع و إلا فتسع؛

در امت من مهدی می باشد. اگر کم بشود، هفت سال وگرنه، نه سال حکومت می کند.(۲)

ابوداوود نیز در سنن خود از ام سلمه حدیثی با همین مضمون نقل می کند.(۳)

ابی داوود حدیث دیگری با سند دیگری نقل می کند که مدت حکومت حضرت مهدی را ۹ سال می داند.

۱- سنن ترمذی، ج۳، ح۲۳۳۳.
۲- سنن ابن ماجه، ج۲، ح ۴۰۸۳.
۳- سنن ابوداوود، ج۲، ح ۴۲۸۶.

نتیجه

اعتقاد بـه منجی و موعـود، عقیـده ای فراملی و فرادینی بـوده و فطرت هر آدمی بـا آن عجیـن است. این موعـود، در هر دین و ملتی، به اسم و ویژگی خاصـی است. اعتقاد به مهدی و ظهور آن حضـرت به عنوان منجی عالم بشریت، یک باوری اسلامی و مورد اتفاق تمامی مسلمین است.

در صـحاح سـته که معتبرترین کتب اهل سـنت و موثق ترین منابع آنان می باشد، این موضوع مطرح شده است؛ هرچند در این بین ـ به خصوص در عصـر حاضـر ـ بعضـی از نویسـندگان مسلمان، از روی ناآگاهی یا خدای ناکرده از روی غرض ورزی، این اعتقاد را منحصـر به شیعه دانسته اند؛(۱) در صورتی که این اعتقـاد، مورد اجمـاع همه مسـلمین است و روایات آن، نه تنها مورد پذیرش فریقین، بلکه متواتر است. امروز تشکیک در چنین اموری که از اعتقادات تمام مسلمین به شمار می رود، به یقین کـاری بس خطرنـاک و در راسـتای توطئه های دشـمنان اسـلام خواهـد بود؛ همان دشـمنانی که نه تنها حاضـر نیسـتند معارف اسلامی در جهان نشر پیدا کند؛ بلکه از اتحاد و انسجام بین مسلمین نیز در نگرانی و عذاب هستند و در این زمینه از هیچ توطئه ای دست برنداشته و نمی دارند.

طبق روایات صـحاح سـته که در این کتاب تبیین شد، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان فاطمه علیها السلام و خلیفه دوازدهم است. حتی ویژگی ها و خصوصیات آن حضرت و ظهور علایم آن حضرت توضیح

ص:۱۸۵

۱- ضحی الاسلام، ج۳، ص۲۴۱.

داده شـده. در نهـایت، حکومت جهانی آن حضـرت تشـریح شـد که با سه مولفه مهم همراه است. عزت مسـلمین، علو اسـلام، عدالت فراگیر.

همه این مباحث، فقط از صـحاح سـته برداشت شد، تا از معتبرترین کتب اهل سنت استخراج شده باشد. در پایان، ذکر دو نکته را تحت عنوان نتیجه بحث لازم می دانیم:

۱. از مؤلفه های مهم پژوهش های آینـده نگر آن است که به مردم، روحیه امید به آینده ببخشد و تصویری روشن و شـفاف از آینـده را در ذهن مردم ایجاد کند، تا مردم در سـختی ها و گرفتاری های فراوان زندگی، دچار انفعال نشوند. در دنیای کنونی که دشمنان، عرصه را بر اسلام و مسلمین واقعی تنگ کرده اند، چنین مباحث امید بخشی، راهگشا به سوی آینده است.

شهید مرتضی مطهری می نویسد:

آرمـان و قیـام و انقلاـب مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف یک فلسـفه بزرگ اجتماعی اسـلامی است. این آرمان بزرگ گذشـته از ایـن کـه الهـام بخش آینـده و راهگشـا به سـوی آینـده است، آیینه بسـیار منـاسبی است برای شـناخت آرمـان هـای اسلامی.(۱)

امروزه تمـام محققـان کشورهای پیشـرفته به هر گونه می کوشـند با ارائه برنامه های خود، مردم را برابر آینـده، امیـدوار و فعال نگـاه دارنـد؛ پس بر مـا لاـزم است در راسـتای فرهنـگ و تمـدن اسـلامی و بر اساس کتاب و سـنت، مردم را با آثار و معارف مهدوی آشنا کرده و آینده درخشانی را

۱- قیام و انقلاب مهدی، ص۵۷.

به همه نوید دهیم، تا جهان اسلام را به یک حرکت فعال همه جانبه فرا خوانند.

لازم است در این زمینه، هم مردم را با وجود آن انسان معصوم آشنا نمود و هم روحیه امید را در مردم زنده کرد، تا تمام مسلمین در جامعه ای مهدوی و ولایی و جامعه سراسر نشاط و امید زندگی کنند که چنین جامعه ای، رو به سعادت و کمال است.

۲. همه جوامع، به دنبال اتحاد ملی هستند و حتی برخی مواقع، به وحدت های فرضی می پردازند، تا در راستای آن، از تفرقه دوستان و همراهان خود بپرهیزند؛ چون اتحاد ملی، همچون یک اصل ضروری در جوامع در تمام زمان ها مطرح بوده است.

مرحوم علامه طباطبایی می نویسد:

انسان موجودی است که به اتحاد و انسجام درونی رغبت داشته و حضور او در اجتماع، این تمایل را رنگین تر می کند.(۱)

قرآن کریم در آیات متعدد، عوامل گوناگونی را برای اتحاد و انسجام مسلمین مطرح می کند، تا مسلمین را کنار یک دیگر منسجم و متحد نگه دارد. به تعبیر بعضی از عالمان دینی، قرآن کریم در پی ساختن امت واحد و منسجم اسلامی و الهی است.(۲)

سخن آخر این که لازم است موضوع مهمی چون «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » را که آینده جهان و تاریخ انسانی بر محوریت آن دور می زند، ارج نهیم و بدانیم تشکیک و تردید در آن، آب در آسیاب دشمن غدار کوبیدن

۱- المیزان، ج۲، ص۱۲۶.

۲- پیام قرآن، ج ۷، ص۲۸.

است؛ پس باید تمام برنامه ریزی های کلان خود را در آن راستا به حرکت درآوریم، تا همه مسلمین به یک افق بنگرند و همه زیر یک پرچم، حرکت کنند و همه به یک مولا دل بسپارند؛ زیرا در دنیای کنونی، تنها راه سعادت بشری، حرکت در راستای دکترین مهدویت و معارف مهدوی است.

ص:۱۸۸

منابع و مأخذ

۱. البانی، ناصرالدین، سلسله الاحادیث الصحیحه، ریاض، مکتبه المعارف، ۱۴۱۵ق.

۲. ابن ابی شیبه، محمد، المصنف فی الاحادیث و الآثار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.

۳. ابن تیمیه، احمد، علم الحدیث، بیروت، عالم الکتب، ج۲، ۱۴۰۵ق.

۴. ابن حبان، ابوحاتم محمد، صحیح ابن حبان، بیروت، موسسه الرساله، ج۳، ۱۴۱۸ ق.

۵. ابن حماد، نعیم، الفتن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج۲، ۱۴۱۸ ق.

۶. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، دارالفکر، بی نا، بی تا.

۷. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۸. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، بیروت، دارالاضواء، ج۲، ۱۴۰۹ق.

۹. ابن صبان، محمد بن علی، اسعاف الراغبین، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۱۰. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، علوم الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.

۱۱. ابن عساکر دمشقی، علی بن هبه الله، تاریخ دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

ص:۱۸۹

۱۲.ابن القیم الجوزیه، شمس الدین، المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، مکتب المطبوعات الاسلامیه، بی جا، بی تا.

۱۳.ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، النهایه فی الفتن و الملاحم، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق.

۱۴.ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۱۵.ابن منادی، احمد بن جعفر، الملاحم، دار السیره، بی جا، ۱۴۱۸ق.

۱۶.ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۱۷.ابوداوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابو داود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.

۱۸.امین، احمد، ضحی الاسلام، مصر، مکتبه الاسره، بی تا.

۱۹.امین، احمد، المهدی و المهدویه، مصر، دارالمعارف، ۱۳۵۱ق.

۲۰.ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۲۱.بخاری، محمد بن اسماعیل، تاریخ کبیر، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۲۲.بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.

۲۳.برزنجی، محمد، الاشاعه لاشراط الساعه، بی نا، قاهره، ۱۳۷۰ق.

۲۴.بستوی، عبدالعظیم، المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۰ق.

۲۵.بستوی، عبدالعظیم، المهدی المنتظر فی الاحادیث الضعیفه و الموضوعه، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۰ ق.

۲۶.بکری، شیخ مصطفی، الهدایه الندیه للأمه المهدیه، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۷.ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، الجامع الصحیح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

۲۸.تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، بی جا، منشورات الرضی، ۱۴۰۹ق.

۲۹.جزری، ابن اثیر، جامع الاصول من احادیث الرسول، بیروت، داراحیا التراث العربی، ج۲، ۱۴۰۰ق.

ص:۱۹۰

۳۰.جزری دمشقی، محمد، اسمی المناقب، بی جا، بی نا، ۱۴۰۳ق.

۳۱.جوینی، علی بن محمد، فرائد السمطین، بیروت، ۱۴۰۰ق، موسسه المحمودی للطباعه و النشر.

۳۲.حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۸ق.

۳۳.حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲ ش.

۳۴.حمزاوی، حسن، مشارق الأنوار، مصر، بی نا، ۱۳۰۷ ق.

۳۵.حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، بی تا.

۳۶.خطیب، محمد عماج، اصول الحدیث، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۳۷.ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، بیروت، موسسه الرساله، ج۴، ۱۴۰۶ق.

۳۸.رشیدرضا، محمد، المنار، بیروت، دارالفکر، چ۲، بی تا.

۳۹.رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.

۴۰.رضوانی، علی اصغر، امام شناسی، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۵ ش.

۴۱.رضوانی، علی اصغر، علایم ظهور، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ش.

۴۲.سبط جوزی، تذکره الخواص، بیروت، اهل البیت، بی تا.

۴۳.سلیمیان، خدامراد، فرهنگنامه مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، ۱۳۸۳ ش.

۴۴.سفارینی حنبلی، شمس الدین محمد، لوائح الانوار البهیه، مصر، بی نا، ۱۳۲۴ق.

۴۵.سیوطی، ابوبکر جلال الدین، العرف الوردی فی اخبار المهدی (الحاوی للفتاوی)، بیروت، دارالفکر، ج۲، ۱۴۱۴ق.

۴۶.سیوطی، جلال الدین، الدرالمنثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

۴۷.شانه چی، کاظم، علم الحدیث، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج۱۶، ۱۳۸۱ ش.

۴۸.شبراوی شافعی، محمد بن عامر، الإتحاف بحب الأشراف، بی جا، بی نا، بی تا.

۴۹.شبلنجی، سید مومن بن حسن، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، بیروت، دارالکتاب العلمیه، بی تا.

۵۰.شعرانی، عبدالوهاب، الیواقیت والجواهر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۵۱.شوکانی، محمد بن علی، التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی، بی جا، بی نا، بی تا.

۵۲.صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر، قم، انتشارات حضرت معصومه، ۱۴۱۹ق.

۵۳.صدر، سید محمد، تاریخ ما بعدالظهور، قم، الغدیر، بی تا.

۵۴.صدوق، محمد بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۵۵.صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، هند، المجلس العلمی، ۱۳۹۰ق.

۵۶.طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج۲، ۱۴۰۶ق.

۵۷.طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قم، مکتبه الأمین، ۱۳۸۰ش.

۵۸.طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.

۵۹.طبسی، نجم الدین، جزوه صحاح سته، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۵ش.

۶۰.طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، بیروت، مکتبه الهلال، بی تا.

۶۱.طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، قم، موسسه معارف اسلامی، بی تا.

۶۲.عامری، هادی، مهدی در کتب اهل سنت، قم، پیام حجت، ۱۳۸۶ش.

۶۳.عبداللهی، عبدالکریم، طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵ش.

۶۴.عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.

۶۵.عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۶۶.العمیدی، سیدهاشم ثامر، در انتظار ققنوس (المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی)، قم، انتشارات موسسه پژوهشی امام خمینی، ج۲، ۱۳۸۲ش.

۶۷.غماری، ابوالفیض احمدبن محمد، ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، دمشق، مکتبه الترقی، ۱۳۴۷ق.

۶۸.فقیه ایمانی، مهدی، الامام المهدی عنداهل السنه، قم، مجمع العالمی لاهل البیت، ۱۴۱۸ ق.

۶۹.قاری، ملا علی بن سلطان، المشرب الوری فی مذهب المهدی، بی جا، بی نا، بی تا.

۷۰.قندوزی حنفی، سلیمان، ینابیع الموده، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۱۸ق.

۷۱.کتانی مالکی، محمد بن جعفر، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، بی جا، مطبعه المولودیه، ۱۳۲۸ ق.

۷۲.کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳ش.

۷۳.کنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب، بیروت، دار المحجه البیضاء، ۱۴۰۱ق.

۷۴.کنجی شافعی، محمدبن یوسف، البیان فی اخبارصاحب الزمان، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.

۷۵.کورانی، علی، عصر ظهور، قم، موسسه معارف اسلامی، بی تا.

۷۶.کورانی، علی، معجم احادیث المهدی، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۷۷.متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.

۷۸.متقی هندی، علاءالدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، مکه، بی نا، ۱۴۰۸ق.

۷۹.مزی، یوسف، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت، موسسه الرساله، بی تا.

۸۰.مسلم قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، بیروت، دارالفکر، ج۲، ۱۳۹۸ق.

۸۱.مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (ج۱۸ مجموعه آثار) انتشارات صدرا، تهران، ج۲۱، بی تا.

۸۲.مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۴۱۶ق.

ص:۱۹۳

۸۳.مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی حضرت مهدی، قم، انتشارات نسل جوان، بی تا.

۸۴.مناوی، محمدعبدالرئوف، فیض القدیر، بیروت، دارالفکر، ج۲، ۱۳۹۱ق.

۸۵.نسائی، ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب، سنن، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۸۶.نعمانی، ابراهیم بن محمد، الغیبه، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ش.

۸۷.نووی، یحیی بن شرف، شرح صحیح مسلم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

۸۸.هیتمی، ابن حجر، الصواعق المحرقه، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۷ق.

۸۹.هیثمی، نورالدین، مجمع الزاوئد و منبع الفوائد، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

نشریات

۹۰. فصلنامه انتظار موعود، شماره۱-۲۳، وابسته به مرکز تخصصی مهدویت، قم.

۹۱. شمس ولایت، ویژه نامه نیمه شعبان، بنیاد فرهنگی و خیریه نیمه شعبان، تبریز.

ص:۱۹۴

لیست محصولات انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

ردیف

نام کتاب

مخاطب

قیمت (ریال)

۱

تا ظهور (۲ جلد)

۲۸ عمومی

۶۵۰۰۰

۲

آینده جهان (کتاب سال حوزه)

دانشجویان _ طلاب

۳۸۰۰۰

۳

فرهنگ نامه مهدویت

دانشجویان _ طلاب

۶۸۰۰۰

۴

دکترین مهدویت

دانشجویان _ طلاب

۲۰۰۰۰

۵

مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی

دانشجویان

۲۵۰۰۰

۶

انتظار پویا

همه قشر (به غیر از دانش آموزان)

۹۰۰۰

۷

جوانان یاوران مهدی(عج)

جوانان

۶۰۰۰

۸

نینوا و انتظار، تأملی نو

عمومی

۲۸۰۰۰

۹

ضرورت طرح مباحث مهدویت

عمومی

۱۰۰۰۰

۱۰

امام زمان(عج) در کلام آیت الله بهجت

عمومی

۱۲۰۰۰

۱۱

امام مهدی(عج) در قرآن

عمومی

۱۰۰۰۰

۱۲

امام مهدی(عج) در احادیث شیعه و سنی

عمومی

۱۰۰۰۰

۱۳

زمزمه های انتظار

مجریان _ عمومی

۹۰۰۰

۱۴

مهدی ستیزان

عمومی

۴۵۰۰

۱۵

اندیشه مهدویت و آسیب ها

عمومی

۷۰۰۰

۱۶

فصلنامه علمی- تخصصی انتظار (۲۸-۱)

فرهیختگان

۲۰۰۰۰

۱۷

پژوهشی عقلی پیرامون حضرت مهدی (عج)

عمومی

۳۵۰۰

۱۸

طلوع خورشید

دانش آموزان _ عمومی

۶۰۰۰

۱۹

امام مهدی(عج) در حدیث ثقلین

عمومی

۲۰۰۰۰

۲۰

زنان در حکومت امام زمان (عج)

عمومی

۲۵۰۰

۲۱

شمیم (برگزیده ای از مباحث درباره امام زمان(عج))

دانش آموزان

۸۰۰۰

۲۲

دولت مهدی(عج) سیرت مهدی(عج)

عمومی

۴۰۰۰

۲۳

لوح فشرده «نقد فیلم نوستر آداموس»

عمومی

۱۵۰۰۰

۲۴

نگاهی دوباره به انتظار

عمومی

۶۵۰۰

۲۵

درسنامه مهدویت (۱)

تخصصی (طلاب _ دانش جویان _ فرهیختگان)

۲۸۰۰۰

ص:۱۹۵

تخصصی (طلاب _ دانش جویان _ فرهیختگان)

۲۸۰۰۰

تخصصی

۳۵۰۰۰

بچه ها

۱۰۰۰۰

دانشجویان و طلاب

۲۶۰۰۰

نوجوانان

۱۰۰۰۰

عمومی

۶۰۰۰

جوانان

۳۸۰۰۰

فرهیختگان

۱۰۰۰۰

عمومی

۱۲۰۰۰

عمومی

۸۰۰۰

عمومی

۷۰۰۰

عمومی

۵۰۰۰

دانشجویان _ طلاب

۱۵۰۰۰

پیش دانشگاهی _ دانشجویان

۲۸۰۰۰

جوانان _ دانش آموزان

۱۴۰۰۰

عمومی

۱۴۰۰

دانشجویان _ طلاب _ فرهنگیان

۴۰۰۰۰

عمومی

۸۰۰۰

تخصصی

۲۸۰۰۰

عمومی

۲۵۰۰۰

عمومی

۳۰۰۰۰

عمومی

۲۵۰۰۰

ص:۱۹۶

۱

منجی در ادیان

تخصصی

۳۲۰۰۰

۲

سی دی آفتاب عشق

عمومی

۱۰۰۰۰

۳

تو را من چشم در راهم

عمومی

۱۲۰۰۰

۴

پیچک انحراف

عمومی

۳۰۰۰۰

۵

نقد و بررسی اسرائیلیات

تخصصی

۴۵۰۰۰

۶

لوح فشرده «جزیره خضرا»

عمومی

۱۰۰۰۰

۷

تربیت نسل منتظر

عمومی

۲۵۰۰۰

نحوه تقاضا:

وجه کتاب درخواستی را به حساب سیبا (۰۱۰۵۶۴۱۹۳۴۰۰۹) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با نام و تعداد کتاب های درخواستی و آدرس دقیق پستی، به نشانی ذیل از طریق پست یا فکس ارسال نمائید.

نشانی: قم- خیابان شهداء (صفائیه)- کوچه آمار (۲۲)- بن بست شهید علیان- پلاک ۲۴- مرکز تخصصی امامت و مهدویّت / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱-۰۲۵۱، فاکس:۷۷۳۷۱۶۰- ۰۲۵۱ / صندوق پستی: ۱۱۹/۳۷۱۳۵

یادآوری:

خریداران عمده از تخفیف ویژه برخوردار می باشند.

ص:۱۹۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹